

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به خانواده‌های سرزمین پرشکوهم؛
ایران

خودآموز فرآموز
**پیشگیری از تخریب اموال عمومی
و وندالیسم**

راهنمای ویژه‌ی والدین

مؤلفان:

دکتر سیامک طهماسبی
حامد بابکری
سکینه پورطالب
مهدی امیری
فاطمه مرادی

به سفارش اداره کل سلامت شهرداری تهران

با تشکر از مریم یارمحمدی، احد عبدی، اعظم آبنیکی و حسن رفیعی

ویرایش متن: زینت احمدی
صفحه‌آرایی: زانبار بابکری
طراحی جلد: ابوالفضل قهرمانی

انتشار این کتاب در نشست شماره ۳۰ مورخ ۱۴۰۰/۵/۲۶
شورای چاپ و نشر شهرداری تهران به تصویب رسیده است.



فهرست

۶	مقدمه
۱۰	سخنی با والدین
	بخش اول: پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
۱۰	پیش‌آزمون
۱۶	وندالیسم
۲۴	آثار وندالیسم در فضای شهری
۲۶	وندالیسم در کجا اتفاق می‌افتد؟
۲۸	وندالیسم؛ بیماری یا جرم؟
۳۰	نکات کلیدی در خصوص وندالیسم
۳۲	تفاوت‌های رشدی و جنسی در وندالیسم
۳۶	عوامل مؤثر بر بروز وندالیسم
۳۷	عوامل فردی
۳۷	هیچانات روحی
۳۸	خودنمایی
۳۹	عوامل خانوادگی مؤثر بر وندالیسم
۳۹	تنبیه، شدت عمل بیش‌ازحد و سختگیری افراطی
۳۹	زیاده‌روی در ابراز مهر و محبت و مراقبت و محافظت بیش‌ازاندازه
۴۰	توقعات نامعقول و انتظارات نابجا از فرزندان
۴۰	نظم و انضباط نامعقول و افراطی
۴۱	عوامل اجتماعی مؤثر بر وندالیسم
۴۱	تضاد طبقاتی
۴۲	تربیت اجتماعی
۴۳	مالیات و خدمات
۴۳	رابطه‌ی وندالیسم با سایر بزهکاری‌ها
۴۵	راهکارهای مناسب برای مقابله با وندالیسم
۵۰	راهکارهای محله‌محور مقابله با وندالیسم کودکان
۵۱	وندالیسم فرهنگی
۵۳	مبارزه با وندالیسم فرهنگی
۵۷	احترام به اموال مدرسه و جامعه الگویی
۵۸	راهکارهای دینی در زمینه‌ی بازدارندگی از کج‌روی و وندالیسم

بخش دوم: ارتقای مهارت‌های والدگری

۶۲	سبک‌های فرزندپروری
۶۳	سبک فرزندپروری سهل‌گیر
۶۶	سبک فرزندپروری مستبدانه
۶۹	سبک فرزندپروری بی‌تفاوت
۷۲	سبک فرزندپروری مقتدرانه
۷۶	شیوه‌های فرزند پروری و وندالیسم
۸۰	ایجاد رابطه‌ی مثبت با کودک
۸۴	افزایش رفتار مثبت در فرزندان
۸۵	بایدها و نبایدها در تعامل با فرزندان
۸۵	توجه به رفتارهای مثبت
۸۵	محدود کردن پاسخ‌های منفی
۸۵	کاستن امکان بروز رفتار منفی
۸۶	دنبال مقصر نگشتن
۸۷	اهمیت دادن به مشکلات فرزند
۸۷	فراموش نکردن خود
۸۸	اصول دستوردادن به فرزندان
۹۰	فعالیت‌های آموزشی و پرورش مهارت‌ها
۹۰	بازی
۹۴	قصه
۱۰۲	نقاشی
۱۰۴	ملاحظات معنوی
۱۰۵	مهارت صبر
۱۱۰	حل مسئله معنوی
۱۱۷	بخشایشگری
۱۲۱	ملاحظات رسانه‌ای
۱۲۴	راهنمای دانلود محتوای مناسب برای کودک و نوجوان
۱۲۵	فیلم‌های سینمایی
۱۲۷	سریال‌ها
۱۳۰	بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی
۱۳۶	ملاحظات درسی
۱۵۲	دعا و نیایش
۱۵۴	منابعی برای مطالعه‌ی بیشتر
۱۵۶	منابع

◀ مقدمه

امروزه علی‌رغم گسترش روزافزون علم و تکنولوژی، فرضیه‌ی آسانترشدن تربیت کودک در سایه‌ی این پیشرفت‌ها، رنگ باخته است و در هجوم داده‌های متنی، صوتی و تصویری و همه‌گیری شبکه‌های مجازی، آنچه سهل‌الوصولتر از قبل شد، آسیب‌های اجتماعی و اختلالات روانی متعدد بود و نه تربیت کودک سالم، شاد و بهنجار.

در این دهکده‌ی آنلاین جهانی، والدین در مسیر پروراندن کودک خود، تنها از همیشه هستند. دیگر نه آن ارتباطات خویشاوندی و انتقال تجربیات به‌خوبی اتفاق می‌افتد و نه زمین‌های بازی و محله‌ها به‌قدری وجود دارند که فرزندان را برای زندگی آینده یاری دهند. همه‌ی آنچه روزی گمان می‌رفت که برای تسهیل زندگی آمده است، اکنون در مقابل کانون خانواده قرار دارد و عمده‌اً یا سهواً در حال تضعیف این نهاد مهم اجتماعی است؛ از تلویزیون گرفته تا اینستاگرام؛ از اخبار جعلی تا نوشتارهای نامعتبر.

قاعدتاً در این شرایط، کارایی خانواده در تربیت کودکان به تدریج کاهش یافته و رسانه این نقش حیاتی را به دست می‌گیرد؛ رسانه‌ای افسارگسیخته، بدون نظارت و از همه مهم‌تر، بدون رقیب. حال ما از سویی درگیر مشغله‌های مجازی خودمان هستیم، از سوی دیگر آسیب‌های اجتماعی فوران کرده‌اند و کودکان بیشتر از هر زمان آماج این تهدیدات هستند.

مهربان است که هر جامعه‌ای، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد، نمی‌تواند ادعای سلامت کند و بدون شک هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی هم نیست که فارغ از تأثیر خانواده به وجود آمده باشد. پدر و مادر، بهترین الگوها هستند و کودک آداب‌ورسوم، نحوه‌ی برخورد و ارتباط با محیط و بسیاری از واکنش‌های اجتماعی را از والدین می‌آموزد. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه خود را شناسایی کنند و به‌عنوان افراد بالغ، نقش‌های سودمندی را در جامعه به عهده گیرند؛ اما در خانواده‌های ناسالم، میزان بروز رفتارهای پرخطر بیشتر است. در چنین شرایطی و برای مصون نمودن جامعه از آسیب‌های روزافزون، باید نظام‌های اجتماعی و سیاسی برای آموزش والدین گام‌هایی بردارند. این گام‌ها شامل آموزش‌های فرزندپروری به والدین، تسهیل دسترسی به مراکز ارائه‌ی خدمت و مشاوره، ایجاد زیرساخت‌های محلی، تقویت آموزش رسمی و ... است.

یکی از این نهادهای اجتماعی که می‌تواند در ارتقای سطح سلامت روان شهروندان جامعه و به‌تبع آن خانواده‌ها نقش ایفاء کند، شهرداری‌ها می‌باشند، امروزه شهرداری‌ها در بسیاری از کشورهای دنیا به ویژه کشورهای پیشرفته، یکی از ارکان اساسی تأمین حفظ و ارتقای سلامت شهروندان آن جامعه محسوب می‌شوند. در حال حاضر شهرداری تهران نیز با راه‌اندازی اداره کل سلامت (در سطح ستاد)، ادارات سلامت (در سطح مناطق) و خانه‌های سلامت (در سطح محلات)، قدم‌های اساسی و زیربنایی را به‌منظور ارتقای سطح سلامت شهروندان به ویژه در ابعاد اجتماعی و روانی آن برداشته است. اجرای ویژه‌برنامه‌های مختلف آموزشی سلامت‌محور، ارائه‌ی خدمات مشاوره و روانشناسی، تشکیل کانون‌های اجتماع‌محور و جذب همکاری‌های دولتی و غیردولتی، نمونه‌ای از اقداماتی است که در این راستا در حال اجرا می‌باشد. با توجه به گسترش آسیب‌های

اجتماعی و ضرورت آموزش شهروندان به ویژه کودکان و نوجوانان در جهت پیشگیری از رفتارهای پرخطر، اداره کل سلامت شهرداری شهر تهران نسبت به راه‌اندازی مراکز آموزش مهارت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان با عنوان فرآموز در سطح مناطق بیست‌ودوگانه اقدام نموده است.

فرآموز، مکانی برای اجرای برنامه‌های آموزشی هدفمند برای کودکان و نوجوانان است تا در آنجا مربیان بتوانند زمینه‌ی رشد مهارت‌ها و توانمندی آنان را فراهم نموده و مهارت‌های اساسی زندگی را در آنان ارتقاء دهند و بر تجارب آنها در تعاملات و ارتباطات اجتماعی خود بیفزایند. هر مرکز فرآموز متناسب با عنوان فعالیت آن بر اساس اصول علمی و روانشناسی طراحی و فضاسازی شده و به کارگاه‌های تخصصی متنوعی برای یادگیری بهتر و سریعتر تقسیم گردیده است. آموزش در این مراکز توسط مربیان مجرب، کارآموده، آشنا و مرتبط با مباحث روانشناسی و مهارت‌های رفتاری کودکان و نوجوانان انجام می‌گیرد. مربیان در این مراکز در محیطی شاد، خلاق و بانشاط با بهره‌گیری از روش‌های مختلف نظیر بازی، نمایش، نقاشی، شعر، قصه‌گویی، بارش افکار، بحث و گفت‌وگوی آزاد و... مهارت‌های رفتاری را به گروه هدف آموزش می‌دهند.

لذا با توجه به اینکه عمدتاً افراد مراجعه‌کننده یک بار از خدمات مراکز فرآموز بهره‌مند می‌گردند، ضرورت تداوم آموزش‌ها به گروه‌های هدف و والدین آنان جهت پایدارسازی و اثربخشی این آموزش‌ها اجتناب‌ناپذیر است.

از این‌رو بر آن شدیم تا با تدوین محتوای ساده، کاربردی، علمی و مخاطب‌پسند، بتوانیم فعالیت‌های فرآموزی را برای خانواده و محیط خانواده بازطراحی کنیم؛ به این شکل که والدین بتوانند با کمترین ابزار موردنیاز و صرف وقت اندکی، فعالیت‌های هدفمندی را با فرزندان خود کار کنند و چه‌بسا که اثرات مطلوب‌تری نیز کسب نمایند.

بدین منظور برای هر مرکز فرآموز، سه جلد کتاب طراحی و تدوین شد. نخست؛ کتاب ویژه‌ی والدین که دارای دو بخش می‌باشد: بخش ویژه که به تعریف، تبیین، سبب‌شناسی و مؤلفه‌های موضوع موردنظر می‌پردازد و در آن توصیه‌ها و تکنیک‌های ارتقای مهارت در والدین و فرزندان به تفصیل قرار داده شده است و بخش مشترک که حاوی مطالبی در خصوص مهارت‌های عمومی

و کاربردی پرورش فرزندان، نحوه‌ی تعامل با رسانه و ارتباط بین مهارت‌های زندگی با کتب درسی می‌باشد. این بخش مشترک به‌منظور جلوگیری از قطع ارتباط منطقی مباحث، در پایان تمام کتاب‌های والدگری قرار داده شده است.

در کنار کتاب والدین، دو کتاب برای انتقال مهارت‌ها به کودکان (فرزندپروری) در دو گروه ۶ الی ۹ سال و ۱۰ الی ۱۳ سال نیز تدوین شده است که هر کتاب مشتمل بر بازی، داستان، نقاشی، انیمیشن و بازی دیجیتال است. در راهنمای فرزندپروری، هدف از فعالیت‌های گردآوری‌شده، مدت‌زمان لازم برای هر کدام، ابزارهای موردنیاز و گفت‌وگوهایی که قبل و بعد از فعالیت باید با کودک داشت، شرح داده شده است. بدیهی است که به‌کارگیری فعالیت‌های کتاب فرزندپروری مطابق با شیوه‌نامه‌های آن، انتقال مهارت‌ها و مفاهیم تربیتی را به کودک بسیار تسهیل خواهد کرد.

بنا به مراتب، بسته‌ی حاضر با عنوان خودآموز پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم، برای استفاده‌ی خانواده‌های عزیز طراحی شده است. در پایان امیدواریم که آنچه در این مجموعه کتب تدوین گشته، موجبات رضایت شما والدین عزیز را فراهم سازد. آرزوی قلبی ما پرورش فرزندان سالم، بهنجار، شاد و پرتلاش در سراسر ایران است که این مهم قطعاً با همراهی پدران و مادران عزیز دست‌یافتنی است.

◀ سخنی با والدین

از دیرباز نوشتن روی کاغذ، در و دیوار و وسایل چوبی مدارس و اماکن عمومی، به‌عنوان ابزاری برای بیان ناکامی‌ها، آرزوها و خواسته‌های بشر و با هدف دیده شدن و آگاه کردن دیگران از دیدگاه‌ها و نگرش‌های نویسنده به‌کار رفته است. اگرچه یکی از ابعاد این نوشته‌ها برقراری نوعی ارتباط میان نویسنده و خوانندگان بوده است، اما از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی، نوعی خرابکاری اموال عمومی نیز به‌شمار می‌آید و می‌تواند پیامدهای متعددی را نیز همراه داشته باشد. بارها با کسانی مواجه شده‌ایم که بدون هیچ توجیهی و یا با دلایل کودکانه مشغول تخریب اموال عمومی هستند. مثلاً کسانی که بعد از مکالمه با تلفن عمومی گوشی آن را می‌کنند و یا این‌که درست در زیر یک مجسمه و یا یک کتیبه‌ی باستانی با چاقو یادگاری می‌کنند، به این‌گونه افراد، وندال می‌گویند و به این رفتار وندالیسم. پدیده‌ی وندالیسم یکی از عوامل نوظهور تأثیرگذار بر رشد مسائل اجتماعی و آسیب‌های شهری است

که به مفهوم داشتن نوعی روحیه‌ی بیمارگونه به‌کار رفته و معرّف تمایل به تخریب آگاهانه‌ی اموال و متعلقات عمومی است. امروزه، اصطلاح وندال به کسانی اطلاق می‌شود که به دلایل مختلف با حالت اعتراض دست به تخریب می‌زنند تا تخلیه‌ی روانی شوند. وندال‌ها مانند موریانه شهرها را ذره‌ذره می‌خورند؛ و شاید از زیبایی که به جامعه می‌رسانند، بی‌اطلاع باشند. آنان از قشرها و طبقات مختلف جامعه می‌باشند و تنها در بین طبقات پایین و کم تحصیل نیستند. مثلاً می‌توان به هکرها و کسانی که ویروس وارد شبکه‌ی اینترنت می‌کنند، اشاره کرد که جزء نوابغ محسوب می‌شوند. وندالیسم و انواع کژرفتاری‌ها، معلول دگرگونی‌های ساختی در جامعه‌اند که کشاکش میان اخلاق، رسوم، ارزش‌ها و منافع گروه‌های اجتماعی، زمینه را برای پیدایی انواع آسیب اجتماعی فراهم می‌کند.

از این رو، بسته‌ی خودآموز پیش رو برای کمک به والدین به‌منظور آموزش **پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم** به خود و فرزندانشان طراحی شده است. در این بسته شما با کلیات موضوع آشنا شده و راهکارهای کمکی برای زیست سالم‌تر را مطالعه می‌فرمایید. همچنین در کنار این راهنمای خودآموز، لازم است بر اساس سن فرزندتان، یکی از دو کتاب کار را نیز مشاهده کرده و فعالیت‌های آموزشی آن را در خانه با کودکان انجام دهید. مطمئناً شناخت کلی شما از این موضوع، بکارگیری آموزه‌های آن در زندگی خود و البته توجه به ارتقای آن در فرزندتان می‌تواند نویدبخش داشتن خانواده‌ای شاد و جامعه‌ای بهنجار شود؛ ان‌شاءالله.

◀ پیش آزمون

والدین گرامی لطفاً پیش از شروع مطالعه‌ی این کتابچه، عبارات زیر را خوانده و با توجه به جملات راهنمای زیر، به هر عبارت نمره‌ای بدهید:

نمره صفر: این رفتار از فرزند من هرگز سر نزده است؛

نمره ۱: فرزند من گهگاه این رفتار را نشان می‌دهد (ماهی حداقل یکبار)

نمره ۲: فرزند من اغلب این رفتار را نشان می‌دهد (هفته‌ای حداقل یکبار)

نمره ۳: فرزند من مرتباً این رفتار را نشان می‌دهد (روزانه یا چند بار در هفته)

عبارات: فرزند من ...	۳	۲	۱	۰
۱- در بیرون از خانه، زباله و آشغال‌ها را داخل سطل مخصوص می‌اندازد.				
۲- از اموال و اشیای امانتی به دقت مراقبت می‌کند.				
۳- در پارک مراقب فضای سبز، وسایل بازی و گل‌ها است.				
۴- در هنگام استفاده از وسایل شهربازی، به آنان آسیب وارد نمی‌کند.				
۵- از دویدن روی چمن فضاهای سبز خودداری می‌کند.				
۶- نیمکت مدرسه‌اش را سالم و تمیز نگاه می‌دارد.				
۷- در هنگام خشونت از رفتارهای تهاجمی و تخریبی دوری می‌کند.				
۸- بجای اقدام به شکستن اشیاء، با روش‌های سالم خشم خود را کاهش می‌دهد.				
۹- ویژگی‌های یک فرد امانتدار را دارد.				
۱۰- محیط شهری را مانند محیط خانه می‌داند و به آن احترام می‌گذارد.				

نمره‌گذاری

پس از تکمیل آزمون فوق، مجموع نمرات کسب‌شده در ستون‌های مختلف را جمع کرده و عدد به دست آمده را براساس شیوه‌نامه زیر تفسیر نمایید:

نمره بالای ۲۰: فرزند شما نسبت به اموال عمومی و عدم تخریب آن حساس می‌باشد و سعی دارد محیط شهری زیباتری داشته‌باشد.

نمره ۱۰ تا ۲۰: گاهی کودک و نوجوان مصادیق اموال عمومی را نمی‌دانند و همین امر ممکن است باعث شود سهواً اقدام به تخریب آنان کند. بهتر است در این خصوص بیشتر آموزش ببینیم و بهتر آموزش دهیم.

نمره ۰ تا ۱۰: این نمره یعنی فرزند شما دانسته و ندانسته نسبت به اموال عمومی بی‌توجه است و تخریب و ضرر رساندن به آنها را کار بدی نمی‌داند. اخذ مشاوره و راهنمایی از متخصصین در این مورد می‌تواند به شما و کودک و نوجوان کمک کند؛ زیرا ادامه‌ی این رفتار ممکن است باعث شود که فرزندان به سمت جرائم جدی‌تر و بزرگتری کشیده شود.

◀ بخش اول: پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم



◀ مورد شماره ۱

آرمان پسر ۱۰ ساله‌ی یک خانواده‌ی سه‌نفره است. رفتار او اخیراً از طرف راننده‌ی سرویس مدرسه، آقای رستمی مورد شکایت قرار گرفته است. وقتی مدیر از آقای رستمی پرسید چه اتفاقی افتاده است، او گزارش داد که آرمان با یک جسم تیزی که احتمالاً تیغ یا چاقو است، روکش صندلی ماشین را پاره کرده است. مدیر با معلم آرمان صحبت می‌کند تا بتواند بیشتر در مورد رفتارهای او اطلاعات کسب کند. معلم می‌گوید: آرمان دائم با هر جسمی که در دست دارد روی نیمکت‌ها و در و دیوار کلاس را خط کشیده یا چیزی نوشته است. مدیر با والدین دانش‌آموز تماس گرفت و در مورد رفتارهای آرمان با آنها صحبت کرد تا بتوانند از یک متخصص کمک بگیرند و در ضمن در مورد پرداخت هزینه‌های ماشین آقای رستمی، رنگ کردن دیوار کلاس و تعمیر نیمکت‌ها نیز آنها را مطلع کند.



◀ مورد شماره ۲

آقای عزیزی در پارک مشغول دویدن و ورزش روزانه بود. وقتی به وسایل ورزشی پارک رسید، خواست طبق برنامه‌ی همیشگی روی دوچرخه‌ی ثابت بنشیند تا کمی ورزش کند. ولی تا نشست صندلی کنده شد و او بر زمین افتاد. وقتی به خود می‌آید، می‌بیند که پارک امروز خیلی تغییر کرده‌است. دیوارهای سفید پارک با یک اسپری سیاه، خط‌خطی شده و علائم نامفهوم روی آن‌ها حک شده‌است. سر را برمی‌گرداند و می‌بیند تور بسکتبال پاره‌است. آقای عزیزی مشغول تماشای جاهای دیگر پارک است تا شدت آسیب وارد شده به آن را متوجه شود. در همین زمان مادر و دختری خردسال وارد پارک می‌شوند. آقای عزیزی قبلاً نیز آنان را در پارک دیده بود. اما مادر امروز وقتی وارد می‌شود و می‌بیند که دیوارهای پارک به آن شکل درآمده و وسایل نیز تخریب شده‌اند، دست دخترش را می‌گیرد و از پارک خارج می‌شوند.

وندالیسم

وندالیسم

کلمه‌ی وندالیسم برگرفته از واژه‌ی وندال (vandal) است. وندال‌ها قومی از اقوام ژرمن - اسلاو بودند. آن‌ها در قرن پنجم میلادی با خشونت، خون‌خواری و جنگ‌طلبی مدام به سرزمین‌های مختلف حمله می‌کردند و با تخریب اموال مردمان آن سرزمین، همه‌چیز را به تاراج می‌بردند. در واقع براساس رفتارهای این قوم، وندالیسم به معنای تخریب میراث و اموال عمومی است که یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید و آن را در زمره‌ی انحرافات و بزهکاری‌های جوامع جدید دسته‌بندی می‌کنند.

حتماً تا به حال به چشمتان خورده افرادی اسم خود، تبلیغ کالا و خدماتشان، ابیات شعر، دل‌نوشته، خاطره، فحش و ناسزا، نقاشی و چیزهایی از این قبیل را روی آثار تاریخی و باستانی و اموال عمومی (مثل صندلی اتوبوس، دیواره‌ی پله‌برقی، پل‌های عابر و...) حک کرده‌اند! یک حرکت عجیب و ناراحت‌کننده که نسخه‌ی مجازی‌اش هم همان به‌اصطلاح ترول‌های شبکه‌های اجتماعی‌اند که با کامنت‌های فحش و ناسزا، صفحات چهره‌های شناخته‌شده را آماج حمله قرار می‌دهند. وندالیسم عکس‌العملی خصمانه و واکنشی کینه‌توزانه به برخی از فشارها، تحمیل‌ها، ناملایمات، اجحاف‌ها، شکست‌ها و... است. نوعی روحیه‌ی بیمارگونه که تمایل به تخریب آگاهانه، ارادی و خودخواسته‌ی اموال و متعلقات عمومی است. ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، تضعیف و فروپاشی اخلاق، تزلزل نهادهای جامعه مثل خانواده و مدرسه در انتقال ارزش‌های اجتماعی، سلطه‌ی شرایط نابهنجار بر جامعه و ... می‌تواند از دلایل شکل‌گیری وندالیسم باشد.



شدت بروز وندالیسم از خفیف (مانند دیوارنویسی، رنگ‌پاشی روی تابلوها، پنچر کردن خودروها، خط انداختن خودروهای پارک شده، یادگاری نوشتن روی تنه‌ی درخت و آثار تاریخی و ...) تا شدید (مانند شکستن شیشه‌های مغازه‌ها و غارت آن‌ها در هرج‌ومرج‌ها) بسته به میزان این اختلال در افراد، شکل می‌گیرد. وندالیسم در میان نوجوانان و جوانان شایع‌تر از سایر اقشار جامعه است. آن‌ها شیشه‌های مدرسه را می‌شکنند، روی میزها و صندلی‌ها چیزی می‌نویسند یا آن‌ها را تخریب می‌کنند، در کتابخانه به کتاب‌ها صدمه می‌زنند، به وسایل خوابگاه‌های دانشجویی آسیب می‌رسانند، آثار هنری را تخریب می‌کنند، به وسایل حمل‌ونقل عمومی و تابلوها و علائم شهری صدمه می‌زنند.

ناهنجاری اجتماعی، مهم‌ترین زمینه‌ی شکل‌گیری وندالیسم است؛ یعنی افرادی که پیوستگی و انسجامی با جامعه ندارند و به هر دلیل، پس‌زده شده‌اند یا خودشان حس طردشدگی دارند، دلیلی نمی‌بینند عصبانیتشان را روی آثار باستانی و اموال عمومی تخلیه نکنند.



دومین دلیل مهم، عصبانیت افراد از ناکامی‌هایشان، مانند طبقه‌ی اجتماعی که به آن تعلق دارند، است و دلیل سوم، نیاز به ابراز وجود و هویت که در این مورد، هدف اصلی تخریب نیست ولی افراد می‌دانند که کارشان منجر به تخریب می‌شود. مثل دیوارنگاری و گرافیتی. وندالیسم از یک سو باعث هزینه‌های فیزیکی و مادی برای احیا و بازسازی آثار و اموال تخریب شده است، از دیگر سو به نازیبایی شهر و از بین رفتن آثار تاریخی و باستانی می‌انجامد و در مرحله‌ی بعد، به شیوع رفتارهای وندال منجر می‌شود.

در واقع وقوع هر وندالیسم، رفتار مشابه دیگری را در این زمینه ترویج می‌کند. گاهی اوقات هم مسائل ژنتیکی و اختلالات روانی منجر به جامعه‌ستیزی می‌شوند. در این حالت مراجعه به یک متخصص بهترین روش برای اصلاح این رفتار است. وندال‌ها یا تخریب‌گرها به طبقه یا منطقه‌ی خاصی از اجتماع یا منطقه‌ی خاصی از شهر تعلق ندارند و تنها در محدوده‌ی مشخصی از شهر به خرابکاری نمی‌پردازند و فرد خرابکار برای انجام فعالیت نابهنجار خود، هیچ محدودیت زمانی و مکانی قائل نیست.

البته مواردی چون وجود خرده‌فرهنگ‌ها و مهاجرنشینی در یک محدوده‌ی مشخص از شهر، می‌تواند از عوامل مؤثر بر پدیده‌ی وندالیسم باشد. افرادی که با سرخوردگی‌ها، شکست‌ها و ناکامی‌های مختلف در زمینه‌های تحصیلی، حرفه‌ای، مالی، خانوادگی و اجتماعی مواجه بوده و دارای شخصیتی پرخاشگر، بی‌ثبات، ضداجتماعی، ناآرام، انتقام‌جو و درعین حال مأیوس‌اند، می‌توانند وندال‌های بالقوه باشند.

جامعه‌شناس‌های غربی، وندالیسم را یک بیماری مدرن دانسته‌اند که به‌عنوان یک معضل اجتماعی تا نیم‌قرن پیش اصلاً مطرح نبوده و وجود نداشته است. وندال‌ها غالباً از وسایل و ابزار مختلفی در تخریب و نابودی موضوعات موردنظر

خود استفاده می‌کنند. از آن جمله می‌توان به آلات برنده نظیر چاقو و قیچی و ابزاری مانند آچار، پنجه‌بوکس، کلید، میخ، ناخن‌گیر، سنگ، مواد رنگی، جوهر، انواع اسپری‌های رنگی، تیروکمان، تفنگ، مواد شیمیایی، قیر، چسب، مته، دریل و نظایر آن اشاره کرد.

آمارها در ایران نشان می‌دهد که ۶۷ درصد از افراد دستگیرشده‌ی بعنوان وندال در گروه سنی ۱۰ تا ۲۵ سال قرار دارند که در آن سهم مردان بیشتر از زنان است؛ به طوری که ۷۵ درصد را مردان و ۲۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. به لحاظ تحصیلی هم ۳۵/۴ درصد تحصیلات راهنمایی و ۲۲/۹ درصد تحصیلات ابتدایی داشته‌اند. همچنین موارد وندالیسم در مناطق شهری به مراتب بیش از مناطق روستایی است. در وندال‌ها پرخاشگری اصلی‌ترین زیرساخت می‌باشد. در صورت کسب معیارهای تعریف‌شده و تداوم و توالی کافی می‌توان در یک واژه پرخاشگری نسبت به افراد را سادیسم و پرخاشگری نسبت به اشیاء را "وندالیسم" نامید.



قوانین ضدخرابکاری برای جلوگیری از رفتاری ساخته شده است که بالقوه می‌تواند هزینه‌ی تمیز کردن برای شهرداری‌ها داشته باشد و همچنین ممکن است به صاحبان املاک آسیب روحی یا روانی نیز وارد کند. هنگامی که شخصی اموال کسی را نابود کرده، تغییر داده و یا تخریب می‌کند، ممکن است از وی خواسته شود که اموال آسیب‌دیده را پاک‌سازی، تعمیر یا جایگزین کند یا به‌طور اساسی‌تر، با مجازات کیفری به‌صورت حبس، جریمه یا هر دو مورد روبرو شود.

اثرات خرابکاری می‌تواند کیفیت زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا به چیزهایی که به آن‌ها احتیاج دارند و اهمیت می‌دهند آسیب می‌رساند یا آن‌ها را از بین می‌برد. این موضوع همچنین باعث می‌شود مردم احساس کنند که زندگی آن‌ها ایمن نیست. این می‌تواند خطرناک باشد، هنگامی که اعمال خرابکاری از کنترل خارج شدند، ممکن است مردم جان خود را از دست بدهند.

وندالیسم را در اثر نقص در پذیرش هنجارهای فرهنگی جامعه از سوی برخی افراد می‌توان دانست. وندال‌ها در اعمال خود مشخص کرده‌اند که احساس اجحاف و بی‌عدالتی، دو انگیزه‌ی مهم برای خرابکاری و رفتارهای ویرانگرانه‌ی آنان است.

وندالیسم به دو نوع فردی و گروهی می‌باشد. وندالیسم گروهی با برنامه و هدفی مشخص اجرا می‌شود، اما وندالیسم فردی اغلب بدون برنامه و هدف مشخص است. اگرچه وندالیسم گروهی بیشتر و آشکارتر یا پررنگ‌تر جلوه می‌کند، اما در عمل، آسیب‌های پنهان اجتماعی و اقتصادی وندالیسم شخصی بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر است. بیشتر آسیب و تخریب آن‌ها بسیار وسیع می‌باشد؛ مانند نقاشی‌ها و مجسمه‌های گالری‌های هنری، آثار باستانی در موزه‌ها، بناهای تاریخی، اماکن مذهبی، مجسمه‌ها، نیمکت و صندلی‌های عمومی، فضاهای سبز، سطوح زباله و ... در جنگل‌ها، پارک‌ها و میدان‌ها، چراغ‌ها و باجه‌های

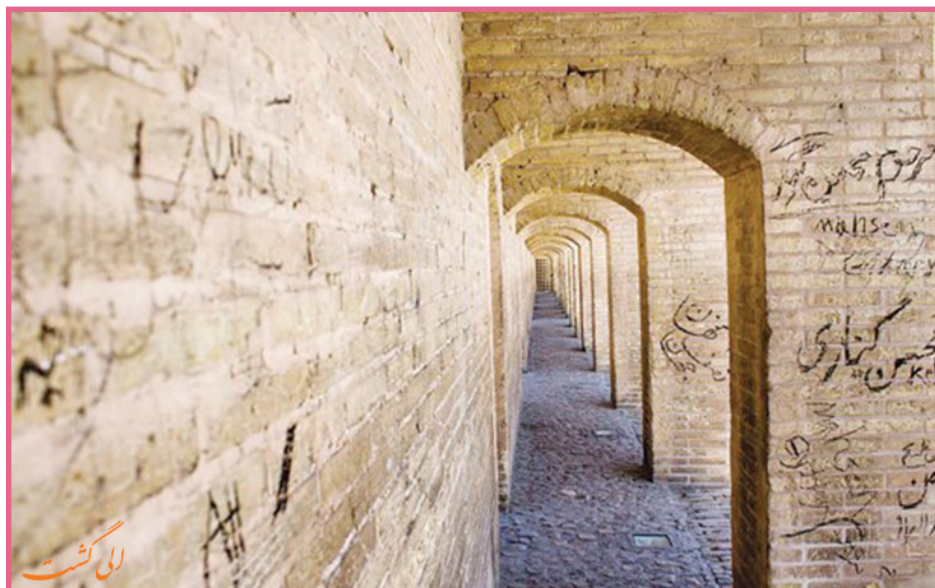
تلفن‌های خیابانی، اموال رستوران‌ها و هتل‌ها، صندلی‌های سینما، مترو، قطار، اتوبوس، هواپیما و ورزشگاه‌ها، ریل‌های قطار، آسانسورها، کتاب‌های کتابخانه‌های عمومی، در و دیوارهای شهر، اموال مدرسه، تابلوهای راهنمایی و رانندگی، انبارها و استخرهای عمومی، دستشویی‌های عمومی، عابر بانک‌ها و... آتش‌افروزی در جنگل‌ها و انبارهای عمومی، شکستن لامپ‌ها در گذرگاه‌های عمومی و پارک‌ها، شکستن شیشه‌های خانه‌های متروکه، بمب‌گذاری با هدف تخریب اموال عمومی (و نه آسیب‌های انسانی) و بسیاری موارد دیگر.



همانطور که گفتیم روانشناسان معتقدند در وندال‌ها، «پرخاشگری» اصلی‌ترین عامل بروز است. پرخاشگری یک مکانیزم دفاعی روانی برای تسلط به محیط و کسب آرامش است. خشم و پرخاش، زاده‌ی موقعیت‌های نامطلوبی مانند ورشکستگی و فقر، دل‌تنگی و بی‌وفایی، درد و رنج است که در رویارویی با افراد با کتک و تحقیر و توهین و شکنجه و سرزنش‌های افراطی بروز کرده و در رویارویی با اشیاء، به‌صورت خرابکاری و ویرانگری بروز می‌کند.

پدیده‌ی وندالیسم از جمله کجروی‌های جامعه‌ی جدید است که ناشی از تغییرات سریع اجتماعی، رشد هرج و مرج و تمایلات روزافزون انسان‌ها، ناکامی وی در رسیدن به این تمایلات، احساس از خود بیگانگی، اجحاف، خشم و تنفیری است که آن‌ها نسبت به اجتماع و محیط اطرافشان دارند که خود بیان‌کننده‌ی ضعف و اختلال هنجاری در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه است.

تخریب اموال عمومی از جمله جرائمی است که کمتر مجازات حقوقی و کیفری در پی داشته است، هنجارشکنی که ضمن ایجاد خسارت‌هایی برای دولت، میبین مشکلات مهم و بزرگ‌تر جامعه‌ی آتی است. با توجه به وضعیت جمعیتی ایران که بیش از نیمی از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، این کشور از جمله کشورهای است که در معرض آسیب‌های اجتماعی زودرس، از جمله پدیده‌ی وندالیسم است که بیشتر وندال‌های آن نیز جوانان هستند.



◀ آثار وندالیسم در فضای شهری

امروزه با رشد و گسترش روزافزون شهرها و توسعه‌ی زندگی شهری و به علت مهاجرت بی‌رویه از روستاها به شهرهای بزرگ، افزایش حاشیه‌نشینی، فراوانی مشکلات اقتصادی-اجتماعی، شکاف طبقاتی و تضعیف قیدوبندهای اجتماعی، دامنه‌ی بسیاری از آسیب‌های اجتماعی، به لحاظ کمی و کیفی را افزایش داده است که از این‌رو زمینه‌ی مناسبی برای بروز رفتارهای انحرافی و بزهکارانه، به‌ویژه برای قشر جوان فراهم شده است.

تحولات جهانی، از یک سو جوامع در حال گذار را با تغییرات و تضادهای متنوعی روبه‌رو کرده است و از سوی دیگر عدم تطابق و رشد ناهماهنگ عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ در این جوامع مشکلات عدیده‌ای را در ساختار اجتماعی به وجود آورده است. از این حیث، مسائل اجتماعی متأثر از فرآیندهایی چون عقب‌ماندگی فرهنگی، بی‌هنجاری، تضاد اجتماعی و از خود بیگانگی به بروز پیامدها و آسیب‌های اجتماعی منجر می‌گردد. از جنبه‌ی دیگر و در سطحی وسیع‌تر، جوامع دچار بی‌سازمانی و ازهم‌گسیختگی اجتماعی می‌شوند. این بی‌نظمی‌ها به عدم تعادل اجتماعی، افزایش آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی منجر می‌گردد.

ایران نیز به‌عنوان یک کشور در حال توسعه و گذار از مرحله‌ی سنتی به مدرنیسم از این قاعده مستثنا نبوده و با تغییرات و دگرگونی‌های سریع و وسیعی در ساختارهای اصلی خود، به‌خصوص ساختارهای فرهنگی و اجتماعی با این تغییرات مواجه است. پدیده‌ی وندالیسم مانند دیگر انحرافات اجتماعی، نتایج پنهان و آشکار زیادی دارد. وندالیسم باعث کاهش کیفیت زندگی شهری می‌شود و با افزایش پرخاشگری و خشونت در شهرها نه‌تنها در افت کاری و استفاده‌ی عمومی از مکان‌های تفریحی تأثیر دارد، بلکه در افزایش احساس ترس و ناآرامی و نابهنجاری نیز تأثیرگذار است.

زیان‌های اقتصادی یکی از بارزترین آسیب‌های وندالیسم است که هر سال بخش زیادی از بودجه‌ی کشورها صرف تعمیر و بازسازی وسایل تخریب‌شده می‌شود. علاوه بر صرف هزینه‌ی اقتصادی، شهروندان زمان زیادی را نیز از امکانات عمومی بی‌بهره هستند تا وسایل عمومی از تعمیر و بازسازی بازگردد و دوباره بتوانند از آن‌ها استفاده کنند. این زمان ازدست‌رفته از بهره‌وری امکانات عمومی منجر به نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم از مدیریت شهری و سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود.

آسیب‌های روان‌شناختی مربوطه، یکی دیگر از نتایج وندالیسم است. زشت شدن مناظر شهری، هم احساس کدری به شهروندان می‌دهد و هم به نحوی محرک انگیزه‌های دیگر وندال‌ها برای افزایش تخریب می‌شود. یکی از نتایج مهم در رابطه با وندالیسم این نکته است که «وندال‌های کهن یا همان وندال‌های قرن پنجم میلادی»، سرزمین‌های دیگران را نابود می‌کردند، یعنی با هجوم‌های وحشیانه‌ی خود، چیزی را ویران می‌کردند که ساخته‌ی دست یک کشور دیگر بود و به اقتصاد سرزمین خود آسیبی نمی‌زدند؛ اما «وندال‌های مدرن» چیزی را نابود می‌کنند که برای جامعه‌ی خودشان است، یعنی ضرر و زیان آن دامن خودشان را هم می‌گیرد اما از آن آگاه نیستند. البته باید این نکته را یادآور شد فرد در هر سرزمینی که هست نباید دست به تخریب بزند؛ چه متعلق به آن کشور باشد و یا نباشد.

برای جلوگیری و پیشگیری از بروز چنین پدیده‌ای در یک جامعه، الزامات زیادی وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: تربیت خانوادگی، فرهنگ‌سازی و بالا بردن شعور اجتماعی، افزایش مشارکت مردمی، دقت در استفاده از فضاهای بالقوه برای رفتارهای وندالیستی، افزایش نظارت‌های اجتماعی، افزایش فضاهای عمومی، نیمه‌عمومی و خصوصی، بازطراحی شهری برای استفاده مناسب از فضاها، توجه به امر زیباسازی و زیباشناسی شهری، در نظر گرفتن استحکام و شکل فیزیکی مناسب در ساخت سازه‌های شهری.

◀ وندالیسم در کجا اتفاق می‌افتد؟

خرابکاری به معنای رایج آن، عملی عمدی برای تخریب یا آسیب‌رساندن به اموال عمومی یا خصوصی است. در سال ۲۰۱۷ فقط در یکی از ایالت‌های آمریکا بیش از ۱۰ هزار دستگیری را برای این جرم گزارش شد. خرابکاری نسبتاً شایع است و می‌تواند در هر کجا و برای هر کسی رخ دهد. با این حال، مناطق خاصی وجود دارد که احتمال خرابکاری بیشتر است.

پارکینگ‌ها: پارکینگ اتومبیل‌ها غالباً مورد تخریب قرار می‌گیرند و این امر به‌ویژه در صورتی که مالک وسیله نقلیه‌ی را در پارکینگ‌های عمومی و با نظارت سطح پایین رها کند، بیشتر به چشم می‌خورد. در یک پارکینگ بزرگ، کمتر احتمال دارد که صاحب اتومبیل بلافاصله متوجه خرابکاری شود، بنابراین افراد خرابکار این مناطق را هدف قرار می‌دهند؛ درحالی‌که می‌دانند دیگران به راحتی به آن‌ها گیر نخواهند داد. زمان نیز احتمال وقوع این جرم را تغییر می‌دهد. به عنوان مثال، یک پارکینگ در شب که ترافیک کمتری وجود دارد، بیشتر هدف است. به‌طور کلی، وندال‌ها تلاش می‌کنند شرایطی را پیدا کنند که افراد کمتری بتوانند شاهد وقوع جرم باشند.



مدارس: آسیب‌رساندن یا تخریب اموال مدرسه یک جرم جدی‌تر است. این مورد در مورد مکان‌های کشاورزی و گورستان‌ها نیز صدق می‌کند. دلیل این‌که خرابکاران مدارس را هدف قرار می‌دهند کمتر به دلیل راحتی و بیشتر به دلیل جمعیتی است. افراد جوان‌تر بیشتر مرتکب این نوع جرم می‌شوند و این گروه سنی نیز در مدارس و اطراف آن هستند. همانند انواع دیگر تخریب، این احتمال وجود دارد که شب‌هنگام که حراست مدرسه وجود ندارد، رخ دهد.



مالکیت خصوصی: اگرچه اکثر افراد وقتی به فکر خرابکاری می‌افتند، در فضاهای عمومی به فکر دیوارنویسی می‌افتند، اما این جرم در مورد مالکیت خصوصی نیز اتفاق می‌افتد. چند دلیل مختلف وجود دارد که خرابکاران یک خانه‌ی خصوصی را هدف قرار می‌دهند. بر اساس نوع خسارتی که ایجاد می‌شود، ممکن است نشانه‌هایی از انگیزه وجود داشته باشد. لازم به یادآوری است که این جرم همیشه به شکل دیوارنویسی نیست. به‌عنوان مثال اگر نوجوانان به خانه‌ای تخم‌مرغ بزنند، این نیز نوعی تخریب است و قربانی می‌تواند به همین ترتیب آن را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. این امر در مورد هر عمل دیگری، صرف‌نظر از انگیزه که به مالکیت خصوصی آسیب می‌رساند صادق است. تا زمانی که این عمل عمدی باشد، ممکن است خرابکاری باشد.

◀ وندالیسم؛ بیماری یا جرم؟

اعمال و اقدام‌های وندالیستی هر چند که نشان‌دهنده‌ی روحیه و رویه‌ی بیمارگونه از سوی افراد و یا گروه‌هایی است که موجب تخریب اموال عمومی مانند باجه‌های تلفن همگانی، صندلی اتوبوس‌ها، قطع نهال‌ها و آسیب درختان فضای سبز عمومی می‌شوند، اما ریشه‌یابی این اقدام‌های تخریبی نشان می‌دهد که عمده‌ی علت این رفتارها، ناکامی و سرخوردگی برخی یا گروهی از افراد جامعه بوده است. کما اینکه بارها شاهد بوده‌ایم پس از برگزاری مسابقات فوتبال، هواداران تیم شکست‌خورده با شکستن بطری‌های شیشه‌ای در معابر عمومی و اصلی و آسیب‌رساندن به وسایل عمومی، نظم اجتماعی و آرامش زندگی شهری را بر هم زده‌اند و خسارت‌های قابل‌توجهی را به وجود آورده‌اند.

وندالیسم در یک نگاه بسته، جرم و در نگاهی باز، بیماری است. در ایران بر اساس ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، هر کس عمداً اشیای منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب یا به هر نحو، کلاً یا بعضاً تلف کند یا از کار بیندازد، به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم می‌شود.

درباره‌ی تخریب اموال عمومی، قانون‌گذار برای برخی انواع وندالیسم تا ۱۰ سال مجازات حبس در نظر گرفته است. در این موارد هر چند که قوانین موجود مجازات‌های به نسبت سنگینی را برای متخلفان در نظر گرفته و علاوه بر اینکه آنان را ملزم به تأمین مالی خسارت‌های تحمیل‌شده کرده، اما واقعیت این است که برخوردهای جبری و آمرانه هیچ‌وقت موجب ریشه‌کنی وندالیسم در جوامع شهری نشده و حتی در مواردی نیز به تشدید این رفتارهای ناهنجار منجر شده است. جامعه‌شناسان شهری در این زمینه به ایجاد تمهیدات رفتاری و سلب انگیزه واکنش‌های تخریبی تأکید دارند و معتقدند با آموزش (به‌عنوان مثال

آموزش تماشاگران تیم‌های ورزشی در مورد اهداف واقعی ورزش و با نمایش روابط دوستانه‌ی بازیکنان دو تیم، می‌توان خشم و ناکامی هواداران تیم شکست‌خورده را تا حدود زیادی کاهش داد و یا ضمن کنترل منظم، سالم بودن تأسیسات شهری از سوی مأموران سازمان‌های مسئول، می‌توان زمینه‌های روانی جلب اعتماد و مشارکت عمومی در حفظ و نگهداری اموال عمومی را فراهم آورد.

وندال‌ها عموماً برای اعمال خود دلایل توجیه‌پذیری دارند و تصور کیفر پائینی را برای رفتارشان در نظر می‌گیرند. این دسته در رفتارهایشان با یک سلسله اختلالات روحی و عاطفی و روانی دست‌به‌گریبان هستند. وندال قبل از این‌که مجرم باشد بیمار است باید راهی برای درمان آن اندیشه کرد. ناهنجاری‌ها ناشی از بیماری‌ست نه اعمال مجرمانه، از این رو قبل از این‌که به فکر مجازات وندال‌ها باشیم، باید رفتار ایشان را درمان کنیم. قطعاً جایگاه درمان با مجازات متفاوت است.



◀ نکات کلیدی در خصوص وندالیسم

شخصی که اختلال رفتاری یا اختلال شخصیتی جامعه‌ستیزی دارد، ممکن است در وهله‌ی نخست برای دوستی بسیار خوب، جذاب و خونگرم، به نظر برسد اما با آشکار شدن رفتارش کسی نمی‌تواند دوستی با او را ادامه دهد؛ زیرا این افراد بسیار خودخواه و خودمحور هستند و با گذشت زمان، ماهیت رفتارهای منفی افزایش پیدا می‌کند. بدترین مورد رفتارهای ضداجتماعی در جرائم بزرگ‌سالی، قتل است که معمولاً ریشه در اختلالات رفتاری دوران کودکی دارد؛ پس باید از همان کودکی نگران رفتارهایی که به آنها اشاره شد، باشیم. زیرا جامعه‌ستیزی در دوران بزرگ‌سالی به آسانی با روان‌درمانی یا دارو، درمان نمی‌شود.

در وندال‌ها پرخاشگری اصلی‌ترین زیرساخت روانی است؛ زیرا که پرخاشگری یکی از مکانیزم‌های دفاع روانی برای تسلط بر محیط می‌باشد. پسران بیش از دختران به برون‌ریزی خشم خود می‌پردازند و بصورت کلی وندالیسم بیشتر در بین پسران دیده می‌شود و بین ۱۰ تا ۲۵ سال شایع‌تر است.

محیط‌های نخستین تربیتی و تجارب دوران کودکی و فشارهای خانوادگی و یا محیط مدرسه به افزایش بروز این رفتار کمک می‌کنند و حتی می‌تواند آغازگر آن باشند.

وضعیت اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی در این‌باره مؤثر است. به این صورت که اغلب وندال‌ها، جوان و از جنس مذکرند و همچنین دارای تحصیلات پایین هستند. اینان عموماً از نظر شغلی غیرماهر و از نظر وضعیت تأهل، در گروه افراد مجرد قرار دارند.

این افراد اغلب در محیط‌های تحصیلی درگیر سلسله رفتارهای خشونت‌آمیز بوده و دارای تجربه‌ی تنبیه بدنی در مدارس هستند. لذا توصیه می‌شود در حد امکان به‌جای تنبیه‌های اخراجی و یا سایر رفتارهای خشونت‌آمیز، برای آنان مشاوره و درمان در نظر گرفته شود.

شرایط و وضعیت مکانی که وندال‌ها نسبت به آن‌ها رغبت دارند، عبارت است از خیابان‌های خلوت و بدون گشت که پلیس در آن آمد و رفت ندارد.

وندالیسم، بین شهرنشین‌ها بیشتر از روستائین‌ها دیده می‌شود؛ چرا که تلاقی و تعامل لایه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... در شهرها (به‌ویژه کلان‌شهرها) و تراکم و تنوع جمعیتی در آن، افزون‌تر و فشارهای روانی ناشی از آن، بیشتر است.

شدت بروز وندالیسم از خفیف (مانند دیوارنویسی، رنگ‌پاشی روی تابلوها، پنجره‌کردن و خط انداختن اتومبیل‌های پارک شده و...) تا شدید (مانند شکستن شیشه‌های مغازه‌ها و غارت آن‌ها در هرچ‌ومرچ‌ها، تخریب جایگاه‌ها و اتوبوس‌ها پس از مسابقات خشونت‌بار فوتبال و...) تعریف می‌شود و همه این موارد در جای خود حائز اهمیت می‌باشند. نایست به صرف اینکه یک رفتار خیلی آسیب‌رسان نبوده، از مواجهه درست با آن سر باز زد.



◀ تفاوت‌های رشدی و جنسی در وندالیسم

عناصر مؤثر بر فعالیت‌های تخریبی یک فرد در اوایل کودکی ظاهر می‌شود. در این سن تخریب روشی است برای کسب آگاهی از قوانین و ویژگی‌های جهان مادی و محیط ذهنی. علی‌رغم نتیجه که می‌تواند بسیار نزدیک به تخریب باشد، کودک هرگز این رفتار را مخرب و ضداجتماعی نمی‌داند؛ زیرا برای کودکان خردسال، محدودیت فعالیت قابل قبول از نظر اجتماعی، هنوز تعیین نشده تجویز نشده است.

در حالت کلی پسران بیشتر رفتارهای ضداجتماعی را گزارش می‌دهند. در طول سال‌های پیش‌دبستانی، اقدامات خرابکارانه می‌تواند راهی برای مطالعه جنبه‌های مادی محیط، درک مکانیسم رفتار سایر افراد و واکنش آن‌ها به رفتارهای مخرب و تعیین امکانات دست‌کاری برای کنترل رفتار دیگران باشد.

یک کودک پیش‌دبستانی با تأمل در واکنش‌های سایر افراد، بزرگسالان و همسالان، نسبت به رفتارهای مخرب، یک مدل رفتار اجتماعی را ایجاد می‌کند. با این حال، فعالیت تخریب بیش از حد یک شخصیت خرابکار در اینجا بیشتر به‌عنوان نتیجه‌ی عدم آموزش دیده می‌شود تا به‌عنوان یک انتخاب شخصی کودک. طبق مطالعه‌ی کودکان پیش‌دبستانی که در برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان مشکل داشتند، تکانشی بوده و اغلب در موقعیت‌های ارتباطی واکنش نامناسبی نشان می‌دادند (پرخاشگر بودند یا برعکس، بیش‌ازحد خجالتی بودند)، خود و انگیزه‌ی اقدامات آن‌ها را درک نمی‌کردند که ممکن است به خاطر سن و سال و تحصیلات پایین باشند.

ایجاد فرهنگ تعامل با دنیای عینی از طریق رابطه‌ی والدین و کودک تا حدی اهمیت دارد؛ بنابراین، تمرکز تلاش مادر در امور خانوادگی و چشم‌پوشی از محدود کردن علایق و فعالیت‌های شخصی خود فقط به دلایل اقتصادی، امکان توجه

کافی مادر برای کودک و آموزش کودک، انتقال دانش و شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد. درعین‌حال، مشارکت دادن پدر در این فرایند، تعیین محدودیت‌هایی در «قدرت» والدین برای محدود کردن امکانات کودک، تنظیم قوانین صریح و همچنین ایجاد زمینه‌ی احساسی مثبت، به کودک امکان می‌دهد سطح بهینه را به دست آورد. والدین استقلال و فعالیت عملی کودک را سرکوب نمی‌کنند؛ بلکه درک درستی از محدودیت‌های بروز آن را تشکیل می‌دهند.

پیش‌شرط رفتارهای خرابکارانه‌ی کودکان پیش‌دبستانی فاصله گرفتن بیش‌ازحد از آن‌ها، سرکوب اراده و فعالیت عملی و عدم ایجاد خواسته‌های معقول از آن‌ها یا تماس سازنده با آنان است. این پیش‌شرط‌ها می‌توانند نتیجه‌ی عدم علاقه، بی‌تفاوتی نسبت به کودک یا عدم اعتمادبه‌نفس والدین در نقش مربیان باشند. هنگامی‌که کودک به مدرسه می‌رود، اقدامات خرابکارانه غالباً تصادفی است،

هنگامی‌که کودکان به دلیل کمبود تجربه نمی‌توانند نتیجه‌ی اقدامات خود را پیش‌بینی کنند، می‌توانند مکانیسم‌های محافظتی برای از بین بردن تنش و استرس ناشی از شکست آموزشی یا ارتباطی باشد.

نوجوانانی که بسیاری از نویسندگان آن‌ها را عاملان اصلی خرابکاری می‌دانند، اغلب مستعد اقدامات تخریبی علیه یک غریبه یا اموال عمومی هستند.



تقریباً همه‌ی نوجوانان در محیط ارتباطی خود دست به این اقدامات کوچک تخریبی می‌زنند، بدون اینکه ارزش‌های خرابکارانه را به آن‌ها نسبت دهند. از آنجا که پایه‌های انگیزشی فعالیت تخریب متنوع و متعدد است، انتخاب این مدل را می‌توان با ترکیبی از عوامل شخصی و محیطی تعیین کرد. نوجوانی با مدل‌های رفتاری خرابکارانه‌ی قبلاً تحقق‌یافته مشخص می‌شود که یا در یک شخصیت کلی انحرافی ادغام شده باشد و یا در مؤلفه‌ی ارزشی-ایدئولوژیکی شخصیتی که با شرایط فعل و انفعالات در فضای خرده‌فرهنگ شکل می‌گیرد. بنابراین، رفتار خرابکارانه بیشترین نمود را در دوران نوجوانی و بزرگسالی دارد، اما شکل‌گیری آن از مراحل اولیه‌ی رشد است.

کودکان کم سن و سالی که به اموال عمومی یا شخص دیگری آسیب می‌رسانند، همیشه از معنای منفی اجتماعی اعمال خود آگاه نیستند، اما در این دوره صدمه زدن عمدی به اشیاء مادی می‌تواند انجام شود. به دلیل ارتباط ویژه‌ی کودک با بزرگسالان قابل توجه، ماهیت تعامل کودک با موضوع محیط عمدتاً توسط روابط والدین و کودک تعیین می‌شود.

وقتی کودک در سن پیش‌دبستانی نسبت به دارایی یا اموال عمومی دیگران دست به اقدامات خرابکارانه می‌زند، کودک عمدتاً توسط یک طغیان احساسی یا احساسات منفی (حسادت، تمایل به انتقام) هدایت می‌شود و تنظیم رفتار شامل بازتاب‌های عمیق نیست.

کنترل بیش‌ازحد، کمبود نیازها و انواع موضوعات مختلف روابط والدین و پرستاران با کودکان پیش‌دبستانی منجر به تغییر شکل ایده‌های مربوط به حدود قابل قبول اجرای فعالیت می‌شود که به نوبه‌ی خود به انتخاب رفتارهای خرابکارانه‌ی کودکان به‌عنوان استراتژی برای تأمین نیازهای فوری کمک می‌کند. در اوایل مدرسه فعالیت خرابکاری نهفته است. تغییر وضعیت اجتماعی رشد منجر

به تجربه‌ی اثر جدید کودکان می‌شود. آن‌ها تحت تأثیر انگیزه‌های اجتماعی فعالیت آموزشی و احساس مسئولیت شدید نسبت به رفتار قرار دارند. آن‌ها از نظر گروه‌های مرجع بزرگسالان و همسالان مهم هستند. این وضعیت شرایطی را برای کنترل خود فراهم می‌کند و ظهور اشکال واقعی خرابکاری را تقریباً غیرممکن می‌کند. با این حال، در این دوره آمادگی درونی کودک برای انتخاب آگاهانه‌ی رفتارهای خرابکارانه در آینده به‌عنوان راهی برای حل مشکلات شخصی وجود دارد. اقدامات خرابکارانه در میان نوجوانان مشهود است. در این دوره در رشد طبیعی شخصیت، دو گزینه برای شروع چنین انحرافی وجود دارد.

در حالت اول، خرابکاری نتیجه‌ی آزمایش با محیط اجتماعی، عینی یا توانایی‌های خود شخص است و با فقر موقعیتی مشخص می‌شود. در حالت دوم، خرابکاری جلوه‌ای از انطباق است؛ اقدامات خرابکارانه راهی برای حفظ پذیرش اجتماعی و شناسایی یک نوجوان در یک گروه مرجع است. یعنی در اینجا خرابکاری خود هدف نیست. برای یک نوجوان به‌عنوان یک عنصر یا نوع فعالیت مشترک عمل می‌کند که باعث ایجاد احساس تعلق به گروه می‌شود. نوجوانانی که در مراحل اولیه‌ی رشد مهارت‌های لازم اجتماعی و انعکاسی را به دلیل شرایط بیرونی ایجاد نکرده‌اند، با تأثیر مخرب بر محیط عینی از تجربیات، فرصت‌ها، با هدف شناخت خود، ناتوانی و بی‌کفایتی خود در حوزه‌ی اجتماعی را جبران می‌کنند. بنابراین، فعالیت خرابکارانه به نوجوانان اجازه می‌دهد تا به‌طور غیرمستقیم وظایف اساسی سن خود را انجام دهند تا خود را شکل دهند، اما به‌طور هم‌زمان الگوی رفتاری انحرافی را تقویت می‌کند.

در دوره‌ی سنی بعدی، یعنی جوانی، این مدل ثابت و مرکب است. بزرگسالان جوان از طریق تحول در محیط، از جمله تخریب غیرمجاز تأسیسات آن، به شناخت خود و توانایی‌های خود ادامه می‌دهند. انرژی که در شکل‌گیری خودشناسی به رشد هنجاری می‌رسد و بر اساس مسیر زندگی آینده در اینجا است، با فعالیت

برون‌گرا جایگزین می‌شود. علاوه بر این، آن دسته از بزرگسالان جوانی که قبلاً خرابکاری را به دلیل فشار گروهی انتخاب کرده بودند، از طریق گنجاندن در خرده‌فرهنگ‌های جوانان، این رفتار را تقویت می‌کنند.

◀ عوامل مؤثر بر بروز وندالیسم

ریشه‌های وندالیسم را می‌توان تجربه‌های تلخ یا تربیت غلط در کودکی؛ همچون طلاق پدر و مادر، تنبیه نامتناسب بدنی یا رفتاری و کلامی، بی‌بندوباری جنسی یا اعتیاد و به زندان افتادن پدر یا مادر (هر دو)، کمبودهای عاطفی بین کودک و پدر و مادر، عوامل ژنتیکی و وراثتی؛ عقب‌ماندگی ذهنی و نقص عضو جسمی، اختلالات شخصیت، کاستی‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی همانند سایر نابهنجاری‌های اجتماعی (اعتیاد، بزهکاری، خودفروشی و ...) دانست. البته تمامی این موارد حتی در صورت صحت نیز نمی‌توانند توجیهی برای رفتارهای تخریبگرانه علیه اموال عمومی باشد و مراد از این سبب شناسی، صرفاً شناخت ابعاد این مشکل نوظهور اجتماعی است.

بررسی‌های روان‌شناسی و تربیتی نشان می‌دهد وندالیسم غالباً ریشه‌ی اکتسابی دارد و از شرایط محیطی ناشی می‌شود. نوجوانان و جوانان متهمان اصلی این نوع رفتارهای خرابکارانه هستند و وضعیت اجتماعی شهرها نظیر سطح درآمد، تسهیلات رفاهی و معیشتی، محرومیت‌های طبقاتی، مهاجرنشینی و ... وقوع آن را تشدید می‌کند. علل وقوع وندالیسم مجموعه‌ای به هم تنیده از عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌باشد که در جامعه معضل بیکاری، پر نشدن اوقات فراغت و تخلیه نشدن هیجانات روحی نوجوانان مهم‌ترین آن‌هاست.

نقش رسانه‌ها و مراکز فرهنگی و آموزشی نظیر دانشگاه‌ها، مدارس و ... در جامعه‌پذیری جوانان و جلوگیری از بروز وندالیسم بسیار مؤثر است. شرایط فرهنگی جامعه نشان می‌دهد هر جا که رسانه‌ها دست‌به‌کار شده‌اند و برای

فرهنگ‌سازی به‌صورت جدی برنامه‌ریزی و عمل کرده‌اند، نتایج مطلوبی حاصل شده است. اطلاع‌رسانی درباره‌ی علل، نتایج و تبعات فردی و اجتماعی وندالیسم یک ضرورت جدی محسوب می‌شود و می‌توان انتظار داشت افزایش آگاهی‌ها به کاهش مخاطرات و آسیب‌ها در این حوزه بینجامد. موضوع وندالیسم، بیشتر تخریب اموال عمومی است. از میان علل شایع وندالیسم که در جوامع بشری شناخته شده‌اند برخی از آن‌ها که در جامعه نقشی جدی و پررنگ دارند به شرح زیرند:

□ عوامل فردی

• هیجانات روحی

دلیل وندالیسم هر چه باشد، در شکل نهایی از یک هیجان روحی ناشی می‌شود که به‌صورت عصبانیت، پرخاشگری، عصیان جمعی و خودنمایی به تخریب می‌انجامد. کاهش هیجانات نامطلوب و هدایت و تخلیه‌ی فشارها و ناملایمات زندگی روزمره به اقتضای سن، موقعیت فردی و اجتماعی یکی از وظایف مهم دولت‌ها و نهادهای حکومتی است. در غیر این صورت این تخلیه روانی، تبدیل به وندالیسم خواهد شد. در واقع این اعمال اعتراض افراد نسبت به چیزی است که به دست نیآورده‌اند و با تخلیه‌ی هیجانی همراه است.



البته به زبان دیگر می‌توان گفت حُسن این اعمال این است که افراد به‌جای خودآزاری یا دیگرآزاری به شیء آزاری می‌پردازند و این امر سبب می‌شود که درگیری‌های بین فردی کاهش یابد. فروید معتقد است: انسان دارای دو گرایش مرگ و زندگی است. در گرایش مرگ، افراد با تخریب کردن ارضاء می‌شوند و به‌نوعی گرایش افراد به خشونت بیشتر است. این حس گاهی اوقات در کودکان نیز دیده می‌شود؛ آن‌ها نه از جنبه‌ی شناختی بلکه با خشم و بدون تفکر و به‌طور مستمر، اسباب‌بازی‌هایشان را خراب می‌کنند و این اختاری است که والدین در سنین کودکی باید آن را جدی بگیرند؛ زیرا وندالیسم نیز نوعی علاقه به تخریب با هیجانات عاطفی شدید است.

افزایش کمیت و کیفیت مراکز تفریحی، مجموعه‌های ورزشی و امکانات تخلیه‌ی انرژی افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان و ارائه‌ی تسهیلات برای استفاده‌ی اقشار مختلف از آن‌ها یکی از کارکردهای مطلوب دولت است که به کاهش وندالیسم منجر می‌شود و متأسفانه بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک در این زمینه با محرومیت مواجه‌اند. حتی در شهرهای بزرگ برخلاف تصور عمومی، اهالی بسیاری از محله‌ها و مناطق شهری با کمبودهای تفریحی و ورزشی مواجه‌اند و انرژی جوانان اگر هرز رود و هدایت نشود، به تخریب و اخلاص منجر می‌گردد.

• خودنمایی

خودنمایی در گروه دوستان نیز در این حوزه آسیبی جدی است و بسیار پیش می‌آید که عده‌ای از دانش‌آموزان سوار بر اتوبوس به پاره کردن روکش صندلی‌ها می‌پردازند یا در ایستگاه اتوبوس شیشه‌های جداره‌ی سرپناه را می‌شکنند تا قدرت بازو و جسارت خود را به رخ همسالان بکشند و خودنمایی کنند. رها شدن انرژی عقده‌های سرکوب‌شده‌ی خانوادگی و اجتماعی، ناکامی‌های فردی و جمعی و محرومیت‌های فرهنگی نیز در این حوزه قابل‌بررسی است و البته به بحث و دقت نظر در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی توده‌های مردم و طبقات جامعه نیاز دارد.



□ عوامل خانوادگی مؤثر بر وندالیسم

• تنبیه و سخت‌گیری افراطی

تنبیه، شدت عمل و سخت‌گیری‌های افراطی که از سوی والدین در خصوص فرزندان اعمال می‌شود، باعث می‌شود که جوانان، از والدین خود طرد شوند، نیازهای اساسی آن‌ها نادیده گرفته شود و به احساسات و عواطف آن‌ها توجه نشود. پس هنگامی که جوان یا فرزند خانواده از خانواده طرد شود، باعث می‌شود با کمترین هزینه یا کمترین محبت از طرف دیگران و گروه‌های ناهنجار جذب شود.

• زیاده‌روی در ابراز مهر و محبت و مراقبت و محافظت بیش‌ازاندازه

مهر و محبت بیش‌ازاندازه که معمولاً از سوی مادران اعمال می‌شود، منجر به عدم رشد طبیعی فرزندان شده و باعث عدم اعتماد به نفس شخصی و توسل به والدین می‌گردد. پس با توجه به این که کودک در خانواده هیچ‌گونه محدودیتی

را نمی‌چشد، توان مقابله با مشکلات زندگی در خود نمی‌یابد. پس اگر فرزند در جامعه یا در کنکور یا مسائلی از این قبیل دچار شکست شود یا آن‌طور که باید مطابق میل ایشان باشد، اتفاق نیفتد دچار انواع ناراحتی‌های روحی و روانی اجتماعی خواهد شد. پس همراه مهر و محبت، باید روی پای خود ایستادن و اعتماد به نفس را به فرزندان آموزش دهیم.

• توقعات نامعقول و انتظارات نابجا از فرزندان

انتظارات والدین باید متناسب با توانایی‌های فرزندانشان باشد. اگر والدین توقعات بیش‌ازحد معقول از نوجوانان خود داشته باشند، باعث می‌شود که فرزندان آن‌ها از نظر رشد در زمینه‌های مختلف تحصیلی، اجتماعی و غیره و عزت نفس در حد پایینی قرار گیرند.

• نظم و انضباط نامعقول و افراطی

نظم و انضباط همچنان که لازمه‌ی پیشرفت هر جامعه‌ای است برای هر خانواده نیز همین حکم را دارا است. منتهی هنگامی که از حد متعادل خود خارج می‌شود آثار زیان‌باری به بار خواهد آورد و مانع رشد و تعالی خواهد شد. انضباط خشکی که گاهی از سوی والدین نسبت به فرزندان وارد می‌شود، منجر به ایجاد محرومیت‌ها و ناکامی‌های غیراصولی برای کودک شده و کانون‌های خانواده را سرد و ازهم‌گسیخته می‌نماید. فضای تهدید و ترس امنیت فرزندان را سلب و به لحاظ عاطفی، وضعیت نابهنجاری برای فرزندان آن به وجود می‌آورد. البته در مقابل در خانواده‌هایی نیز که هیچ‌گونه نظم و انضباطی حاکم نیست و فرزندان خود را در آزادی و بی‌قیدوبندی رها می‌کنند، نابهنجاری‌هایی به وجود می‌آورند. در این حالت نیز شخص، با پیدایش شخصیتی خودمدار و خیره‌سر به خود اجازه می‌دهد دیگران را مورد تعرض و آزار قرار دهد.

پس به‌طور کلی می‌توان گفت که اگر کودک در محیط خصمانه زندگی کند، یاد می‌گیرد که ستیزه‌جویی کند. اگر کودک در محیط شرم‌زایی زندگی کند، یاد می‌گیرد که احساس گناه کند، اگر در محیط بردباری زندگی کند، یاد می‌گیرد صبور باشد، اگر در محیط امیدوارکننده زندگی کند، اعتمادبه‌نفس را یاد می‌گیرد، اگر در محیط تحسین زندگی کند، قدردانی یاد می‌گیرد، اگر در محیط منصفانه زندگی کند، عدالت را یاد می‌گیرد و اگر در محیط امن زندگی کند، با ایمان می‌شود.

بنا به موارد مذکور، می‌توان نتیجه گرفت که وندالیسم و تخریب اموال عمومی مانند همه‌ی رفتارهای نابهنجار دیگر از عوامل رفتاری آسیب‌زای خانواده سرچشمه می‌گیرد؛ برای همین می‌توان گفت که ستیزه‌جویی و وندالیسم ابتدا در خانواده به فرزندان آموخته می‌شود.

■ عوامل اجتماعی مؤثر بر وندالیسم

• تضاد طبقاتی

وندال‌ها به طبقه‌ی خاصی تعلق ندارند و تنها در محدوده‌های مشخص از شهرها به خرابکاری نمی‌پردازند. یک خرابکار اعمال ناهنجار خود را در همه جای شهر به نمایش می‌گذارد و محدودیتی قائل نمی‌شود. با این حال، می‌توان ادعا کرد وجود خرده‌فرهنگ‌ها و مهاجرنشینی در یک محدوده‌ی مشخص شهری به افزایش وندال‌ها و وندالیسم در آن قسمت کمک می‌کند.

در حقیقت طبقات مختلف اجتماعی و افزایش فاحش فاصله میان طبقات، خاستگاه عمده‌ی وندالیسم محسوب می‌شود. هنگامی که یک جامعه دچار تضاد و اختلاف طبقاتی می‌شود، تفاوت‌های پنهان در لایه‌های درونی زندگی نظیر تربیت خانوادگی، نگرش فردی و اختلاف شئون اخلاقی و عقیدتی در ظاهری آشکار تجلی می‌یابد و به حوزه‌های ملموس زندگی و رفتار اجتماعی کشیده می‌شود.



اختلاف طبقاتی نوعی بی‌عدالتی و خصومت را در جامعه القا می‌کند که برتری‌های شهروندی را بر نمی‌تابد. مفاهیمی نظیر تقسیم شهر به بالا و پایین و وجود حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ از تفاوت در بهره‌مندی‌های شهروندی و تسهیلات رفاهی زندگی اجتماعی حکایت می‌کند و منبعی برای تولید رفتارهای خصمانه و عصیانگری طبقاتی می‌شود. در چنین حالتی، سازه‌های موجود در مناطقی که به سکونت طبقات مرفه اختصاص دارند یا وسایلی که برای ارائه تسهیلات شهری بیشتر در این قسمت‌ها نصب می‌شوند، بیش از پیش در معرض تخریب قرار می‌گیرد و نقش عقده‌ها و تضادهای طبقاتی پررنگ‌تر می‌شود.

• تربیت اجتماعی

نظام تربیتی جامعه از کارکردهای فنی، اخلاقی، تاریخی و قانونی آن نشأت می‌گیرد و حاصل می‌شود. ضعف این نظام به‌راستی بزرگ‌ترین نارسایی یک

جامعه محسوب می‌شود که چهره‌ی حال و آینده‌ی آن را مخدوش می‌کند و حیات اجتماعی اعضای آن را به مخاطره می‌افکند. توجه به این نکته که تمدن‌های شهری بستری برای تجلی ماهیت متغیر زندگی مدرن امروزی هستند و شهرهای جامعه‌ای که یاد ندهد و یاد نگیرد، محکوم به نابودی‌اند، ضرورت‌های آموزش‌های محیطی و کارکردهای تعلیم اجتماعی را آشکار می‌کند. بی‌ارزش دانستن اموال و منافع عمومی مهم‌ترین آسیب این حوزه است که ریشه در ناپختگی فردی، ضعف‌های فرآیند اجتماعی شدن در مرحله‌ی عمل و فقدان آموزش و اطلاع‌رسانی درباره‌ی محیط دارد.

■ عوامل اقتصادی مؤثر بر وندالیسم

• مالیات و خدمات

نظریه‌های کلاسیک مالیات که تا امروز نیز کاربرد دارند و اساس و پایه‌ی ارائه‌ی خدمات مطلوب و به‌روز به شهروندان محسوب می‌شوند، بر ایجاد یک نوع توازن ملموس و ذهنی میان اخذ مالیات و ارائه‌ی خدمات تأکید می‌کنند. در حقیقت باید میان این دو شاخصه رابطه‌ی معناداری وجود داشته باشد و یک راهکار اساسی این است که مالیات شهروندان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه‌ی خدمات صرف شود و به‌عکس آن، پولی غیر از مالیات برای ارائه‌ی خدمات هزینه نشود. در چنین حالتی شهروندان می‌پذیرند و به‌طور واضح مشاهده می‌کنند که خدمات شهری نتیجه‌ی مالیاتی است که خودشان می‌پردازند و بالطبع در مقابل حفظ و صیانت از سازه‌های ارائه‌کننده‌ی این خدمات مسئولیتی دوچندان بر دوش خود احساس می‌کنند.

◀ رابطه‌ی وندالیسم با سایر بزهکاری‌ها

رفتارهای ستیزه‌جویانه و پرخاش‌گرانه تخریب‌گران، مبین تأثیرپذیری از الگوهای فرهنگی آموخته‌شده و ناشی از مشاهده‌ی رفتارهای خشونت‌بار در جامعه است. مسائلی

از جمله اجحاف، بی‌عدالتی و شیوع رشوه در جامعه می‌تواند وندال‌ها را تحریک کند. در حقیقت، تخریب‌گری (وندال) از عوارض سرخوردگی، درماندگی و احساس ضعف در ارائه‌ی دلایل است. قبلاً نیز اشاره شد که احساس اجحاف و احساس ناکامی، دو انگیزه‌ی مهم در وندالیسم و خرابکاری است.

یکی دیگر از عوامل گرایش وندال‌ها به تخریب را می‌توان به کسب اعتبار و منزلت در گروه به‌خصوص در میان جوانان نسبت داد. در واقع وندال‌ها با این اعمال می‌خواهند شجاعت خود را به رخ دیگر اعضای گروه بکشند. والدین معمولاً می‌دانند چه موقع نگرانی‌های جدی از فرزندشان شروع می‌شود. گاهی اوقات در دوره‌ی نوجوانی است، وقتی عواملی مانند همسالان، هورمون‌ها، تغییرات خلقی و عصیان شدید نقش خود را بازی می‌کنند. یا شاید کودکی دچار از دست دادن یا ضربه‌ی شدید شده باشد و رفتار او شروع به تغییر کند.



در مواقعی دیگر، ممکن است مسائل از بدو تولد وجود داشته باشند و در طول سال‌ها همچنان رو به افزایش باشند. نگرانی‌های پزشکی، استرس و اضطراب همه می‌توانند در نگرانی‌های رفتاری نقش داشته باشند. این طبیعی است که والد می‌خواهد بفهمد چرا کودک به روشی خاص عمل می‌کند؟ چرا دخترم با من جروب‌بحث می‌کند؟ چرا پسرم در خانه چیزهایی را می‌شکند؟ چرا او آن بچه را زد؟ در واقع «چرا» می‌تواند در درک و بعضاً تغییر جهت رفتار به ما کمک کند. به‌عنوان مثال، اگر این رفتار در نتیجه‌ی مرگ یا طلاق آغاز شود، می‌توانید راه‌هایی برای کمک حرفه‌ای به فرزند خود پیدا کنید؛ اما واقعیت این است که مهم نیست که به چه دلیل است؛ مهم این است که ما هنوز هم باید با این رفتار کنار بیاییم و هنوز هم عواقب آن وجود دارد.

اگر مردی ۳۳ ساله به جرم سرقت اتومبیل به دادگاه برود و بگوید: من ماشین را دزدیدم زیرا برای پرداخت غذا به پول نیاز داشتم. قاضی قرار نیست بگوید: اوه، خوب است که آن را توضیح می‌دهید. من می‌فهمم و این دلیل خوبی است. لطفاً بدون هیچ عواقبی آزادانه به راه خود بروید ... و در هنگام خروج مقداری کوپن غذا بردارید. بنابراین اگرچه قطعاً پرداختن به مواردی که در رفتارهای بزهکارانه کودک تأثیرگذار است، می‌تواند مهم باشد، اما باز هم باید او را مسئول بدانیم.

◀ راهکارهای مناسب برای مقابله با وندالیسم

آسیب‌های اجتماعی پدیده‌های تاریخی و جهانی هستند و انسان‌ها در فراز و نشیب‌های تاریخ همیشه از آسیب‌های اجتماعی بسیار رنج‌برده و همواره در جستجوی یافتن علل و انگیزه‌های آن‌ها بوده‌اند تا روش‌هایی را برای رهایی از آن‌ها بیابند.

خرابکاری جرمی است که تأثیر عمده‌ای بر کیفیت زندگی ما دارد و ترمیم عواقب آن، میلیاردها تومان هزینه دارد. اگر مشاهده کردید که دارایی شهری تخریب شده است، باید آن را گزارش دهید. اگر شخصی را در حال تخریب املاک دیدید، باید با پلیس تماس بگیرید. اگر در حمل‌ونقل عمومی هستید و می‌بینید کسی اتوبوس یا قطار را خراب می‌کند، با شرکت اتوبوس/قطار تماس بگیرید و آن‌ها را در جریان بگذارید. اگر فکر می‌کنید آنچه دیده‌اید می‌تواند خطرناک باشد (مانند شخصی که آتش افروزی می‌کند) یا شخصاً احساس خطر می‌کنید، حتماً به پلیس اطلاع دهید. علاوه بر این، شخصی که دارای وسایل ارتکاب خرابکاری است، مانند یک مته یا وسیله‌ی برش شیشه، در برخی شرایط نیز می‌تواند با اتهامات خرابکاری روبرو شود، پس در گزارش‌های خود باید دقت کنید. مجازات‌ها بسته به حالت خاص و ارزش خسارت دارایی، نقض قوانین تخریب، تخلف یا جرم متفاوتند.

اگرچه تخریب، به خودی‌خود، اغلب یک جرم غیر خشونت‌آمیز تلقی می‌شود، اما ممکن است با جرائم دیگری همراه باشد یا حتی به جرائم جدی‌تر نیز منجر شود. جرائمی که ممکن است مربوط به خرابکاری باشد؛ شامل سرقت، تجاوز و جنایت است و یا می‌تواند مسبب برهم زدن آرامش شوند. اگر افراد وسایل عمومی را تخریب می‌کنند، به این دلیل است که دیگر آن را جزو اموال خود نمی‌دانند، پیوندی با آن حس نمی‌کنند و جزو هویت و پیوستگی‌شان با اجتماع نیست؛ بنابراین اگر ما پیوند اجتماعی افراد با جامعه را تقویت کنیم، یعنی فرد احساس کند در این جامعه جایگاهی دارد، وندالیسم کنترل خواهد شد.

فارغ از این، از منظر نظریه‌ی پنجره‌های شکسته هم می‌توان به این موضوع نگاه کرد. به این معنی که اگر ما محیطی مرتب داشته باشیم، وندالیسم در آن شکل نمی‌گیرد؛ اما اگر محیطی صدمه‌دیده باشد، مثل خانه‌ای که پنجره‌هایش شکسته، افراد به شکستن باقی پنجره‌ها ترغیب می‌شوند. این‌طوری است که

حذف سریع وندالیسم و زدودن آن از چهره‌ی جامعه، بسیار ضروری است. وندالیسم واکنش از سرِ خشم و به‌واسطه‌ی ناآگاهی و نداشتن علم کافی برای ارزش آثار باستانی و اموال عمومی است. بنابراین افزایش آگاهی عمومی، آموزش و فرهنگ‌سازی از طریق خانواده، مدرسه، نهادهای فرهنگی و وسایل ارتباط‌جمعی می‌تواند راهکار اولیه و مهم مقابله با این پدیده‌ی ضداجتماعی باشد. توجه به مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان و رفع نیازهای آنان هم مرحله‌ی بعد مقابله با این پدیده است. از سوی دیگر رفع تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها و در کنار آن به وجود آوردن زمینه‌هایی برای مشارکت مردم در نظارت بر آثار باستانی و اموال عمومی، از دیگر راهکارهای مقابله با این پدیده است.



خرابکاری یکی از متداول‌ترین انواع جرائمی است که علیه خانواده‌های آمریکایی انجام می‌شود و تقریباً هر سال ۱۵ درصد از آمریکایی‌ها قربانی می‌شوند. خرابکاری چیزی فراتر از اسپری رنگی یا شیشه‌های شکسته است. این نقض احساس امنیت شما به‌عنوان یک مالک ملک است. حتی اگر خسارت نسبتاً جزئی باشد، یک اقدام خرابکارانه می‌تواند اعتماد و احساس امنیت صاحب‌ملک را متزلزل کند.

اگر صدمه زدن به اموال شما برای کسی به این آسانی باشد، چقدر ممکن است با چنین چیزی یا یک چیز خیلی بدتر کنار بیاوید؟ علاوه بر این، خرابکاری می‌تواند به روح یک جامعه و همچنین ارزش‌های مالکیت آسیب برساند و آن را افسرده کند. جلوگیری از خرابکاری چیزی است که باید در رأس ذهن هر صاحب‌ملک باشد. در اینجا چند نکته آورده شده است که می‌توانید برای محافظت از دارایی، محله و آرامش خاطر خود دنبال کنید.

نرده‌ای با دروازه‌ی ایمن نصب کنید. اگر یک فرد خرابکار مجبور شود از روی نرده‌ای بالا برود یا بخواهد از یک دروازه‌ی قفل‌شده عبور کند، مطمئناً در مورد تخریب یک ملک دو بار فکر خواهد کرد. همچنین توصیه می‌شود که حصارکشی را در اطراف مناطقی مانند قسمت‌های گوشه‌ای یا معابر نصب کنید و همیشه از قفل شدن دروازه‌های خود نیز اطمینان حاصل کنید.

از دوربین‌های فیلم‌برداری استفاده کنید. قرار دادن دوربین‌های فیلم‌برداری اطراف دارایی شما، عامل بازدارنده مؤثری در برابر تخریب و سرقت است. اگر آن‌ها آن‌قدر جسور باشند که بتوانند باوجود دوربین مرتکب جرم شوند، شواهد ویدئویی می‌توانند برای پلیس بسیار مفید باشند.

خرابکاری را پاک کنید. وندال‌ها اموال را تخریب می‌کنند زیرا می‌خواهند این کار آن‌ها دیده شود. تمیز کردن دیوارنوشته‌ها یا شیشه‌های شکسته به محض اینکه آن را در ملک خود پیدا کردید، می‌تواند خرابکاران را از بازگشت در آینده منصرف کند.

اگر چیزی دیدید، گزارش دهید. اگرچه این درست است که پلیس مشغول است و جرائم مهمتری برای مقابله با آنها دارد، اما این بدان معنا نیست که شما نباید مواردی از خرابکاری را گزارش کنید. سابقه‌ی گزارش می‌تواند به پلیس اطلاع دهد که بیشتر کجا باید گشت بزنند و هرگونه اطلاعات می‌تواند در یافتن و دستگیری افراد خرابکار مفید باشد.

از شیشه‌های مقاوم در برابر شکست استفاده کنید. پنجره‌ها و وسایل نوری مقاوم در برابر خرد شدن، آسیب‌رساندن به مال شما را برای افراد خرابکار بسیار دشوارتر می‌کند. از آنجا که آنها تاریکی را ترجیح می‌دهند، معمولاً ابتدا سراغ چراغ می‌روند؛ اما اگر شکستن این چراغ‌ها خیلی سخت باشد، احتمال بیشتری دارد که منصرف شوند.

دارای چراغ‌های امنیتی روشن در داخل و خارج از دارایی خود باشید. نور بزرگ‌ترین دشمن خرابکار است. روشن نگه‌داشتن مناطق انجام اقدامات خرابکارانه آنها بدون دیده شدن را مشکل می‌کند. روشنایی مناسب ساده‌ترین و مهم‌ترین مرحله در جلوگیری از خرابکاری است.

قفل کردن درها و دروازه‌ها کم‌هزینه‌ترین گزینه برای جلوگیری از خرابکاری است. عمل ساده‌ی قفل کردن درب می‌تواند از یک اقدام خرابکارانه جلوگیری کند. وندال‌ها تمایل دارند به دنبال اهداف آسان باشند. هر مرحله‌ی اضافی که باید طی کنند، آنها را ترغیب می‌کند که به‌جای دیگری بروند. بررسی همه‌ی درها و دروازه‌ها را به‌عنوان بخشی استاندارد از رویه‌های خود قرار دهید.

راهکارهای محله‌محور مقابله با وندالیسم کودکان

برخی از این توصیه‌ها با همکاری‌های محلی و اجتماعی میسر خواهند شد و نیاز به ایجاد شبکه‌های همکاری جامعه‌ای دارند. مهمترین آنها عبارتند از:

۱- افزایش مراکز مشاوره‌ی اجتماعی در محلات و مدارس جهت مشاوره و روان‌درمانی کودکان و نوجوانان و آشنا نمودن آن‌ها با این پدیده‌ی شوم؛

۲- توجه به امر آموزش، فرهنگ‌سازی و تبلیغ پیرامون موضوع وندالیسم از قبیل ساخت برنامه‌های کارتون‌ی و پویانمایی جهت آموزش کودکان و نوجوانان؛

۳- مطلوب ساختن شرایط محیط‌زیست و توجه به امور زیباشناسی در ساخت اموال و احداث اماکن عمومی (از جهت گوناگون) و بهبود و اصلاح محیط‌زیست و زیباسازی؛

۴- به وجود آوردن زمینه‌هایی برای مشارکت مردم در مسائل جامعه از طریق فراهم آوردن همبستگی میان مسئولان و خانواده‌ها؛

۵- افزایش نظارت اجتماعی ارگان‌های رسمی مانند نیروی انتظامی و تقویت ابزارهای اخلاقی، ارزشی و فرهنگی؛

اما اقدامات شخصی و خانوادگی نیز در کنار موارد بالا بایستی انجام شود. والدین باید موضوع مسئول بودن فرزندان در برابر اعمالشان را به آنان یادآور شوند و بگویند که در صورت انجام چنین اقداماتی، بایست منتظر مجازات آن باشند. همچنین درباره‌ی ارزش‌های خود به‌عنوان یک خانواده صحبت کنید و سپس آن ارزش‌ها را زندگی کنید. زیرا بچه‌ها بیشتر از آنچه می‌گوییم، از کارهای ما تقلید می‌کنند. با توجه به این نکته، مطمئن شوید که ارزش‌ها و الگوی رفتاری را که می‌خواهید برای فرزندتان داشته باشید را خودتان در ابتدا رعایت می‌کنید.

مشاور یا یک پشتیبان برای امر والدگری داشته باشید؛ زیرا یکی از سخت‌ترین کارهایی که می‌توانید به‌عنوان پدر و مادر در هنگام رفتارهای پرخطر یا بزهکارانه انجام دهید، این است که به تنهایی از عهده‌ی آن برآیید. ممکن است که احساس

خجالت و شرمندگی داشته باشید، اما درک کنید که بسیاری از والدین دیگر نیز با بچه‌های خود در این مشکلات روبرو شده‌اند و فقط شما نیستید که این معضلات را دارید و البته مجبور هم نیستید این مسائل را به تنهایی پشت سر بگذارید. سعی کنید از همسر، مشاور، دوست مورد اعتماد یا انجمن موجود کمک بگیرید.

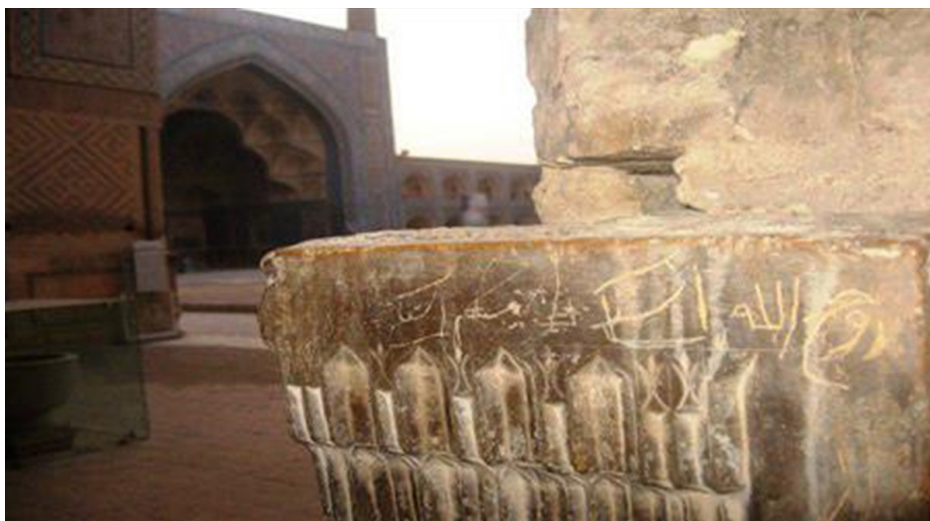
◀ وندالیسم فرهنگی

وندالیسم فرهنگی یعنی تخریب کنترل نشده‌ی اشیا و آثار فرهنگی با ارزش که یک ناهنجاری اجتماعی به شمار می‌آید. تخریب آثار تاریخی و فرهنگی از سوی جوانان و نوجوانان دارای عوارض و پیامدهای مادی و معنوی زیادی بوده و به وجهی تاریخی یک شکور ممکن است لطمه بزند.

در وندالیسم فرهنگی تخریب آثار تاریخی به‌ویژه دیوارنویسی با عنوان یادگاری از سایر موارد بیشتر به چشم می‌خورد که افراد بدون توجه به ارزش فرهنگی و قدمت آثار باستانی اقدام به تخریب ناخواسته می‌کند. یادگاری‌نویسی از مصادیق وندالیسم فردی است که بیشتر بدون برنامه و هدف انجام می‌شود. به گفته‌ی اغلب کارشناسان حوزه‌ی میراث فرهنگی، دیوارنویسی از جدی‌ترین عوامل تخریب و نابودی آثار تاریخی است که می‌تواند زودتر از هر تهدیدی سرمایه‌های کشور را از بین ببرد. سرمایه‌هایی که دیگر به‌راحتی قابل بازگشت نیست و شاید هم هرگز قابل بازگشت نباشند. نوشتن یادگاری بر روی آثار تاریخی، به‌طور عمومی توسط افرادی صورت می‌گیرد که اطلاع کافی از اهمیت حفظ آثار باستانی ندارند. میل به جاودانگی به‌طور طبیعی در همه‌ی افراد وجود دارد و نمی‌توان کسی را یافت که رویای ماندگاری نام خود را در تاریخ نداشته باشد؛ اما اضافه کردن هر نوشته‌ای که در اصل اثر تاریخی، تغییر ایجاد کند و موجب غیرطبیعی شدن اثر شود، رفتاری مخرب تلقی می‌شود.

برخی بدون آگاهی از عواقب رفتار خود، اقدام به تخریب آثار تاریخی می‌کنند؛ اما گروهی با وجود اطلاع از ارزشمندی آثار باستانی، با رفتاری مغرضانه، درصد آسیب‌رسانی به این آثار هستند، بنابراین می‌توان گروه دوم را دچار اختلالات شخصیتی دانست.

از منظر جرم‌انگاری و بر اساس ماده ۵۵۸ قانون مجازات اسلامی در خصوص تخریب اموال تاریخی- فرهنگی، «هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه، اماکن، محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی- تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است، یا تزئینات، ملحقات، تأسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور که مستقلا نیز واجد حیثیت فرهنگی- تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به حبس از یک الی ۱۰ سال محکوم می‌شود». این نص صریح قانون در خصوص تخریب‌گران یا همان وندال‌هاست.



◀ مبارزه با وندالیسم فرهنگی

ممکن است آسیب وارد شده به یک اثر تاریخی غیرقابل جبران باشد؛ لذا اقدامات برای پیشگیری از بروز رفتارهای مخرب فرهنگی باید در اولویت قرار بگیرد. تخریب این آثار به بهانه‌ی یادگاری نوشتن، زنده کردن خاطرات یک سفر نیست؛ بلکه ردپای شومی است که نه تنها نسل کنونی بلکه نسل‌های بعدی نیز از آن به نیکی یاد نخواهند کرد.

افرادی که از آثار باستانی دیدن می‌کنند، در واقع چند دسته هستند. یک دسته کسانی که با شناخت کافی و مطالعه از این اماکن بازدید می‌کنند و دسته‌ای هم کسانی که به صورت گذری و بدون آگاهی تنها به این منظور که اگر روزی روزگاری آشنایی گذرش به آن مکان افتاد، اسم آن‌ها را ببیند سفر می‌کنند. در واقع با این حرکت می‌خواهند تنها ردپایی از خود به جا بگذارند. نقش آموزش در جامعه از طریق مجرای صحیح بسیار مهم است؛ چرا که آموزش از طریق مدرسه و معلمان کفایت نمی‌کند. بسیاری از دانش‌آموزان عمل پدر و مادر را در خانواده حجت می‌دانند. در واقع عدم آگاهی افراد نشأت گرفته از عدم آموزش صحیح است.

سوی دانش‌آموزان که باید به صورت دوره‌ای و در روزهای معین و به صورت گروه‌های کوچک در موزه‌ها، حتی باید داشتن فاصله‌ی صحیح از آثار را یاد بگیرند، بزرگسالان هم باید از آموزش برخوردار شوند چرا که بعد آموزشی ما در ارتباط با آثار فرهنگی و باستانی بسیار پایین است.

با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل در صیانت از آثار تاریخی افزایش آگاهی عمومی نسبت به ارزش آن‌هاست، در حفاظت تنها شناخت علمی اثر کافی نیست و نوعی از شناخت همراه دوستی با آثار تاریخی- فرهنگی نیاز است که این شناخت را رسانه‌های دیداری، شنیداری و به‌ویژه دیجیتال به‌عنوان یک فرضیه‌ی ملی

از طریق جامعه‌پذیری و درونی کردن آیین‌ها، آداب و رسوم، تشریفات، عادات‌ها و سنت‌های اجتماعی، می‌توانند به عموم جامعه منتقل کنند. رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های محلی می‌توانند با به تصویر کشیدن چهره‌ی ناخوشایند آثاری که مورد حمله‌ی وندال‌ها قرار گرفته‌اند و تأثیرات منفی آن بر جامعه ضمن تأثیرگذاری بر مرتکبان در افراد بومی منطقه ایجاد حساسیت کرده و آن‌ها را ترغیب به حفاظت بیشتر از این اماکن کنند.

■ نصب تابلوی یادگاری برای یادگاری نویسان

بسیاری از کارشناسان و جامعه‌شناسان و روانشناسان بر این عقیده‌اند که با نصب تابلوهای بزرگ در کنار بنا و آثار باستانی می‌توانند از یادگاری نویسی و کنده‌کاری جلوگیری کرد. همچنین اطلاعاتی جمع می‌شود که چه تعداد مراجعه‌کننده با چه اهدافی به آن مکان رفته‌اند و البته یک روش آمار از بازدیدکنندگان نیز هست؛ چرا که در ایران آمارهای داده‌شده برخی مواقع از صحت برخوردار نبوده است و در آخر اینکه، در روزگاری که دیگر کمتر شاهد ساخت بنایی با معماری منحصر به فرد و ارزشمند در کشور هستیم، به نظر می‌رسد توجه به حفاظت از آثار تاریخی موجود، حداقل وظیفه‌ای باشد که در قبال نسل‌های آینده، بر دوش داریم تا این امانت نسل‌های گذشته را به سلامت به نسل آینده تحویل دهیم.

وندالیسم در مدرسه

خرابکاری در مدارس ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد؛ از نوشتن در کتاب تا نوشتن روی میز، از خراب کردن دیوارها تا شکستن پنجره‌ها، از بریدن صندلی‌های اتوبوس مدرسه گرفته تا جدا کردن پوسترها در سالن و کلاس. درحالی‌که مدیر معمولاً مسئولیت برخورد با دانش‌آموزان ناپایدار را دارد، معلمان با توجه به دلایل این رفتار نقش مهمی در جلوگیری از خرابکاری‌ها دارند.



گفتیم که مواردی زیادی از جمله وضعیت اقتصادی، پایین بودن سطح تحصیلات والدین، جدایی والدین، خشونت در خانواده، سابقه مجرمیت والدین، معاشرت با دوستان بزهکار، تبعیض، عدم رعایت قوانین، عدم شرکت در فعالیت‌ها، عدم احساس تعلق و فقر فرهنگی، نداشتن برنامه برای اوقات فراغت می‌توانند با گرایش دانش‌آموزان به وندالیسم رابطه‌ی معنی‌داری داشته باشند. آنچه شما می‌توانید انجام دهید این است که با فرزند خود در مورد مراقبت از دارایی دیگران صحبت کنید. زیرا کودکان شما ممکن است در مورد اهمیت مراقبت از اموالی که متعلق به شخص دیگری یا مدرسه است به راهنمایی نیاز داشته باشند. با آن‌ها صحبت کنید که در صورت از دست دادن یا صدمه زدن به اموالی که مال آن‌ها نیست، چگونه باید خسارات ناشی از این غفلت را جبران کنند.

در نظر بگیرید که اگر فرد دیگری به اموال آن‌ها آسیب برساند، انتظار می‌رود چه اتفاقی بیفتد؟ بحث کنید که چگونه با اموال مدرسه نیز باید با احترام برخورد شود تا دانش‌آموزان دیگر از آن لذت ببرند. انگیزه‌ی کودک را از اقدامات تخریب‌گرایانه بررسی کنید. درک اینکه چرا یک دانش‌آموز ممکن است املاک را خراب یا تخریب کند، به شما کمک می‌کند دریابید که چگونه او را از تکرار عمل بازدارید. سعی کنید با مشاهده‌ی دقیق او، متوجه شوید که چه چیزی باعث ایجاد این رفتار می‌شود.

گرچه رسیدگی به این نگرانی‌های اساسی مهم است، اما یک کودک را به خرابکاری متهم نکنید، مگر اینکه شواهد قانع‌کننده‌ای مبنی بر مسئولیت وی داشته باشید. اگر به انجام این کار به وی مشکوک هستید اما هیچ مدرکی ندارید، به‌طور خنثی در مورد این مسئله به او بگویید و از او سؤال کنید که آیا او از آنچه اتفاق افتاده، اطلاع دارد؟ اگر او آن را انکار کرد، دیگر این کار را با او دنبال نکنید. اگر به دروغ او را متهم کنید که مرتکب تخریب شده است، خطر از بین بردن رابطه با وی و خشم او را در پی دارد.

اگر مدرسه از حمایت والدین برخوردار باشد، در جلوگیری از اقدامات خرابکارانه در آینده مؤثرتر خواهد بود. اینکه آیا برای یک اتفاق خاص با والدین تماس گرفته شود، به میزان آسیب بستگی دارد. اگر دانش‌آموزی آدامس زیر میز خود گذاشته یا کتاب کسی را نوشته است، می‌توانند این موضوع را بدون اطلاع والدین اداره کنند. اگر حادثه جدی‌تر باشد، خصوصاً اگر مستلزم جبران خسارت مدرسه باشد، باید به والدین اطلاع داده شود. مدرسه دانش‌آموز را ملزم به جبران خسارت می‌کند. الزام دانش‌آموز در حل مشکلی که ایجاد کرده بهترین راه برای پاسخگویی نسبت به رفتار اوست.

مدرسه باید در اتخاذ این راه‌حل، ماهیت آسیب و سن دانش‌آموز را در نظر بگیرد و مجازات را متناسب با رفتار قرار دهد. اگر دانش‌آموز صفحه‌ای از کتاب را پاره کرده باشد، ممکن است از او بخواهند که آن را به‌دقت در کتاب بچسباند. شما به‌عنوان والدین در صورت مطلع شدن می‌توانید برای مثال اگر او زیر میز خود آدامس گذاشته است، او را وادار کنید که بعد از مدرسه بماند و آدامس را از زیر همه‌ی میزها بیرون بیاورد. اگر او روی میز را نوشته است، از او بخواهید میزهای کلاس را تمیز کند. اگر این خسارت به حدی است که والدین باید هزینه‌ی آن را بپردازند، پیشنهاد می‌شود که راهی برای انجام کارهای خانه در فرزندتان پیدا کنید تا هزینه‌ی آن را به روشی متناسب با سن خود تأمین کند.

■ احترام به اموال مدرسه و جامعه‌ی گویی

با اقدامات خود به فرزند خود نشان دهید که چگونه به دارایی مدرسه و جامعه ارزش می‌دهید. این کار را می‌توانید با مراقبت از موارد موجود در اتاق خود انجام دهید، خواه به روشی که کتاب‌ها را روی قفسه‌ها مرتب کرده‌اید یا به دکوراسیون اتاق توجه کرده‌اید. کودک را وقتی که با اموال با احتیاط رفتار می‌کند موردتوجه قرار دهید. هنگامی که می‌بینید کودک با دقت در حال دست زدن به وسایل هست، با گفتن جملاتی همچون «من از روش محافظت از کتاب‌ها خیلی خوشم می‌آید» از او تعریف و تمجید کنید. این نه‌تنها این پیام را به فرزند شما می‌رساند که مراقبت از اموال ارزش مهمی است بلکه به کودک نشان می‌دهد که با احترام با وسایل رفتار کند و این رفتار خوب او موردتوجه شما است. از او بخواهید آنچه را انجام داده، روی کاغذ توصیف کند و در مورد عواقب احتمالی خرابکاری در مدرسه بحث کند. به فرزند خود احساس تعلق به مدرسه دهید. اگر احساس مالکیت و غرور در مدرسه کند، احتمال آسیب‌زدن به اموال مدرسه کمتر خواهد بود. او را در فعالیت‌هایی دخیل کنید که به او احساس خوبی در مورد

مدرسه می‌دهد تا احتمال مراقبت از آن بیشتر از تخریب آن باشد. از اصل هزینه‌ی تعمیرات سال قبل خرابکاری در مدرسه مطلع شوید. از او بخواهید بفهمد که اگر خرابکاری وجود نداشته باشد، مدرسه می‌تواند با این پول چندین جشن برگزار کند.

◀ راهکارهای دینی در زمینه‌ی بازدارندگی از کجروی و وندالیسم

دین با متوجه ساختن افراد به نظام ارزش‌ها و پاداش‌های معنوی و همچنین با قرار دادن آن‌ها در بستر مراسم و آیین‌هایی خاص، دین‌داران را از نوعی حمایت عاطفی برخوردار ساخته و آنان را در حوادث مهم زندگی یاری می‌دهد. این حمایت روانی، سدی در برابر فوران خشم افراد در مقابل اموال عمومی است. همچنین دین اهرم کارآمد استحکام و دوام بخشیدن به همبستگی اجتماعی است. چون با پیوند دادن پیروان خود به یکدیگر و ایجاد و تقویت دل‌بستگی میان آنان، وحدت اجتماع را تأمین می‌کند. این پیوند نیز از طریق طراحی مراسم گوناگون دینی و ایجاد ارزش‌ها و باورهای مشترک، برقرار می‌گردد. هر چقدر همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، آسیب به اموال مشترک برای افراد سختتر خواهد شد.

از آنجایی که دین، ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود را بر پیروانش عرضه می‌دارد، پس نقش کنترلی خود را با تقویت آن ارزش‌ها و هنجارها، به شکل مؤثری ایفا می‌کند که این کنترلگری هم فرد را از اقدامات وندالیستی بر حذر می‌سازد. به بیان دیگر دین می‌تواند در پرتو نوعی جامعه‌پذیری خاص به منبعی درونی برای کنترل رفتار بدل گردد و از طریق پایبندی فرد به مجموعه‌ای از معیارهای هنجاری که با ضمانت‌های اجرایی اجتماعی همراه است، به‌عنوان نوعی مکانیسم کنترل بیرونی عمل می‌کند. در نهایت اینکه دین با همبستگی اجتماعی بین افراد نوعی نظم اخلاقی به وجود می‌آورد که آثار این‌نظم اخلاقی بر فرهنگ جامعه و همچنین بر کنش‌های متقابل اجتماعی افراد نمود دارد.



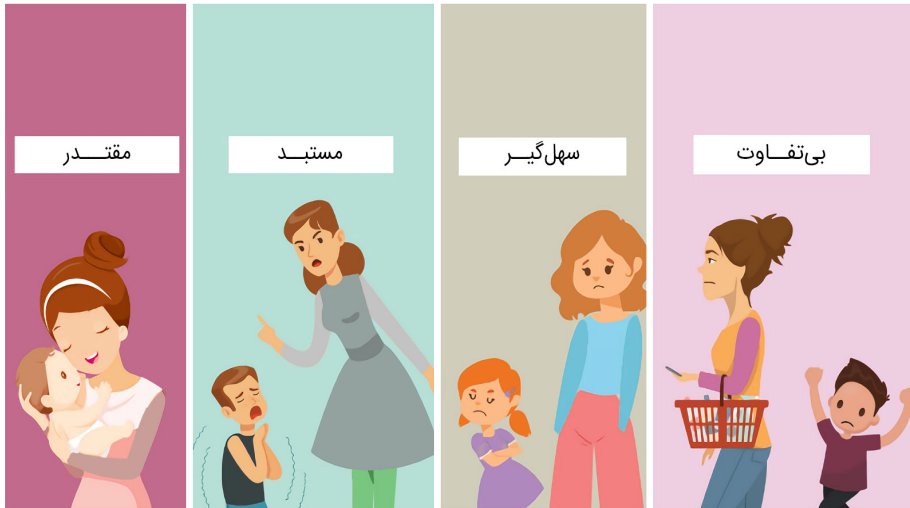


◀ بخش دوم: ارتقای مهارت‌های والدگری

◀ سبک‌های فرزندپروری

والدین، مرکز ثقل تربیت کودک و نوجوان‌اند و قبل از هر نظام تربیتی دیگر بر روی فرزند خود تأثیر دارند. جو حاکم بر خانواده و رفتار والدین در چگونگی احساس فرد از خود و توانایی‌هایش مؤثر است. این فرایند مستلزم تلاش و پشتکار، صرف وقت، شکیبایی، آمادگی مداوم برای پذیرش خطا و تعدیل رفتار تربیتی است.

شیوه‌ی کاربستِ محبت، اقتدار و کنترل والدین بر فرزندان و نگرش پدر و مادر به این مفاهیم، سبک فرزندپروری او را تشکیل می‌دهد. پس سبک‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از رفتارهای تعیین‌کننده‌ی ارتباطات متقابل والد-فرزند در موقعیت‌های متفاوت است و این‌گونه فرض می‌شود که موجب ایجاد یک فضای تعامل گسترده می‌گردد. محققان با تلاش بر یافتن ویژگی‌های مشترک تربیت والدین چهار سبک فرزندپروری را شناسایی کرده‌اند. اما لازم است بدانید هر والدی با فرزند خود رابطه‌ای منحصربه‌فرد دارد.



هر کدام از این سبک‌های فرزندپروری در چهار زمینه‌ی نظم، ارتباط، انتظارات و بیان احساسات و عواطف با هم متفاوت هستند. این سبک‌های مهم و اثرگذار عبارتند از سهل‌گیرانه، مستبدانه، بی‌تفاوت و مقتدرانه.



□ سبک فرزندپروری سهل‌گیر

والدین آسان‌گیر، صرفاً پذیرا هستند و درخواست و توقع بسیار کمی از فرزند خود دارند و از هر نوع اعمال مهارتی بر کودک، خودداری می‌کنند. این والدین درحالی‌که فرزندان رشد کافی نکرده‌اند و هنوز توانایی تصمیم‌گیری در بسیاری از امور را ندارند، به آن‌ها اجازه می‌دهند که در هر سنی، خودشان تصمیم بگیرند و حتی تصمیماتی بگیرند که مستلزم کسب تجربه و دانش هستند که فرزندانشان، هنوز به آن‌ها دست نیافته‌اند. به فرزندان اجازه می‌دهند هر وقت و هر چه دوست دارند، بخورند و هر ساعتی خواستند و به هر میزانی که می‌خواهند، بخوابند و تلویزیون تماشا کنند و یا بیرون از خانه بمانند.

به‌طورکلی یک پدر و مادر آسان‌گیر، همیشه در تلاش است که همسو با تکانه‌ها، درخواست‌ها، اعمال و امیال کودک رفتار کند و هیچ توقعی از کودک

برای انجام کارهای منزل و رفتار مناسب ندارد و در ذهن کودک تصویری از خود ایجاد می‌کند که کودک او را تنها منبع خدمات می‌داند نه به‌عنوان عامل توانا و فعال که مسئول شکل‌دادن و یا تغییر رفتار فعلی یا رفتار آتی کودک است.

این والدین معمولاً استقلال و آزادی زیادی به فرزندان می‌دهند ولی معمولاً اهداف و انتظاراتی روشن برای فرزندان ترسیم نمی‌کنند. والدین سهل‌گیر، صاحب فرزندان هستند که کمترین میزان اعتماد به نفس، کنجکاو و خودکنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند و در مهارت‌تکانه و تشخیص ارزش از ضدارزش مشکل دارند. والدین دارای این سبک، فرزندان را به حال خود رها می‌کنند و الگوی مناسبی برای آن‌ها نیستند. گرایش به مصرف مواد مخدر و سایر رفتارهای ضداجتماعی در فرزندان خانواده‌های آسان‌گیر بسیار دیده می‌شود.

• ویژگی‌های والدین سهل‌گیر

- ۱- توجه بسیار زیادی به فرزندان خود دارند؛
- ۲- تصمیم‌گیری‌های بزرگ و مهم را به فرزندان خود واگذار می‌کنند؛
- ۳- هیچ انتظاری از کودک و نوجوان وجود ندارد
- ۴- به‌جای مسئولیت‌پذیری بر آزادی فرزندشان تأکید دارند؛
- ۵- ساختار، قوانین و استانداردهای رفتاری بسیار محدودی برای کودک و نوجوان قائل‌اند و همان‌ها هم به‌خوبی اجرا نمی‌شوند؛
- ۶- همواره از پاداش و جایزه (رشوه) برای کنترل فرزندشان استفاده می‌کنند؛
- ۷- اصلاً یا به‌ندرت محدودیت و تنبیه برای رفتارهای نامطلوب کودک و نوجوانشان اعمال می‌کنند؛
- ۸- تمام خواسته‌های فرزندشان را بدون حد و مرز برآورده می‌کنند؛

• ویژگی فرزندان والدین سهل‌گیر

کودکان و نوجوانان ممکن است از این نوع فرزندپروری استقبال کنند. زیرا کمترین مسئولیتی در قبال آزادی حداکثری آن‌ها وجود دارد. اما این اتفاق در ادامه می‌تواند

بسیار آسیب‌زا باشد. کودکان و نوجوانانی که دارای والدین سهل‌گیر هستند، دچار مشکلات زیر خواهند شد:

۱- فقدان توانایی مدیریت هیجانات و احساسات

۲- کمبود اعتماد به نفس

۳- سرکشی کردن در صورت عدم تأمین خواسته‌ها

۴- مشکل در پیروی از قوانین

۵- عدم نظم‌پذیری

۶- فرار از مسئولیت‌پذیری

۷- بروز مشکلات رفتاری متعدد

۸- احتمال بالای گرایش به مصرف مواد و الکل

۹- متوقع بودن

۱۰- در معرض خطرات قرار گرفتن

۱۱- عدم انتقادپذیری

۱۲- پیشرفت تحصیلی پایین

۱۳- ابراز رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه





■ سبک فرزندپروری مستبدانه

والدین دیکتاتور، روابط سرد همراه با کنترل زیاد را بر فرزندان خود، اعمال می‌کنند. اغلب فرزندان خود را تحقیر و تنبیه کرده و در مورد تنبیه به کار گرفته، هیچ‌گونه توضیحی نمی‌دهند. والدین مستبد، انتظارات بسیار بالایی از فرزندان خود دارند و در ارتباط با فرزندان عواطف اندکی نشان می‌دهند. این والدین لزومی برای ارائه‌ی دلیل جهت دستورات خود نمی‌بینند و بر اطاعت و احترام بی‌چون‌وچرای فرزندان تأکید می‌کنند. این والدین، کنترل‌های سخت‌گیرانه‌ی

برای فرزندان خود اعمال می‌کنند و نگرش آن‌ها این است که: هرچه من می‌گویم باید انجام بدهی و در غیر این صورت تحت فشار و تنبیه قرار می‌گیری. پدر و مادر مستبد، شخص پرتوقع و خودکامه‌ای است که تلاش می‌کند رفتارها و نگرش‌های فرزندش را مطابق یک دسته از معیارهای خشک شکل دهد و مهار و ارزیابی کند. این معیارها مطلق بوده و از طریق گفتگو و مشورت متعادل نمی‌شوند.

**هرچه من می‌گویم
باید انجام بدهی
و در غیر این
صورت تحت
فشار و تنبیه قرار
می‌گیری.**

آن‌ها کودک خود را مطیع، تسلیم و منفعل می‌خواهند و در مواقعی که رفتار و عملکرد کودک در تعارض با معیارهای تعیین‌شده قرار می‌گیرد از تنبیه و اعمال زور برای کنترل کودک استفاده می‌کنند. سبک والدین مستبد مملو از اجبار فیزیکی و خصومت کلامی است. اجبار فیزیکی به معنای به‌کارگیری فراوان تنبیه‌های خشن، همراه با کنترل‌گری زیاد و غیرقابل‌پذیرش برای فرزندان است. خصومت کلامی نیز با به‌کارگیری انتقادهای مخرب برای ایجاد نظم در فرزندان تعریف می‌شود.

• ویژگی والدین مستبد

- ۱- انتظارات و مطالبه‌های بسیار زیاد از فرزند خود دارد؛
- ۲- قوانین شدیداً سخت‌گیرانه‌ای برای کودک و نوجوان وضع می‌کنند و هیچ توضیحی در مورد آنان نمی‌دهند؛
- ۳- تمایل دارند که فرزندانشان دقیقاً مانند آنان عمل کنند؛
- ۴- تمام تصمیم‌ها را خوشان می‌گیرند و کودک و نوجوان را در این مهم شریک نمی‌سازند یا برای نظرشان احترام قائل نیستند؛
- ۵- از تحقیر فرزندان در حضور دیگران ابایی ندارند؛
- ۶- از تنبیه عاطفی و جسمی استفاده می‌کنند؛
- ۷- هیچ انعطافی در مورد امور از خود نشان نمی‌دهند و کوچک‌ترین مسامحه‌ای ابراز نمی‌کنند. به بیان دیگر همه چیز باید مطابق با فرمان آن‌ها باشد و غیر از آن قابل قبول نخواهد بود؛
- ۸- هیچ اشتباه عمدی یا غیرعمدی را از فرزندشان نمی‌پذیرند و در این مواقع کودک یا نوجوان را شرمسار می‌کنند؛
- ۹- کمترین حمایتگری را از فرزندان خود دارند و در مواقع حساس پشتیبان آنان نیستند و حتی ممکن است تهاجمی نیز رفتار کنند؛
- ۱۰- با فرزندشان همدلی نمی‌کنند و به او اعتماد ندارند؛
- ۱۱- دستاوردهای فرزندان خود را نادیده می‌گیرند و به تحسین آنان نمی‌پردازند؛



• ویژگی فرزندان والدین مستبد

همان‌طور که واضح است این نوع از فرزندپروری عواقب منفی برای فرزندان دارد و فضای خانه را برای کودک و نوجوان ناامن می‌سازد. کودکان و نوجوانانی که در محیط استبدادی رشد می‌کنند، ویژگی‌های زیر را از خود نشان می‌دهند:

- ۱- چون همواره مورد سرزنش، تحقیر و ... والدین بوده‌اند، اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس بسیار پایینی دارند؛
- ۲- ضعف مشهودی در مهارت‌های اجتماعی دارند؛
- ۳- تمام تصمیم‌ها را برای آنان والدینشان گرفته‌اند، خود در تصمیم‌گیری دچار مشکل هستند؛
- ۴- به دلیل آنکه همواره کارها را به روش والدین خود انجام داده‌اند، خلاقیتی در انجام امور یا حل مشکلات از آنان انتظار نمی‌رود؛
- ۵- در معرض فریادهای والدین بودن، این کودکان و نوجوانان را به انسان‌های همیشه نگران و مضطرب بدل می‌کند؛
- ۶- در اثر سرزنش‌های مکرر، ترس از شکست دارند و از این‌رو تمایلی به امتحان کردن موقعیت‌های جدید ندارند که مبادا شکست بخورند؛
- ۷- عمدتاً عملکرد تحصیلی این کودکان و نوجوانان خیلی مطلوب نیست؛
- ۸- دریافت تنبیه‌های عاطفی و جسمانی، خشم را در درون فرزندان درونی کرده و آنان را به افراد دارای مشکلات رفتاری و پرخاشگر تبدیل می‌سازد؛
- ۹- نسبت به همگان بدبین هستند؛
- ۱۰- همه‌چیز برای این کودکان صفر و یک است.
- ۱۱- به صورت کلی احتمال گرایش فرزندان والدین مستبد به رفتارهای ضداجتماعی بالا است.



■ سبک فرزندپروری بی تفاوت

این سبک فرزندپروری را متسامحانه یا طرد شده نیز می‌گویند. والدین بی تفاوت نه توقعی از فرزندان دارند و نه به نیازها و خواسته‌های آن‌ها توجه می‌کنند. والدین متسامح آزادی بی‌حدوحصر و بدون نظارت به فرزندان خود می‌دهند و هیچ‌گونه دخالتی در رفتارها و کارهای فرزندان ندارند. این والدین از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و فرزندان خود را به حال خود رها می‌سازند. آنان تعهدی نسبت به نقش پدر و مادری خود در مراقبت از فرزندان (جز فراهم آوردن

حداقل لباس و غذای لازم) احساس نمی‌کنند و دلبستگی عاطفی نسبت به فرزندان خود ندارند. بنابراین ویژگی شاخص این والدین، غفلت و بی‌توجهی است. اغلب این والدین، بالاترین اولویت را برای نیازها و علایق خود قائل هستند، نه برای فرزندانشان. آن‌ها فرزندان خود را حمایت نکرده و اغلب از اعمال و رفتار آنان آگاهی ندارند و از بیشتر نیازهایشان غافل‌اند. تفاوت والدین بی تفاوت با والدین سهل‌گیر این است که والدین سهل‌گیر، بیش از اندازه

والدین

متسامح آزادی

بی‌حدوحصر و

بدون نظارت به

فرزندان خود

می‌دهند.

به فرزندان خود محبت می‌کنند و منبع حمایت افراطی هستند، ولی والدین بی‌تفاوت نه به فرزندان خود محبت و نه به نیاز آن‌ها توجه می‌کنند و نه این‌که از آن‌ها انتظار رفتار بر اساس معیارها و قواعد دارند. این والدین معمولاً از فرزندان خود فاصله می‌گیرند. کودکان این والدین از نظر هیجانی کناره‌گیر و بیش‌ازاندازه نیازمند محبت هستند، آن‌ها نمی‌توانند روابط صمیمی و دلبستگی برقرار کنند و به دیگران هم توجهی نمی‌کنند و احتمال انجام رفتارهای پرخطر (مصرف مواد مخدر، پرخاشگری) در این کودکان بالا است.

• ویژگی والدین بی‌تفاوت

داشتن یک یا تعدادی از موارد زیر به این معنا نیست که شما، والد بی‌تفاوتی هستید؛ اما باید به‌عنوان یک هشدار به این موضوع نگاه کرده و برای بهبود سبک والدگری خود اقدام نمایید.

۱- والدین بی‌تفاوت گمان می‌کنند که وظیفه‌ی آنان صرفاً تأمین مایحتاج اولیه‌ی زندگی فرزندان (مانند غذا، پوشاک و ...) است و نیازی به برقراری ارتباط عاطفی با کودک و نوجوان خود ندارند؛

۲- آنان از هرگونه رویارویی که منجر به تبادل احساسات بین والد و فرزند شود، اجتناب می‌کنند؛

۳- وقت بسیار اندکی برای کودک خود می‌گذارند و بیشتر درگیر مسائل کاری و شخصی خود هستند؛

۴- والدین طردکننده، نظارتی بر آموشد فرزند خود ندارد؛

۵- از برنامه‌ها و کارهای فرزند خود بی‌اطلاع‌اند؛

۶- والدین این دسته، انتظار ویژه‌ای از فرزند خود ندارد و همین‌که آنان کاری با والد خود نداشته باشند، کافی است؛

۷- به فعالیت‌ها، دستاوردها و استعداد فرزندشان علاقه‌ای نشان می‌دهند؛

۸- نسبت به امور تحصیلی و مدرسه‌ی فرزندانشان بی‌توجه‌اند.

• ویژگی فرزندان والدین بی‌تفاوت

- ۱- عدم حمایت خانواده از این کودکان و نوجوانان، آنان را به اضطراب و استرس دچار خواهد کرد؛
- ۲- در ابراز احساسات خود مشکل دارند و عموماً گوشه‌گیر و منزوی هستند؛
- ۳- به دلیل وجود جو سرد در خانواده، از ایجاد ارتباط صمیمی با دیگران هراس دارند؛
- ۴- فقدان نظارت والدین، آنان را در معرض خطرات، بزهکاری و مصرف مواد قرار می‌دهد؛
- ۵- همواره احساس بی‌کفایتی و دوست داشته‌نشدن دارند؛
- ۶- از آنجاکه والدین هیچ دخالتی در مسیر سرنوشت او ندارند و به او توصیه‌ای برای آینده نمی‌کنند، احساس بی‌هدفی و سرگشتگی به‌صورت مداوم با آنان خواهد بود؛
- ۷- قوانینی در خانه برای آنان وضع نشده است؛ لذا آنان توانایی پیروی از قوانین اجتماعی را نیز ندارند.





□ سبک فرزندپروری مقتدرانه

بهترین شکل فرزندپروری همین است! والدین مقتدر ارتباط دوستانه‌ای با فرزندان خود دارند، در عین حال قوانین مشخصی برای آنان ترسیم می‌کنند و دلیل وضع این قوانین را برای کودک و نوجوان توضیح داده و آنان را نیز در این فرایند شریک می‌کنند. والدین در این دسته، دیدگاه کودک را می‌شناسند و برای تربیت فرزندانشان هم از قدرت و هم از منطق خود استفاده می‌کنند. پژوهش‌های قابل ملاحظه‌ای در فرزندپروری نشان داده‌اند که فرزندان این سیستم متعادل خانوادگی از نظر هیجانی سالم‌تر، شاداب‌تر و در زندگی و مدرسه موفق‌ترند. کودکان والدین دارای سبک مقتدرانه، رفتاری بانشاط‌تر و دوستانه از خود نشان می‌دهند. این کودکان اغلب متکی به خود و سرحال هستند، در برابر مشکلات موجود، تاب آور بوده و به دنبال پیشرفت هستند. البته این سبک والدگری نیز زمانی کارگشا خواهد بود که هم پدر و هم مادر، توأمان آن را اجرا کنند؛ وگرنه اتخاذ یک سبک تربیتی دیگر در کنار مقتدرانه توسط پدر یا مادر، افاقه نخواهد کرد.

در سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین نسبت به خواسته‌های فرزند خود پاسخگو هستند و در عین حال از کودکان خود نیز انتظاراتی دارند که کودک باید برآورده

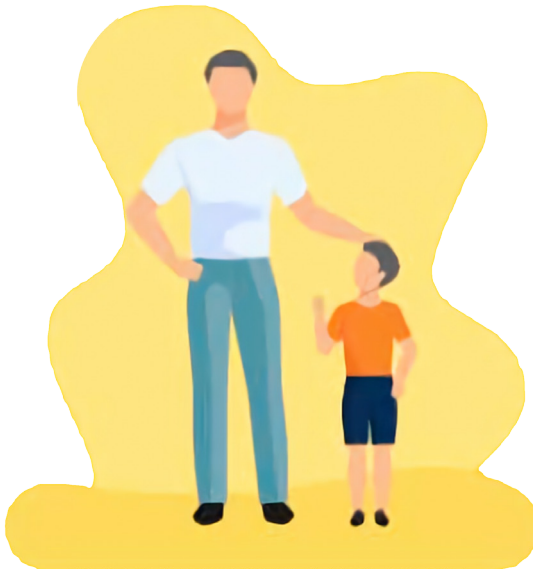
کند. این روش تربیتی شامل توضیح دلیل به درخواست فرزند، داشتن انتظارات مشخص از فرزند، ارتباطات متقابل و مداوم با فرزند، تعیین حدودمرز برای فرزند و پاسخ به نیازهای عاطفی فرزندان است. هدف این شیوه، تربیت فرزند مستقل و متکی به خود است. در این سبک فرزندپروری والدین بیشتر شبیه مربیانی هستند که فرزندان را تشویق به تصمیم‌گیری صحیح نموده و فارغ از نتیجه‌ی تصمیم‌گیری کودکان، مسئولیت آن را نیز به عهده بگیرند. این گروه از والدین به جای مجازات و تنبیه کودکان به آن‌ها نظم و انضباط می‌آموزند.

• ویژگی والدین مقتدر

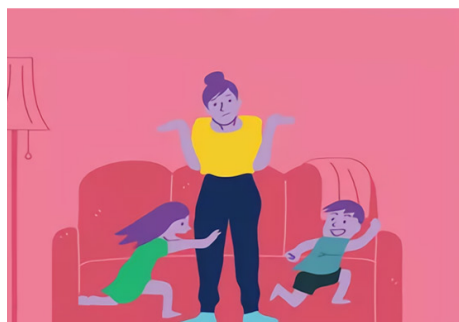
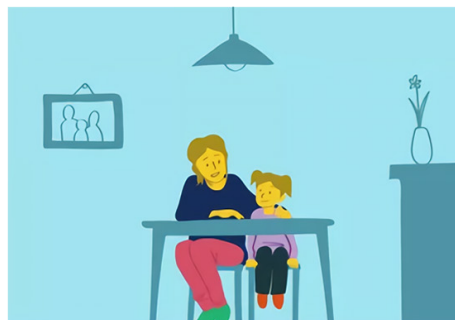
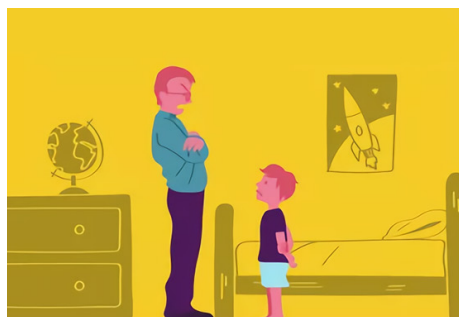
- ۱- اجازه و فرصت ابراز عقیده را به فرزندان خود می‌دهند؛
- ۲- کودک و نوجوان خود را به شرکت در امور تشویق می‌کنند؛
- ۳- محبت و صمیمیت را بین خود و فرزندشان حفظ می‌کنند؛
- ۴- به استقلال فرزند خود احترام گذاشته و در جهت رشد آن می‌کوشند؛
- ۵- انتظارات معقولی از فرزند خود دارند و بیشتر در مورد دلایل اهمیت هر انتظار با کودک و نوجوان صحبت می‌کنند؛
- ۶- محدودیت‌های منطقی و قابل‌پذیرشی برای کودک و نوجوان اعمال می‌کنند؛
- ۷- انعطاف‌پذیر هستند و در صورت بروز اشتباه از جانب فرزندان، در پی اصلاح آن برمی‌آیند؛
- ۸- مطالبه‌گر و هم‌زمان پاسخگو هستند؛ به این معنا که در صورت عدم رعایت قوانین و برآورده‌نشدن انتظارات، دلایل آن را از کودک خود جویا می‌شوند و در عین حال حمایتگرانه برای رسیدن فرزندشان به نقطه‌ی مطلوب کمک کرده و موانع را از سر راه او برمی‌دارند؛
- ۹- به دستاوردها و علائق فرزندانشان احترام گذاشته و آنان را تشویق می‌کنند؛
- ۱۰- در صورت انتقاد، سعی می‌کنند به تعریف از جنبه‌های مثبت فعالیت‌های کودکان نیز بپردازند؛
- ۱۱- به کودک و نوجوان در حد نیاز آزادی می‌دهند و کنترل و نظارت نیز می‌کنند.

• ویژگی فرزندان والدین مقتدر

- ۱- دارای اعتماد به نفس مطلوبی هستند؛
- ۲- مهارت‌های اجتماعی آنان بسیار رشد یافته و مترقی است؛
- ۳- توانایی به اندازه‌ای در مدیریت هیجانات و احساسات خود دارند؛
- ۴- نسبت به یادگیری‌های جدید و تجربیات تازه پذیرا هستند؛
- ۵- خلاقیت زیادی در حل مشکلات از خود نشان می‌دهند؛
- ۶- دارای قدرت همدلی و مهربانی بیشتری هستند؛
- ۷- در برابر فشار همسالان، ابراز وجود بیشتری دارند و کمتر به دام خطرات و آسیب‌های اجتماعی می‌افتند؛
- ۸- مسئولیت‌پذیری را یاد گرفته و می‌توانند بطور مستقل تصمیمات مربوط به خود را بگیرند. البته همواره در تصمیم‌گیری‌های خود با والدین خود مشورت می‌کنند؛
- ۹- به صورت کلی محترمانه‌تر با بزرگسالان و همسالان برخورد می‌کنند؛
- ۱۰- شرایط تحصیلی مطلوبی دارند و کمتر مشکلاتی را در مدرسه به وجود می‌آورند؛



به صورت خلاصه می‌توان گفت که والدین مستبد، کودکانی مطیع و فرمان‌بردار خواهند داشت؛ اما فرزندان آنان شاد نبوده و عزت‌نفس پایینی دارند و بنابراین در نمایش شایستگی‌های اجتماعی خود دچار مشکل هستند. والدین مقتدر از نعمت داشتن کودکان و نوجوانان بانشاط، توانمند و موفق برخوردارند. پدر و مادرهای سهل‌گیر فرزندان را تربیت می‌کنند که عملکرد تحصیلی ضعیفی دارند و قادر به تنظیم احساسات خود نیستند و در نهایت فرزندان والدین بی‌تفاوت، دارای اعتماد به نفس پایینی هستند و در بروز توانایی‌های خود چالش‌های جدی دارند.



◀ شیوه‌های فرزند پروری و وندالیسم

نهاد خانواده، مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده است و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن در بروز توسعه و تکوین شخصیت بزهکار و کج‌رو دخیل می‌باشد. عواملی که منجر به اغتشاش و شرایط ناهنجار در ساختار خانواده می‌گردد، به قرار زیرند:

۱- پدر وجود ندارد و تمام وظایف بر عهده‌ی مادر است.

۲- فسخ، جدایی، طلاق و ترک

۳- خانواده توخالی، خانواده‌ای که اعضای آن در کنار هم هستند اما رابطه و کنش متقابلی با یکدیگر ندارند و از حمایت احساسی یکدیگر محروم‌اند.

۴- عدم موفقیت در اجرای نقش‌های اساسی ناشی از نقص عضو یا بیماری که در این حالت علت اختلال در خانواده انواع بیماری‌ها می‌باشد.

مطالعات در تبیین مسئله‌ی وندالیسم به نقش اساسی و حیاتی خانواده در بروز یا عدم بروز این رفتار توجه کرده و هرگونه اختلال در کارکردهای خانواده را منجر به بروز رفتارهای وندالیستی در فرزندان می‌داند. سبک‌های فرزند پروری بر نحوه‌ی درک والدین توسط کودک و نوجوان تأثیر می‌گذارد و بنابراین نحوه‌ی واکنش نوجوان به اقتدار والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌طور که در بخش علل به وجود آمدن وندالیسم مطرح شد، خانواده‌ی نامناسب با سبک‌های فرزند پروری اشتباه وندالیسم را پرورش می‌دهد. نوجوانان با مادران خود بیش از دیگران اختلاف‌نظر را گزارش کرده‌اند؛ به ترتیب همسالان، خواهران و برادران، پدران و سایر بزرگسالان قرار دارند. تقریباً ۲۰٪ خانواده‌ها، والدین و نوجوانان به‌طور مکرر درگیر درگیری‌های طولانی‌مدت، شدید، ناسالم هستند. والدین خوب و خانواده‌های قوی از عوامل محافظت‌کننده در مورد رفتارهای بزهکارانه هستند.

سبک فرزند پروری اقتدارگرا بر کنترل کودک و تأثیرگذاری بر او برای پیروی از قوانین متمرکز است. تمرکز اصلی اطاعت و احترام به اقتدار است. قوانین روشن است و در مورد قوانین با کودک سهل‌گیری نمی‌کنند. در بعضی مواقع آن‌ها به نیازهای کودک پاسخ نمی‌دهند. نوعی سبک فرزند پروری متمرکز بر ایجاد زمینه‌ی ارتباطی برای کودک و والدین است که کودک بخشی از فرایند تصمیم‌گیری است و دیدگاه‌های وی شناخته می‌شود. این سبک فرزند پروری گرم و حمایت‌کننده است. سبک فرزند پروری سهل‌گیرانه کنترل کمی بر رفتار کودک دارد. والدین نسبت به سایر سبک‌های فرزند پروری پذیرش بیشتری دارند و به کودک اجازه می‌دهند آزادی بیشتری داشته باشد. انتظارات کمی وجود دارد، اما آن‌ها به شدت به نیازهای کودک متعهد هستند.



سبک فرزند پروری متسامحانه نظارت کافی را ارائه نمی‌دهد و از علایق کودک پشتیبانی نمی‌کند. به نظر می‌رسد این والدین بیشتر روی زندگی خودشان تمرکز دارند و می‌توانند از کودک جدا باشند. به نظر می‌رسد سبک والدین مقتدر باعث تربیت کودکانی می‌شود که کمتر تحت تأثیر فشار منفی همسالان قرار می‌گیرند. والدینی که بیشتر سهل‌گیری می‌کنند یا غافل هستند، کودکانی را تربیت می‌کنند که بیشتر تحت تأثیر همسالان منفی و بزهکار خود قرار دارند. سطوح پایین نظارت والدین، که غالباً با سبک فرزند پروری غفلت همراه است، با نرخ بالاتر رفتارهای بزهکارانه مرتبط است. در صورت عدم رعایت شیوه‌نامه‌ها، شیوه‌ی تربیتی استبدادی اغلب به‌عنوان محدودکننده و مجازات‌کننده نمایش داده می‌شود. کودک برای کنترل و به حداقل رساندن هرگونه ارتباط کلامی با محدودیت‌های قطعی و جدی روبرو می‌شود. اگر یک نوجوان از نظر اجتماعی ناتوان باشد، این رفتار با سبک استبدادی والدین در ارتباط است. نوجوانان بزرگ‌شده در خانه‌های مقتدر اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند، احساس مسئولیت بیشتری دارند و احتمال سوءمصرف مواد و رفتارهای بزهکارانه در آنان کمتر است. نوجوانان از خانواده‌های استبدادی از میزان اعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌یکسانی برخوردار نبودند، اما همچنین درگیر سوءمصرف مواد و رفتارهای بزهکارانه بودند. نوجوانان از خانواده‌های سهل‌گیر بیشتر درگیر سوءمصرف مواد و رفتارهای بزهکارانه هستند، اما میزان اعتمادبه‌نفس بالایی را گزارش می‌کنند. نوجوانان از خانواده‌های غافل به احتمال زیاد درگیر سوءمصرف مواد و رفتارهای بزهکارانه بودند و تعداد بیشتری از مشکلات روانی مانند افسردگی و اضطراب را گزارش می‌کردند.

به دلیل عدم نظارت به رفتار کودک، سبک‌های فرزند پروری سهل‌گیر و استبدادی ممکن است فرصت بیشتری را برای کودک برای رفتارهای بزهکارانه فراهم کند؛ این رفتار معمولاً یک بزهکاری آزمایشی است تا یک بزهکاری جدی و تکرارشونده. مادران ممکن است برای جبران خساراتی که کودک ممکن است در

مورد پدر، مادر، امور مالی و خانه وارد کند، سهلگیرتر باشند. مادران مجرد ممکن است پول توجیبی بیشتری بدهند و فعالیت‌ها و همسالان کودک را به دلیل احساس گناه در مورد طلاق کمتر کنترل کنند. این امر فرصت معاشرت با همسالان بزهکار و انجام رفتارهای بزهکارانه را افزایش می‌دهد. کودکان والدینی که سبک آن‌ها تنبیه‌کننده است (از ویژگی‌های شیوهی استبدادی والدین)، در مقیاس پرخاشگری نمره‌ی بالایی دارند. کودکانی که در خانواده‌های کمتر تنبیه‌کننده زندگی می‌کنند در مقیاس پرخاشگری نمره‌ی کمتری گرفتند.

این مطالعه به این نتیجه رسید که سبک‌های فرزند پروری که دارای تکنیک‌های تنبیهی هستند، بیشتر از والدینی که تصمیم به استفاده از اقدامات تنبیهی صرف‌نظر از جنسیت کودک یا سطح درآمد خانواده ندارند، باعث ایجاد پرخاشگری می‌شوند. باین‌حال، همچنین شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این کودکان در اثر عصیان، رفتارهای بزهکارانه‌ای انجام می‌دهند. وقتی کودک وارد بلوغ می‌شود و شروع به ایجاد تغییرات بیولوژیکی و شناختی می‌کند که اجتناب‌ناپذیر هستند، درک آن‌ها از والدین و اقتدارشان تغییر می‌کند. بسیاری از محققان مشکلاتی را که در روابط بین والدین و نوجوان ظاهر می‌شود، ثبت کرده‌اند. تعدادی از عوامل و تغییرات وجود دارد که می‌توانند در این درگیری نقش داشته باشند: تغییرات بیولوژیکی بلوغ، تغییرات شناختی، تغییرات اجتماعی، رشد خودمختاری و هویت و گروه‌های همسال، سطح پایین نظارت والدین، اغلب با بی‌توجهی والدین جداشده، با نرخ بالاتر رفتارهای بزهکارانه مرتبط بوده‌اند.





◀ ایجاد رابطه‌ی مثبت با کودک

رسانه‌ها و متخصصین حوزه‌ی تربیت همواره بر ایجاد رابطه‌ی مثبت با کودکان و نوجوانان تأکید دارند و هر کسی برداشت خود را از این رابطه‌ی مثبت دارد. به صورت کلی می‌توان رابطه‌ی مثبت را شرایطی در نظر گرفت که در آن تعاملات بین والدین و فرزندان به شرح زیر باشد:

الف) مراقبت‌کننده: یعنی کودک این اطمینان را کسب کنند که تحت هر شرایطی پناهگاهی به نام والدین برای او وجود دارد؛

ب) با کیفیت: یعنی والدین با مطالعه، آموزش و مشورت، وظایف والدگری خود را شناخته، ارتقاء داده و به بهترین شکل ممکن انجام دهند؛

ج) ایمن: به این معنا که امنیت جسمی و روانی کودک در این محیط تأمین شود و فرزند از تمامی خطرات مصون بماند. در چنین رابطه‌ای کودکان احساس پذیرش و دوست داشته شدن می‌کنند و والدین در این شرایط حرف فرزندشان را به خوبی می‌شنوند. برقراری این رابطه‌ی مثبت والد-فرزندی، مانند هر مفهوم دیگری دارای اصولی است. با رعایت این اصول، که در ادامه به تفصیل در مورد آن صحبت می‌کنیم؛ می‌توان امید داشت که یک ارتباط مثبت و سازنده‌ی دوطرفه ایجاد شود.

■ احترام

واژه‌ای که کم‌وبیش آن را می‌شنویم و استفاده نیز می‌کنیم. اما واقعیت این است که با اینکه انتظار احترام از جانب فرزندانمان در قبال والدینشان را داریم، ولی اغلب از مختصات یک رابطه‌ی محترمانه بی‌اطلاعیم.

برای وجود احترام متقابل لازم است که با احترام با فرزندان سخن بگویید. در واقع همان‌طور که می‌خواهید او با شما حرف بزند، به همان شکل با او صحبت کنید؛

هرگز کودک و نوجوانان را تحقیر و تمسخر نکنید. بجای آنکه سعی کنید فرزندان را متهم کنید، به‌صورت مشارکتی برای حل مشکل تلاش کنید؛

کودک و نوجوانان نیاز دارد حتی اگر کسی حرف او را باور ندارد، شما به‌عنوان پدر یا مادر و حامی همیشگی او، ابتدا صحبت‌هایش را بشنوید و هرگز زود او را قضاوت نکنید. با این کار ضمن اینکه راه برای حل مسئله باز می‌شود، این ایمان در قلب فرزندان جوانه می‌زند که پدر یا مادر مرا قبول دارند و حرف مرا در هر شرایطی می‌شنوند؛ هیچ کودک و نوجوانی وجود ندارد که بدون نقص باشد! همه‌ی کودکان بالأخره در مواقعی ممکن است رفتارهای اشتباهی از خود نشان دهند. بنابراین با قبول این واقعیت، پیوسته دنبال گوشزد کردن عیوب فرزندان به او نباشید.





■ اختصاص زمان

بخشی از روز خود را صرفاً به فرزندتان اختصاص دهید و هیچ کار دیگری نکنید. ممکن است زمان کوتاهی باشد ولی اثربخش خواهد بود. همین که کودک یا نوجوان متوجه شود که شما با وجود مشغله و کارهای زیاد وقتی از روز را به او اختصاص می‌دهید، اتفاق دلگرم‌کننده‌ای برای اوست. در این زمان، با فرزندتان صحبت یا بازی کنید، وضعیت کلی او را جویا شوید و یا در انجام تکالیف به او کمک کنید.

| اختصاص این زمان به فرزندتان به او این نوید را می‌دهد که پدر یا مادرش پیوسته در دسترس او است. حال اگر در این زمان کاری که برای هر دو طرف لذت‌بخش هست را انجام دهید، خیلی بهتر خواهد بود.

■ گوش‌دادن فعالانه

وقتی کودک یا نوجوان شما با شما حرف می‌زند، سعی کنید تمام توجه خود را معطوف به او کنید. نگاهتان را روی صورت او متوقف سازید و با چشم‌هایتان به او این اطمینان را بدهید که دارید به حرف‌هایش دقت می‌کنید.

با کلمات و عبارات تصدیقی مانند «خب، بعدش چی شد، چه جالب» او را به صحبت کردن، تشویق نمایید اما او را مجبور نکنید؛

احساسات او را درک کرده و در صورت امکان او را در بیان احساساتش کمک کنید. واژه‌های درست برای وصف حالاتش به او پیشنهاد دهید؛

اگر در گفتن حرفش مردّد بود، با جملاتی مانند «دلت می‌خواد با من حرف بزنی»، «به‌نظر کمی ناراحت می‌رسی، می‌خوای به من بگی؟ شاید بتونم حلش کنم» او را به صحبت در مورد احساساتش متمایل سازید.

▣ ابراز علاقه و دوست داشتن

برای تعدادی از والدین ابراز علاقه به کودکشان دشوار است و مگر در مواقع خاص این کار را انجام نمی‌دهند و این معذوریت در حضور دیگران تشدید می‌شود. ولی کودک شما به دوست داشته شدن از جانب شما و متذکر شدن آن نیاز دارد. همواره به فرزندتان بگویید که او را دوست دارید؛

دوست داشتن کودک یا نوجوان را به چیزی مشروط نکنید. نگوئید اگر فلان کار را انجام ندهی، دیگر دوست ندارم؛

وقتی اشتباهی از فرزند سر زد، رفتار اشتباه را مورد خطاب قرار دهید نه خودش را. مثلاً بگویید «داد زدن رفتار درستی نیست»؛ نه اینکه بگویید «بچه‌ی بدی هستی که داد زدی»؛

برخی کودکان یک ابراز محبت جسمانی را به شفاهی ترجیح می‌دهند. ببینید فرزند شما با کدام یک از روش‌های جسمانی ابراز علاقه (در آغوش کشیدن، نوازش یا بوسیدن) راحت‌تر است.



◀ افزایش رفتار مثبت در فرزندان

این تصور که کودک و نوجوان همواره باید رفتارهای درست و بزرگمنشانه نشان دهد، خیالی محال است و بپذیریم که فرزندان دچار اشتباه می‌شود و ما به‌عنوان والدینی حمایتگر، باید در آن شرایط نقش تربیتی خود را به بهترین شکل انجام دهیم. اما با این حال، روش‌هایی وجود دارد که می‌تواند فراوانی رفتارهای مثبت کودک را بیشتر کند:

| وقتی که فرزندان رفتار مطلوب یا عملی شایسته انجام دهد، به او افتخار کنید. این حس فخر و غرور به کودک و نوجوان منتقل می‌شود و او تلاش خواهد کرد برای اینکه مجدداً این حس خوب را به شما انتقال دهد، رفتار مناسبش را تکرار کند؛

| به‌صورت کلامی و غیرکلامی به او توجه مثبت نشان دهید. مثلاً به او بگویید که کار امروزش خیلی خوب بود یا «متشکرم که این کار رو به این خوبی انجام دادی». همچنین چشمک، نوازش، لبخند، بوسه و ... هم از روش‌های غیرکلامی توجه مثبت به فرزندان است.

| بابت انجام رفتارهای درست به او پاداش بدهید. پاداش می‌تواند مادی یا معنوی باشد.

| به تلاشی که فرزندان انجام داده است، توجه کنید. گاهی ممکن است تلاش، به نتیجه‌ی مطلوب نینجامد. در این مواقع پشتکاری که کودک یا نوجوان داشته است را موردتوجه قرار دهید و به او این اطمینان را بدهید در صورتی‌که تلاشش را ادامه دهد و سعی کند کار را بهتر انجام دهد، به نتیجه‌ی مطلوبش نیز خواهد رسید.

■ ملاحظاتی در خصوص تشویق رفتارهای مثبت

هر چند تشویق رفتارهای مثبت، بسیار مهم است؛ ولی باید در تشویق کودکان به موارد زیر نیز توجه داشت:

|- تشویق با رفتاری که کودک انجام داده، متناسب باشد. یعنی طوری نشود که برای انجام کاری ساده به او پاداش بزرگی بدهید و برای انجام امور مهم‌تر به یک تشویق کلامی بسنده کنید؛

|- مواظب باشید که افراط نکنید. اگر در این تشویق زیاده‌روی کنید، کودک گمان می‌کند که انجام کارهای درست باید حتماً در قبال پاداش باشد و به‌تدریج ممکن است وقتی تشویق نشود، فکر کند که کارش ارزش خاصی نداشته است؛

◀ بایدها و نبایدها در تعامل با فرزندان

والدین در جریان طبیعی رشد فرزند و با آزمایش کردن شیوه‌های مختلف تربیت، به روش منحصربه‌فرد خود برای تعامل با کودکشان دست می‌یابند. اما باید توجه داشت که گاه به دلیل عدم آموزش و گاه به دلیل شرایط دشواری که فرزند دارد، تربیت از چارچوب معقول و صحیح خود خارج شده و این انحراف به تدریج جای جریان اصلی و سازنده‌ی تربیت را خواهد گرفت. لذا لازم است در مسیر پرورش کودک و نوجوان قواعد کلی را مدنظر داشت:

■ توجه به رفتارهای مثبت

کودک و نوجوان نیاز به تحسین و تصدیق کارهای مثبت دارد. اگر دریافتید که فرزند شما با تلاش و شوق در پی انجام کاری رفته و حالا توانسته است به خوبی آن را انجام دهد، حتماً به او واکنش مثبت مطلوبی نشان دهید. نادیده گرفتن این رفتارها منجر به عدم تکرار کارهای مثبت خواهد شد و به ناچار فرزندان برای جلب توجه شما شروع به انجام رفتارهایی خواهد کرد که از طرق منفی توجه شما را جلب نماید.

■ محدودکردن پاسخ‌های منفی

اگر والدین رفتارهای کودکشان را با نکوهش، سرزنش و تندی پاسخ دهند، تنها دستاورد آنان بروز رفتارهای قهرآمیز و خشن و جدل بیشتر خواهد بود. لذا در استفاده از این پاسخ‌ها بسیار صرفه‌جو باشید.

■ کاستن امکان بروز رفتار منفی

کودکی را در نظر بگیرید که نقاشی زیبایی در دفترش کشیده است و آن را به شما نشان می‌دهد و شما با بی‌توجهی فقط نگاهی می‌اندازید و رد می‌شوید. دفعه‌ی بعد کودک همان تصاویر را روی دیوار خانه می‌کشد و شما این بار با تحکم و خشونت رفتار او را محکوم و شاید او را تنبیه نیز می‌کنید. شما در این اتفاق،

ناخواسته به رفتار منفی او (نقاشی کشیدن روی دیوار) بیشتر توجه کرده‌اید. حال خودتان قضاوت کنید که اگر فرزندتان مجدداً بخواهد توجه شما رو جلب نماید، کدام کار را تکرار خواهد کرد؟



■ دنبال مقصر نگشتن

هر موقع دنبال مقصر بگردیم، این باور به وجود می‌آید که کسی از روی عمد اشتباهی را مرتکب شده است. گاهی بروز یک رفتار نامطلوب، صرفاً یک اتفاق بوده است. در چنین مواقعی اگر مکرراً کودک را مقصر جلوه بدهیم، فقط داریم او را از حالت طبیعی خود خارج می‌کنیم و این پیام را به او می‌دهیم که حق هیچ اشتباهی ندارد. اما می‌دانیم فقط افرادی که هیچ کاری نمی‌کنند، مرتکب اشتباه نمی‌شوند؛ لذا اجازه بدهید کودک از اشتباهاتش درس بگیرد و شما هم در کنار او ضمن دادن مشورت‌های بهنگام، او را از شکست دوباره دور سازید.

■ اهمیت دادن به مشکلات فرزند

برخی از پدر و مادرها وقتی یک رفتار مشکل‌ساز از جانب فرزندشان را به‌صورت پیوسته می‌بینند، اهمال‌کاری کرده و می‌پندارند مشکل خودبه‌خود به وجود آمده و خودبه‌خود نیز از بین می‌رود. این قاعده، هرگز حتمی نیست. اگر بروز یک بدرفتاری مانند دعوا کردن‌های مداوم تکراری و طولانی شد، حتماً باید از کمک افراد متخصص در این زمینه استفاده کنیم. برخی از مشکلات اگر در همان مراحل اولیه‌ی ظهور بررسی و ریشه‌یابی نشوند، درمان آن‌ها بعداً نیازمند زمان و هزینه‌های بیشتری خواهد بود.

■ فراموش نکردن خود

برخی از والدین و به‌ویژه مادران، تمام وقت و زندگی خود را وقف فرزندشان می‌کنند. این والدین باید بدانند که این کار علی‌رغم اینکه ناشی از محبت و علاقه‌ی فراوان آنان به فرزندشان است، منتهی در بلندمدت باعث خواهد شد که نیازهای خودشان را فراموش کنند. این عدم برآورده شدن نیازهای والدین به‌مرور تبدیل به یک مشکل جدی می‌شود که حتی ممکن است رابطه‌ی والد و فرزند را نیز تحت تأثیر قرار دهد. پس لازم است در کنار فرزند، به خود و همسران نیز به‌صورت منصفانه توجه کنید.





◀ اصول دستوردادن به فرزندان

لازم است آگاه باشیم که چون قرار است به کودک دستوری بدهیم، به این معنا نیست که باید این اتفاق با چاشنی تندی و عصبانیت همراه باشد تا به نتیجه برسد. بلکه با قاطعیت توأم با صمیمیت این دستور بهتر و مؤثرتر منتقل شده و به احتمال بسیار بالا فرزندان هم با حس بهتری آن را انجام خواهد داد.

وقتی می‌خواهید به کودک یا نوجوان دستور دهید، نزدیک او باشید؛ مستقیم به او نگاه کنید و سعی کنید که نگاهتان را در یک سطح قرار داده و او را به اسم صدا بزنید؛ روشن و واضح دستور بدهید. مثلاً نگویید «مراقب باش» بلکه با اشاره به جزئیات به او بگویید «در هنگام پایین رفتن از پله‌ها مراقب باش زمین نخوری». یا بجای «مرتب کن» از «اسباب‌بازی‌ها رو بذار تو کمد و بالش رو از کف زمین بردار» استفاده کنید؛

وقتی به فرزندان دستوری می‌دهید، در واقع مسئولیتی به او سپرده‌اید. بار این مسئولیت بر دوش هر دوی شما است. لذا بر انجام دستوری که داده‌اید، نظارت کنید. این کار باعث می‌شود کودک شما نسبت به انجام درست کار تلاش کند و شما نیز در مواقع ضروری به کمک او می‌روید و او را تنها نمی‌گذارید؛

به زمان لازم برای اجرای دستوری که داده‌اید، توجه کنید. در واقع به کودک فرصت دهید تا کاری را که به او محول شده است، انجام دهد و بی‌وقفه دستور ندهید؛

دستورات را با افعال مثبت ارائه دهید. مثلاً «تکلیف ریاضیت رو قبل از تماشای تلویزیون انجام بده» به جای جمله‌ی «انقد پای تلویزیون نشین». در واقع به او بگویید که او چه کاری انجام دهد؛ نه اینکه چه کاری انجام ندهد؛

در دام توضیح دادن بدیهیات و قوانین تعریف‌شده گرفتار نشوید. گاهی کودک و نوجوان برای فرار از انجام کاری، دائم از شما سؤال می‌کند که چرا آن کار را انجام دهم؟ که چه بشود؟ کی این را گفته است؟ عمده‌ی این سؤال‌ها لازم به پاسخ دادن نیستند؛

با دادن دستورات غیرضروری فرزندان را از انجام دستورات خسته نکنید. برخی از اعمال نیاز به تذکر شما ندارد و در اولین فرصت کودک یا نوجوان آن کار را انجام می‌دهد. با گوشزد کردن این امور به او، او را خسته نکنید؛

اگر دستوری دادید و کودک و نوجوان آن را انجام نداد، ابتدا بعد از ۲۰ ثانیه دوباره آن را با خونسردی تکرار کنید. اگر همچنان از انجام آن سر باز زد، پیامد منفی که قبلاً به او هشدار داده بودید را عملی کنید. مثلاً تلویزیون را خاموش کنید و در انجام این تنبیه کاملاً ثابت‌قدم باشید و تا زمان انجام نشدن دستور، تنبیه‌تان را ادامه دهید. البته اگر کودک از شما خواهش کرد که کمی به او فرصت دهید تا فعالیت موردعلاقه‌اش تمام شود و سپس دستور شما را انجام می‌دهد، در این مواقع انعطاف به خرج دهید؛

کودک و نوجوان نسبت به قوانینی که ناگهانی مقرر می‌شوند حتماً جبهه می‌گیرند. بهتر است اگر در حال وضع قوانین برای خانه یا برای تعاملات بین‌خانوادگی هستیم، فرزندان را نیز در این پروسه درگیر کنیم. بدون شک آن‌ها قوانین که خودشان در تصویبشان نقش داشته‌اند را بهتر اجرا خواهند کرد؛

به او حق انتخاب بدهید. مثلاً او را مختار کنید که بین انجام یک کار و دریافت پاداش و یا تنبیه و محدودیت ناشی از عدم انجام آن یکی را انتخاب کند.

**دستوری که به درستی
انجام شده است را
بلافاصله تشویق کنید و
نگذارید که زحمت کودک
نادیده گرفته شود.**

◀ فعالیت‌های آموزشی و پرورش مهارت‌ها

در بحبوحه‌ی سلطه‌ی شبکه‌های اجتماعی بر تمامی جوانب حیات آدمی، مسیر آموزش مهارت‌های لازم برای زندگی، پیچیده‌تر از گذشته شده است. عواملی که در زمان‌های گذشته کودک و نوجوان را برای نیل به زندگی بهتر یاری می‌داد، امروزه نهان‌تر از همیشه هستند و برعکس مواردی که باعث شود که ما و فرزندانمان مسیر را گم کنیم، فراوانند.

در این شرایط که انواع سرگرمی‌های مخرب در حال رشدند و هر روز پرده‌ای جدید از آن نمایان می‌شود، هنوز برخی از فعالیت‌های آموزشی وجود دارند که می‌توانند فرزندان را در کنار والدین نگاه دارند. فعالیت‌هایی مانند بازی، قصه و نقاشی که هم سرگرم‌کننده‌اند و هم بسیار جذاب. درست است که امروزه محصولات رسانه‌ای مانند پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و اندرویدی و ... مجال خودنمایی به فعالیت‌های آموزشی کلاسیک نمی‌دهند؛ اما می‌توان با برنامه‌ریزی درست و ایجاد یک رژیم رسانه‌ای صحیح از گزند رسانه در امان ماند و همزمان فعالیت‌های مرسوم آموزشی را نیز با کودک کار کرد و اثرات آن را دید. از هر کدام از فعالیت‌های آموزشی مذکور، چندین نمونه در کتاب کار (فرزندپروری) ارائه شده است تا شما به آسانی بتوانید مهارت‌های ضروری را به کودک خود آموزش دهید.

در ادامه به بررسی اثربخشی این فعالیت‌ها بر ارتقای مهارت‌های زندگی و کاهش آسیب‌های اجتماعی و آموزش بکارگیری آن‌ها می‌پردازیم:

■ بازی

امروزه که پدر و مادر در تلاش برای برقراری تعادل بین برنامه‌های کاری و خانگی هستند، والدین به‌سختی می‌توانند زمان قابل‌قبولی را با فرزندان خود بگذرانند. این که بهترین استفاده را از زمانی که در کنار فرزندان خود هستید، داشته باشید،

امری ضروری است. فرزند شما نیاز دارد که والدین زمانی به آن‌ها اختصاص داده و بتوانند با آنان به بازی پرداخته و آرامش کسب نمایند. بسیاری از فعالیت‌هایی که حول محور بازی با کودکان است، سبب ساختن پیوندهای محکم بین فرزند و والدین می‌شود. بازی با کودکان باعث کاهش استرس والدین می‌گردد و به آنان اجازه می‌دهد تا از منحصربه‌فرد بودن هر کودک آگاه شوند. بازی کردن با فرزندان، نشاط را در هر دوی شما افزایش خواهد داد. می‌دانید که خندیدن و آرامش برای سلامتی شما و فرزندان‌تان تا چه اندازه‌ای مهم است.



به خاطر داشته باشید که والدین اولین و محبوب‌ترین همبازی کودکان هستند و کودک هنگام بازی با والدین با الگوبرداری از رفتارهای آن‌ها، مهارت‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند. پس بازی به کودکان اجازه می‌دهد تا مهارت‌های اجتماعی بیاموزند، توانایی خود را در زمینه‌ی جسمانی افزایش دهند و کارها را به روش خودشان پیش ببرند. بازی به دلایلی که در ادامه اشاره می‌شوند، بسیار مهم است.

• بازی؛ یک فعالیت کاملاً تخصصی

برای کودک و نوجوان یک بازی همراه با گروهی از افراد می‌تواند کاملاً لذت‌بخش، انرژی‌زا و آموزنده باشد و همان بازی با گروهی دیگر از افراد می‌تواند خسته‌کننده و عذاب‌آور شود! این تفاوت نشان می‌دهد که بازی باید توسط فردی که تخصص لازم را دارد، رهبری شود و هر کسی بدون اطلاعات قبلی نمی‌تواند بازی را مفرح و غنی کند. ممکن است در صورتی که این موارد رعایت نشود، یک بازی ساده بتواند کودک گرفتار اضطراب را مضطرب‌تر و کودک خشن را خشمگین‌تر سازد.

• آزمایشگاه ایمن رفتارهای آینده

همه‌ی متخصصان حوزه‌ی تربیت اذعان دارند که بازی یک راه بسیار مطلوب برای یاد دادن زندگی اجتماعی به کودکان است. فرزندان ما با بازی کردن، توانایی‌های خود را در تمامی جنبه‌ها افزایش می‌دهند و همکاری و تعامل با دیگران را می‌آموزند. تجربه‌ی نقش‌ها و موقعیت‌های مختلف در بازی، کودک و نوجوان را پخته‌تر می‌سازد و این فرصت را به او می‌دهد تا با حضور در جایگاه و شخصیت‌های متفاوت، خود را برای زندگی واقعی آماده کند؛ زندگی واقعی که می‌تواند سرشار از محرک‌های ناخوشایند و موقعیت‌های نامطلوب باشد.

بازی‌ها، دارای شروع و پایان مشخصی‌اند، قواعد تعریف‌شده‌ای دارند و دنباله‌ی آنان نیز معلوم می‌باشد و می‌توانند در موقعیت و زمان‌های مختلف تکرار شوند. لذا با این تفاسیر حتی اگر بازی ترسناک نیز باشد، قابل پیش‌بینی است و چیزی که قابل پیش‌بینی باشد، امنیت به بازیکن می‌دهد و افراد را نگران نمی‌کند. از این مسیر است که فرزندان ما مسائلی دلهره‌آور، حساس و تعیین‌کننده را قبل از اینکه در دنیای واقعی روی بدهند، بازی می‌کنند و راهکار عبور از آن را به‌صورت عملی می‌آموزند.

• بازی به مثابه‌ی آموزش

در بازی رقابت‌جویی و منفعت‌طلبی کمتری وجود دارد. لذا تجربه‌های مشابه زندگی واقعی و تنش‌های روزمره در حالت بازی می‌تواند به دور از رقابت، مباحث مهمی چون آداب معاشرت اجتماعی و شناختی را به کودک و نوجوان بیاموزد.

جمع‌بندی مباحث مذکور به این نتیجه می‌رسد که بازی مانند آموزشگاهی شاد، خوشایند و دلپذیر برای کودک و نوجوان است. در اغلب مواقع پیشنهاد بازی کردن با فرزندانمان از طرف او بی‌جواب نخواهد ماند. در بطن بازی، او ضمن گذران وقت، می‌آموزد و این آموزش عمدتاً بسیار ماندگار خواهد بود. بی‌جهت نیست که بیشتر روش‌های آموزشی در این سنین مبتنی بر بازی طراحی شده‌اند.



در تعاریف رایج، قصه‌گویی یک فعالیت یا فرایند دوطرفه است که در آن قصه‌گو در تعامل مستقیم با شنونده است. قصه‌گویی مثل اخبارگویی نیست که در آن گوینده مستقیم دوربین را نگاه کند و مخاطب صرفاً از محتوای خبر مطلع شود. قصه پل ارتباط بین دو نفر است. یکی از محدود فعالیت‌های انسانی که در حین انجام آن، ارتباط چشمی، کلامی و احساسی به صورت کامل صورت می‌گیرد. قصه‌گویی و داستان‌سرایی نیز بنا به دلایل زیر یک فعالیت پرترفدار، جذاب و اثربخش برای والدین و فرزندان است:

۱- قصه‌گویی هنوز هم کودکان و نوجوانان را جذب می‌کند. اولین و عمده‌ترین علت آن، ارتباط مستقیم پدر و مادر در نقش قصه‌گو با کودک در نقش شنونده است. این ارتباط که ارتباط چشمی و چهره به چهره است، در طول داستان به یک ارتباط احساسی مشترک تبدیل می‌شود. کودک با لحن شما شاد یا متأثر می‌شود. با شخصیت قصه به واسطه‌ی شما هم‌ذات‌پنداری می‌کند و با احساس نهفته در پس کلمات شما همراه می‌شود. قدم‌به‌قدم با شما و قصه‌تان پیش می‌رود تا به آخر قصه برسد. این همراهی در کمتر فعالیت مشترکی در بین والدین و کودک اتفاق می‌افتد.

باید توجه داشت وقتی کودک، احساسات مختلف را در طی یک داستان درک می‌کند، به دلیل حضور و حمایت والدین، تجربه‌ی خوبی برای مدیریت عواطف خود کسب کرده و در صورت نیاز، والدین به او کمک می‌کنند تا نحوه‌ی صحیح کنار آمدن با عواطف دشوار را به‌درستی بیاموزد.

۲- دلیل دیگری که قصه‌گویی را برای کودک و نوجوان جذاب می‌کند، اختصاص زمانی ویژه و خاص به آن‌هاست. در زمان قصه‌گویی، شما نه می‌توانید اخبار

بینید، نه با دوستان صحبت کنید، نه موبایلتان را چک کنید و نه حتی رویتان را از کودک برگردانید. زمان قصه‌گویی، زمان اختصاصی برای شما و کودکتان است. این اختصاص دادن ۱۰۰ درصدی زمان مشخصی به کودک، هم برای او و هم قطعاً برای شما بسیار ارزشمند و موثر خواهد بود، و باعث نزدیکی افکار و عقاید و در نهایت کاهش مشکلات کودک و نوجوان و بهبود ارتباط دوطرفه می‌شود.

۳- دیگر دلیل جذابیت قصه‌گویی، محتوای قصه است. پدران و مادرانی که آگاهانه کتاب‌ها یا منابع گوناگون و متعدد شفاهی را برای یافتن بهترین و مناسب‌ترین قصه‌ها جستجو می‌کنند، می‌دانند که علاوه بر جذابیت محتوای قصه، در حال کاشتن بذره‌ای اندیشه‌ای هستند که در شکل‌گیری شخصیت و موفقیت آینده‌ی کودکان تأثیرگذار است. شوربخانه اغلب والدین، تربیت کودک خود را تنها به دست رسانه‌های اجتماعی و سیستم آموزشی می‌سپارند که مشخصاً عملکردشان، می‌تواند با سؤال‌هایی مواجه باشد.

۴- در کنار خود گرفتن کودک یا دور هم جمع کردن کودکان هم سن فامیل در مهمانی‌ها و سرگرم کردن آن‌ها با قصه‌ای شیرین، فضایی دل‌چسب و به‌یادماندنی برای آن‌ها خواهد ساخت که در آینده می‌تواند یادآور خاطرات خوبی باشد.

۵- اما مهم‌ترین کارکرد قصه برای کودکان این است که او را کم‌کم با جهان پیرامون و تجارب مختلف آشنا می‌کند. هر چه باشد، مهم‌ترین ویژگی انسان، توانایی تکلم او است که به او امکان می‌دهد از طریق قصه‌های شفاهی و کتبی، دانش و تجربه‌ی موجود در ادبیات را بدون آن‌که شخصاً در زندگی خود باز تجربه کرده و احیاناً دچار آسیب شود، بیاموزد و رشد ذهنی کافی داشته باشد. والدین می‌توانند از این ابزار فوق‌العاده برای جهت‌دهی افکار کودک به سمتی که فکر می‌کنند صحیح است، استفاده کنند؛ همچنین با اجتناب از مستقیم‌گویی و در طی داستان‌های متفاوت، دیدگاه‌های درستی را وارد ذهن فرزندشان کنند.



شنیدن قصه و داستان یکی از روش‌های مناسب برای آموزش مهارت‌های ضروری زندگی به کودکان است؛ چرا که کودک خودش و مسائل زندگی‌اش را در روایت دیگران مشاهده کرده و درک بهتری از خود، مشکلاتش و راه‌حل‌های آن پیدا می‌کند. از سویی قصه، موجب تبادل تجربه و تعامل اجتماعی می‌شود، از این رو می‌تواند راهی برای مقابله با عوامل تهدیدکننده‌ی پیرامون کودکان و نوجوانان باشد.

• اهمیت و روش انتخاب قصه برای گروه‌های سنی مختلف

انتخاب قصه، درست به‌اندازه‌ی انتخاب محتوای وعده‌های غذایی فرزندتان اهمیت دارد. چراکه شما می‌خواهید از محتوای قصه به نفع هدایت و تربیت کودک بهره ببرید. یکی از مهم‌ترین نکات در انتخاب قصه، توجه به گروه سنی فرزندتان است.



□ قصه‌گویی برای گروه سنی ۲ تا ۳ سال

با توجه به اینکه دایره‌ی لغات کودک در ۲ تا ۳ سالگی در حدود ۹۰۰ کلمه است، توجه به این نکته که کلمات قصه برای کودک قابل‌درک باشد، بسیار مهم است. قصه‌هایی که برای کودکان زیر ۲ سال گفته می‌شود می‌تواند در حد ۳ الی ۴ جمله باشد. قصه‌های کوتاهی که به یک رویداد اشاره می‌کنند، توان تمرکز و

درک را در این سن در کودک بالابرده و توجه او را به شنیدن و درک کردن بیشتر می‌کنند. توجه به محتوای قصه برای کودکان در این سن بسیار مهم است. با بالاتر رفتن سن کودک نیز باید توجه داشت که مفاهیم باید برای کودک ملموس و قابل درک باشد.

با توجه به این که ذهن کودکان در این سن غیرانتزاعی است، قصه‌هایی که به مفاهیم غیرعینی مثل بخشندگی و فداکاری و... اشاره دارد، برای این گروه سنی قابل درک نیست.

■ قصه‌گویی برای گروه سنی ۳ تا ۴ سال

در کودکان ۳ تا ۴ سال قصه‌هایی که تکرار دارند، جذاب‌تر هستند. این تکرار در چند بخش می‌تواند اتفاق بیفتد:

| - یک عبارت در قصه تکرار شود. مثلاً در قصه موش دم‌بریده، عبارت: عمو پینه‌دوز! دم‌بمو بدوز!

| - یک ماجرا در قصه تکرار شود.

| - تکرار یک اتفاق که شبیه ضرب‌المثل شود. مثل: یک‌بار جستی ملخک، دو بار جستی ملخک، آخر به دستی ملخک!

علاوه بر این کودکان از بارها و بارها شنیدن یک قصه‌ی آشنا لذت می‌برند و از آن سیر نمی‌شوند. اینکه ماجرای قصه را می‌دانند، نه تنها آن‌ها را از شنیدن قصه دل‌زده نمی‌کند، بلکه به خاطر این آشنایی ذهنی برای شنیدن مشتاق‌تر هستند.

■ قصه‌گویی برای گروه سنی ۴ تا ۵ سال

تا ۵ سالگی بچه‌ها هنوز هم مشتاق قصه‌های تکراری هستند، با این تغییر که ریتم هم می‌تواند به قصه اضافه شود. حوادث این قصه‌ها باید برای کودکان در این سن ملموس بوده و شخصیت‌ها و اسم‌ها آشنا باشند.

قهرمان قصه‌ها در این سن به‌غیراز افرادی همچون اعضای خانواده و پدربزرگ و مادربزرگ، می‌توانند از کودکان هم سن او و یا حیوانات سخن‌گو باشد. کودک در این سن جاندارپنداری را دوست دارد و از حرف زدن اشیا و اسباب‌بازی‌هایش در قصه لذت می‌برد.

□ قصه‌گویی برای گروه سنی ۶ تا ۸ سال

۶ تا ۸ سالگی سن فانتزی بچه‌هاست. در این سن بچه‌ها به تخیل روی می‌آورند و درعین‌حال که می‌دانند افکارشان خیال‌پردازی است و تفاوت آن را با واقعیت درک می‌کنند، از آن لذت می‌برند. این سن، دوره‌ی طلایی افسانه‌گویی برای کودک است. افسانه‌هایی لطیف و بدون خشونت.

□ قصه‌گویی برای گروه سنی ۹ تا ۱۰ سال

۹ تا ۱۰ سالگی سنی است که کودک برای اولین بار بصورت رسمی پا از خانه فراتر گذاشته و برای کسب تجربه‌های جدید می‌تواند وارد اجتماع شود. برای ورود به اجتماع زیرکی و هوشمندی لازم دارد. برای همین به قصه‌هایی که در آن شخصیت‌های زبل و حتی حیل‌گر دارند، علاقه‌مند می‌شود. همچنین چون کم‌کم طنزهای کلامی و حرکتی را درک می‌کنند، به قصه‌های طنز هم گرایش دارند. در این سن نیز قصه‌ها باید پایان خوب داشته باشند و در آخر، همه‌چیز به‌خوبی و خوشی پایان گیرد. اگر نه خودشان در ذهنشان پایان‌بندی داستان را تغییر می‌دهند!

□ قصه‌گویی برای گروه سنی بالای ۱۰ سال

تا ۱۱ سالگی کودک به رقابت علاقه‌مند می‌شود. به همین دلیل از قصه‌های هیجان‌انگیزی که اکشن و یا به‌اصطلاح عامیانه «بزن بزن» باشد، لذت می‌برد. همچنین داستان‌های افسانه‌ای که در آن ضعف شخصیت‌های داستان با نیروهای مافوق‌طبیعه برطرف می‌شود، برای او جذاب هستند.

■ اصول قصه‌گویی برای کودکان

فارغ از روش‌های متنوع و مختلف قصه‌گویی که هرکدام دیدگاه‌های مختص خود را دارند، بصورت کلی چند اصل عمومی و مهم را باید در قصه‌گویی برای فرزندان در نظر داشت:

• زبان قصه‌گویی

قصه می‌تواند به زبان مادری و یا زبان معیار برای کودک تعریف شود. در سنین پایین‌تر، قصه‌گویی به زبان مادری به کودک کمک می‌کند تا علاوه بر یادگیری صحیح معنی کلمات، احساسات و عواطف را نیز به درستی فراگیرد. در قصه‌گویی، خصوصاً برای سنین پایین، استفاده از زبان کتابی و رسمی توصیه نمی‌شود. در سنین بالاتر اگر قصد دارید قصه‌های تاریخی بگویید، استفاده از زبان کتابی بلامانع است. فقط باید در نظر داشت که قصه‌گویی به حالتی تصنعی و ساختگی تبدیل نشود.

• ارتباط موثر با کودک

در تعریفی از قصه‌گویی آمده، قصه‌گو و شنونده با هم دست به خلق جهانی می‌زنند که بر اساس کلمه‌ها و تخیل بنا شده است. بنابراین داشتن ارتباط چشمی با کودک به‌عنوان اولین الزام برای قصه‌گویی و استفاده از لغات و تعبیراتی که برای کودک قابل فهم باشد، در قدم بعدی مطرح است. در عین حال متوجه این نکته باشیم که قصه‌گویی می‌تواند راهی برای افزایش دامنه‌ی لغات کودک باشد. به همین منظور استفاده از یک یا دو کلمه‌ی ناآشنا در هر قصه به همراه توضیح معنی و کاربرد آن می‌تواند کودک را با لغات جدید آشنا کند.

• تسلط بر قصه

برای اینکه بهترین نتیجه را از قصه‌گویی بگیرید، باید بر قصه کاملاً مسلط باشید. برای این کار قصه را قبل از گفتن، بارها بخوانید و با خود مرور کنید. به این کار «درونی کردن قصه» می‌گویند. دقت داشته باشید قصه‌گویی با کتاب‌خوانی کاملاً

متفاوت است. بنابراین اگر بخواهید کلمه به کلمه داستان را از کتاب حفظ کنید و برای کودک بازگو کنید، به نتیجه‌ی مطلوب نخواهید رسید. هرچند کتاب‌خوانی نیز ارزش‌های خود را دارد و نمی‌توان از محاسن آن چشم‌پوشی کرد.

• به‌کارگیری کلمات اختصاصی کودک

قصه را با کلمات خودتان خوشمزه‌تر کنید. با شناختی که از کودکان دارید، قصه را تعریف کنید. با اضافه کردن توضیح و تشبیه به کودک کمک کنید تا بتواند در فضای قصه قرار بگیرد و به‌خوبی آن را در ذهنش تصویرسازی کند. از عبارات خارج از عرف یا کلمات رکیک به‌هیچ‌وجه (حتی از زبان شخصیت منفی قصه) استفاده نکنید. از کلمات کلیدی در قصه استفاده کنید. کلمات کلیدی کلماتی هستند که صدای قصه‌گو و وزن جمله‌ی بعدی با آن تغییر می‌کند. اگر صدای ما بالا بود، پس از کلماتی مانند «ناگهان، یکهو، یک‌مرتبه» آن را پایین آوریم و برعکس. این کلمات کمک می‌کنند که لحن قصه‌گویی از یکنواختی بیرون بیاید.



• اجتناب از نتیجه‌گرایی و مستقیم‌گویی


اشاره‌ی مستقیم به نتیجه یا پیام قصه، مطلقاً اشتباه است. قصه‌گویی یک روش آموزش غیرمستقیم است. بنابراین هرگز در پایان قصه از جملاتی همچون «پس نتیجه می‌گیریم که ...» یا «پیام قصه این است که ...» و عبارات مشابه استفاده نکنید. برای اینکه بدانید آیا قصه تأثیر لازم را بر کودک گذاشته یا نه می‌توانید با سؤالاتی قصه را مرور کنید.

• توجه به احساسات کودک

در پایان هر قصه چند دقیقه با کودک‌تان بمانید. اگر سؤالی دارد به آن پاسخ دهید. اگر دوست دارد درباره‌ی قصه با شما صحبت کند، حرف‌هایش را خوب بشنوید و پاسخ دهید. حتی اگر حرفی خارج از موضوع قصه دارد با او همراهی کنید. او پس از قصه در بهترین شرایط پذیرش و گفت‌وگوست. این کار به تقویت کیفیت رابطه‌ی شما با کودک‌تان کمک می‌کند.

■ نقاشی

نقاشی کردن، مجرای است برای دیدن درون فرزندتان و برای برملاشدن آنچه شما از آن کمتر باخبر هستید. کودک و نوجوان با استفاده از نقاشی و رنگ‌آمیزی می‌تواند احساسات خود را برون‌فکنی کند. برای اینکه نقاشی کردن بتواند اثر آموزشی مطلوب مدنظر شما را داشته باشد، کودک را در ترسیم کردن تصویری که در نظر دارد، آزاد بگذارید. نقاشی راهی است برای به تصویر کشیدن احساسات. اجازه دهید کودک هر آنچه در ذهن و وجود خود دارد که منجر به احساسات متفاوت او می‌شود، در قالب یک تصویر نقاشی کند. همچنین تمامی وسایلی که برای انواع نقاشی موردنیاز است را در اختیار کودک خود قرار دهید. توجه داشته باشید در حین نقاشی فرزندتان را آزاد بگذارید و به‌هیچ‌عنوان به خاطر کثیف شدن احتمالی اتاقش با او برخورد تند نداشته باشید.



هنر یک ابزار عالی برای برقراری ارتباط است. تقسیم ایده‌ها، تصاویر و احساسات در حین انجام کار به رشد مهارت‌های اجتماعی کمک می‌کند. نقاشی به دلیل کم‌هزینه و در دسترس بودن، جذابیت فراوانی برای کودکان و نوجوانان دارد. کودک با نقاشی کردن سعی می‌کند به صورت بصری با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند. او تجربه‌های واقعی زندگی مانند لذت بازی در پارک یا دوست پیدا کردن را از طریق نقاشی به نمایش می‌گذارد. نقاشی این جسارت را به کودک می‌دهد تا برای ابزار احساساتش پا را فراتر از مرز کلام بگذارد.

◀ ملاحظات معنوی

مطابق با بافت فرهنگی و مذهبی ایرانیان، یکی از مواردی که همواره در ارتقای مهارت‌های شناختی، اجتماعی و ... و پیشگیری از ابتلاء به آسیب‌های اجتماعی موردنظر است، بحث معنویت می‌باشد. معنویت با نگاه به رشد و بررسی تجارب معنوی خاص مانند احساس ارتباط گرفتن با خدا، بررسی تجارب عرفانی، پرداختن به بحران‌های روحانی و معنوی و ... می‌تواند مسیری تازه و جذاب برای پرورش فرزندی سالم و بهنجار باشد. این باورها از طریق تولید معنا و ایجاد نظام کنترل درونی در افراد به کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کنند. به زبان ساده‌تر، باورهای دینی بدون اجبارهای قانونی و با معنابخشی خاص به زندگی، فرایند جامعه‌پذیری افراد را تسهیل می‌بخشد و از این طریق به کاهش آسیب‌های اجتماعی بدون هیچ‌گونه پیامد آسیب‌زا کمک می‌کند. لذا در ادامه سعی می‌شود با پرداختن خلاصه و ساده، ابزارهای معنوی در دسترس که شما را در این حوزه یاری می‌دهد، معرفی نماییم. در نگارش این مطالب از محتوای ارتقای پژوهی نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان (نماد) استفاده شده است.



صبر، مدیریت رفتار و عمل و هیجان‌ها در راستای هدایت آن‌ها به اعتدال و میانه‌روی است که موجب خودسازی و عمل کردن بر طبق عقل و تدبیر انسان می‌گردد و انسان را از شتاب نسنجیده در رسیدن به نتایج مطلوب و خوشایند و یا فرار و دوری کردن از نتایج نامطلوب بازمی‌دارد. صبر شامل جزء هیجانی (احساس آرامش) جزء شناختی (باورهای فرد نسبت به خود، نسبت به موقعیت و نسبت به افراد دیگری که در موقعیت قرار دارند) و جزء رفتاری (واکنش رفتاری به موقعیت خاص) است. صبر یکی از آموزه‌های مهم دینی و از راهبردهای مقابله‌ای مذهبی در برابر فشار روانی است. این مسئله که رفتارهای مذهبی و نگرش دینی در کاهش اضطراب و افسردگی و افزایش شادکامی مؤثرند، از سال‌ها پیش توسط محققین زیادی موردبررسی قرار گرفته است. در قرآن کریم، واژه‌ی صبر بیش از هفتاد بار تکرار شده است. جالب آن‌که، هیچ‌یک از فضیلت‌های دینی به این اندازه در قرآن تکرار نشده است.

• انواع صبر از نظر مذهبی

- صبر به معنی تحمل کردن. انسان سختی را تحمل کند و امر دشوار را به انجام برساند؛
- صبر به معنی بازداری و خودداری کردن، خود را از عملی اختیاری بازدارد، بهترین واکنش را در بهترین زمان ممکن نشان دادن؛
- صبر به معنای مقاومت در برابر سختی‌ها مقاومت در برابر ضربه‌ها و مهارت در به حداقل رساندن فشارهای روانی حاصل از آن‌ها؛
- صبر به معنای انتظار کشیدن باید به انتظار نشست تا اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها در زمان مقتضی خود به ثمر بنشینند؛

• انواع صبر از دیدگاه روانشناسی

- صبر کردن در برابر آزار و اذیت و قضاوت‌های نابه‌جای دیگران؛
- صبر کردن در موقعیت‌های غیرقابل کنترل و احیاناً غیرقابل پیش‌بینی زندگی؛

- | صبر کردن به معنای تأمل کردن و پرهیز از شتاب‌زدگی و عجله در کارها؛
- | صبر کردن به معنای مهار خشم خود؛
- | صبر کردن به معنی مداومت در انجام کارها و ناامید و سرخورده نشدن؛
- | صبر کردن به معنای پرهیز از قضاوت عجولانه و پیش‌داوری کردن؛
- | صبر کردن در مقابل وسوسه‌های گوناگون؛

• فواید صبر

- | افزایش سلامت جسمانی و روانی (مستقیم و غیرمستقیم؛ امیدواری، شادکامی، کفایت و خودمختاری)؛
- | ممانعت از افراط و تفریط (حد وسط؛ نه خیلی کم و نه خیلی زیاد، شتاب و عدم توجه به نتیجه و وسواس در عمل)؛
- | تمرکز بر زمان حال (تمرکز و گذر زمان)؛
- | ارزش‌های جامعه‌پسند (خویشتن‌داری، بخشایشگری، دوراندیشی، کنترل خود، نظم دادن به خود)؛
- | پرورش معنوی (عشق، آرامش و صبر و مهربانی، معنی در رنج و سختی)؛
- | بهبود روابط (مسائل بین فردی، مدارا، همدلی، تنش کمتر)؛

• پرورش صبر

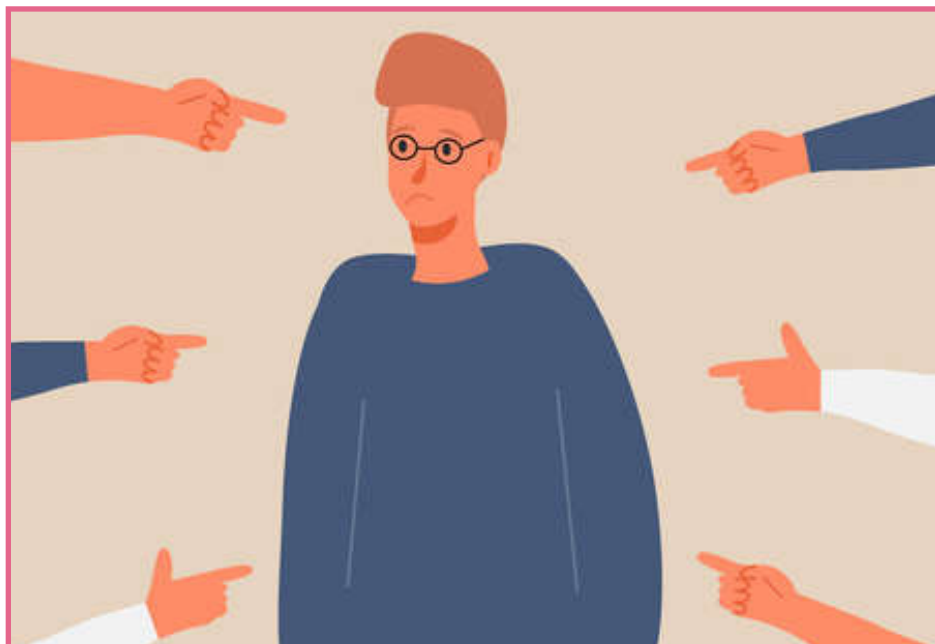
- | توجه‌گردانی (موضوع دیگر و محیط پیرامون؛ حواس خود را به محیط اطراف بدهید)؛
- | شمارش (تنفس شکمی، شمارش نفس‌ها و از صد به پایین شمردن)؛
- | خود آرام‌بخشی با استفاده از حواس (بینایی، چشایی و لامسه)؛
- | تصویرسازی ذهنی (قدرت تجسم، مکان‌های آرامش‌بخش، خیالی یا واقعی)؛
- | تمرین: زمانی که در موقعیت غیرمنتظره و ناراحت‌کننده‌ای قرار گرفتید و احساس بی‌صبری و بی‌قراری کردید، از روش‌هایی که توضیح داده شد برای آرام کردن خود استفاده کنید و تأثیر به‌کارگیری این روش‌ها را در کسب آرامش و صبوری بیشتر خود در جدول زیر یادداشت کنید.

این روش چگونه توانست به صبوری شما کمک کند؟	برای آرام کردن خود چه کردید؟	چه اتفاقی افتاد که احساس ناراحتی کردید؟

• باورهای مؤثر بر رفتار غیرصبورانه

فاجعه‌سازی: اگر شما فکر کنید که رفتارهای کودکان غیرقابل تحمل و فاجعه‌بار است، صبوری لازم برای رفتاری سنجیده با او را از دست می‌دهید.

سرزنشگری: وقتی شما فرزندان را به خاطر رفتار غیر صبورانه‌ای که با او داشته‌اید، سرزنش می‌کنید و این‌طور فکر می‌کنید که او با کارهایش چنان مرا عصبانی کرد که صبرم را از دست دادم، خودتان را مسئول رفتارشان در مقابل رفتار نامناسب او نمی‌دانید و نمی‌توانید با او صبورانه رفتار کنید.



نادیده انگاری شواهد متناقض: اگر شما فرزند خود را نوجوان بدرفتاری بدانید، شواهدی که نشان می‌دهند که او گاهی هم رفتار مناسبی دارد را نادیده می‌گیرید و فقط بدرفتاری‌های او را به یاد می‌آورید و این امر ممکن است باعث شود در مقابل بدرفتاری‌های او تحملتان را بیشتر از دست بدهید.

همه باید انتظاراتی را برآورده کنند و آن‌طور که من از آن‌ها توقع دارم، باشند: اگر نتوانید فرزندتان را با استعدادها و توانایی‌های خاص خودش بپذیرید و از او توقعات بیش‌ازاندازه بالایی از نظر تحصیلی و یا رفتاری داشته باشید، در مقابل مشکلات تحصیلی و رفتاری او بی‌صبر می‌شوید.

باور قلبی نداشتن به پیامدها و اثرات صبر: اگر فکر کنید داشتن رفتار صبورانه با فرزندانتان فایده‌ای ندارد، بلکه اوضاع را بدتر می‌کند، نمی‌توانید در برخورد با مسائل آن‌ها صبوری داشته باشید.

باورها و ارزش‌های دیگران باید مشابه باورها و ارزش‌های من باشد: پدر یا مادری که فکر می‌کند که فرزندانش باید کارها را دقیقاً مطابق آنچه او از آن‌ها خواسته انجام دهند، در مقابل نوآوری‌ها و روش‌های جدیدی که آن‌ها در انجام کارها در پیش می‌گیرند، بی‌صبر خواهد بود.

تمرین

۱- برای هرکدام از باورهای نادرست بالا، مثالی از باورهای خودتان به‌ویژه در رابطه با فرزندانتان بنویسید.

.....

.....

.....

۲- موقعیت زیر را در نظر بگیرید و واکنش معمولی و واکنش صبورانه‌ی خود به این اتفاق را بنویسید.

واکنش معمولی	واکنش صبورانه	موقعیت
		کودکتان در مدرسه نمره‌ی بدی می‌گیرد.
		کودکتان برای آماده شدن برای خواب خیلی کند است.
		کودکتان بدقلقی می‌کند.
		از کودکتان می‌خواهید کاری را انجام دهد ولی حرف گوش نمی‌کند.
		کودکتان از چیزی شکایت می‌کند و غر می‌زند.
		کودکتان می‌خواهد تمام روز تلویزیون تماشا کند یا با کامپیوتر بازی کند.
		کودک از تمامی غذاها ایراد می‌گیرد و نمی‌خورد.

■ حل مسئله معنوی

توانایی مسئله‌گشایی و تفکر در مورد آنچه انجام می‌دهیم در زندگی حیاتی و مهم است. در روابط اجتماعی هم مسئله‌گشایی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. افراد باید بتوانند مشکلات بین فردی خودشان را حل کنند تا به ارتباط خوبی دست پیدا کنند. بررسی دقیق مسئله و ابعاد آن و راه‌حل‌های مختلفی که می‌شود برای آن پیدا کرد، به ما کمک می‌کند تا به بهترین راه برای رسیدن به هدفمان دست پیدا کنیم. این مهارت برای ما انسان‌ها نگاه گسترده‌ای فراهم می‌کند تا در برخورد با مشکلات و مسائل خودمان را برنده احساس کنیم، بدون اینکه در این میان دیگری بازنده باشد. با به کار گرفتن این مهارت، هیچ‌یک از افرادی که با هم در ارتباط هستند و به دنبال موفقیت‌اند احساس باخت نمی‌کنند. وقتی حل مسئله را یاد بگیریم یک آمادگی طبیعی برای ما ایجاد می‌شود تا با واقع‌بینی مسائل را بررسی کنیم و با استرس کمتری راه‌حل را پیدا کنیم.



این مهارت از طریق آموزش هدف‌گزینی برای فعالیت‌های روزمره و چگونگی انجام آن‌ها، شناخت راه‌حل‌های موجود، انتخاب مناسب‌ترین راه‌حل، باعث می‌شود که از ایجاد افکار تکانه‌شی پیشگیری شود. در مرتبه‌ی دوم این مهارت به دلیل اینکه در حوزه‌ی رویکرد شناختی رفتاری قرار دارد و به دلیل اینکه راهبردهای شناختی مرحله‌به‌مرحله هستند، می‌تواند در پیشگیری از ابتلا به اضطراب و افسردگی کمک‌کننده باشد.

همچنین آموزش این مهارت باعث می‌گردد که به‌جای توجه به بعد هیجانی مسائل زندگی که او را به خشونت وامی‌دارد، توجه فرد را به بعد عقلانی و منطقی مسائل سوق دهد، می‌تواند راهبردی مهم در پیشگیری از خشونت در جامعه باشد. آموزش مهارت حل‌مسئله‌ی معنوی می‌تواند از طریق تعدیل راه‌حل‌های هیجان‌مدار به سمت مسئله‌مدار، در پیشگیری از افکار خودکشی نیز مؤثر باشد. فرد معنوی پشتوانه‌های فارغ از زمان و مکان دارد؛ پشتوانه‌های لایتناهی که هیچ‌وقت تمام نمی‌شوند و وقتی به آن‌ها پناه می‌برد، تعادل دوباره‌ی خود را حفظ می‌کند. در حل‌مسئله با رویکرد معنوی هنگامی که فرد دچار مشکل شود، در گام آمادگی با استفاده از دعا، نیایش، راز و نیاز با پروردگار، یاد و ذکر خداوند خود را آرام می‌کند و با باور به حکمت خداوند، معتقد است هیچ‌چیز در جهان بی‌جهت و بی‌علت نیست.

با این دیدگاه، در مسئله‌ای که برای ما رخ داده است نیز حکمت و مصلحتی وجود دارد. در چنین شرایطی، به مسئله، به‌عنوان یک مشکل ناخوشایند و دردسرها فرین نگاه نمی‌کنیم؛ بلکه این مسئله فقط شرایط جدیدی تلقی می‌شود که ما را به چالش می‌کشد و توان ما را می‌آزماید.

• مراحل حل مسئله‌ی معنوی

اولین گام در تمام روش‌های حل مسئله تعریف مسئله و شناخت مسئله‌ای هست که با آن روبرو هستیم. بررسی هر راه‌حلی بستگی به این دارد که آیا مسئله را درست تشخیص داده‌ایم یا نه. این تشخیص درست به ما در حل کردن مسئله خیلی کمک می‌کند.

تمرین

داستان‌های مختلفی رو یادآوری کنید و سعی کنید تا تشخیص دهید که مسئله‌ای که برای شخصیت‌ها پیش آمده، چیست. این تمرین را در مورد خاطرات خودتان و مسائلی که با آن‌ها روبرو شده‌اید نیز انجام دهید.

۱- مشکل چیست؟

۲- چه موقع مشکل اتفاق می‌فتد؟

۳- کجا مشکل اتفاق می‌فتد؟

۴- چه کسی در مشکل دخیل است؟

کسب آرامش عمیق به علت استفاده از منابع معنوی و همچنین مثبت‌اندیشی که در مرحله‌ی اول به‌دست آمده، به فرد این امکان را می‌دهد که با ذهن باز و آزادتر به یافتن و تولید راه‌حل‌های متعدد و فراوان بپردازد.

مسلم است که ایمان به لطف خداوند و یاری‌گرفتن از او، دعا، نیایش، ذکر، کمک گرفتن از صبر، خویش‌داری و بردباری، احتمال دستیابی به راه‌حل‌های مفیدتر، سالم‌تر و مؤثرتر را بسیار تسهیل خواهد کرد؛ زیرا در هنگام مواجهه با یک مسئله، بسیاری از افراد به علت ناتوانی در کاهش احساسات ناخوشایند، به‌شدت دچار تفکرات منفی و ناسالم می‌شوند که توان فکری و ذهنی

آنان را به شدت کاهش می‌دهد. درحالی‌که انجام اعمال معنوی زمینه‌های بازیابی آرامش و امید را برای ما فراهم می‌کند و از این طریق با تمرکز، آرامش خاطر و انسجام فکری بیشتر، به کشف راه‌حل‌های احتمالی خواهیم پرداخت. این محله پیشنهاد راه‌حل‌های مختلف برای مسئله و بعد فهرست کردن راه‌حل‌های مختلف برای ارزیابی بهتر و انتخاب راه‌حل مناسب هست. در ارزیابی و انتخاب راه‌حل باید خلاق و انعطاف‌پذیر بود.

تمرین

راه‌حلهایی که به فکرتان رسیده است را لیست کنید و بررسی کنید هرکدام چطور می‌توانند مسئله را حل کنند یا چه پیامدهایی برای شخصیت داستان می‌توانند داشته باشند.

.....

.....

.....

هنگامی که مجموعه‌ای از راه‌حل‌های احتمالی را فهرست کردیم، گام بعدی ارزیابی راه‌حل‌ها و انتخاب یک یا چند مورد از آن‌ها برای رسیدن به هدف است. لازم است در این مرحله بر اساس ملاک‌های واقع‌بینانه نکات مثبت و منفی، محاسن و معایب، عملی بودن، موانع و منافع هر راه‌حل را بسنجیم. همچنین ما بایستی در این گام از پیامدهای هر راه‌حل آگاه باشیم و با توجه به آن‌ها دست به انتخاب بزنیم. در اینجا اولویت بر انتخاب راه‌حلهایی است که علاوه بر حل کردن مسئله، پیامدهای منفی را برای ما به حداقل برسانند. به‌طورکلی ما باید در انتخاب راه‌حل‌ها به نکات زیر توجه داشته باشیم:

۱- آیا بیشترین اثر را بر مسئله دارد؟

۲- نکات مثبت و منفی آن در رابطه با زمان، میزان تلاش، هزینه‌ی مالی و

حالت هیجانی ما چیست؟

۳- اثرات مثبت آن بر محیط و اطرافیان ما چیست؟

۴- آیا در تمامی حالت‌ها عمل کردن به آن رضایت‌بخش خواهد بود؟

۵- آیا سازگار با استانداردهای اخلاقی و اجتماعی است؟

۶- آیا نکات منفی آن قابل‌تحمل و جبران‌پذیر هستند؟

بعد از این بررسی و انتخاب می‌توانید راه‌حل را به اجرا بگذارید. انعطاف‌پذیر بودن اینجا معنی پیدا می‌کند. اگر در مرحله‌ای متوجه شوید که این راه‌حل خوب پیش نمی‌رود باید به راه‌حل‌های دیگر فکر کنید. در مرحله‌ی اجرا اگر قبلاً بررسی‌های کافی انجام شده باشد مشکلی پیش نمی‌آید و مسئله حل می‌شود.

تمرین

۱- مراحل ارائه‌شده را تحت عنوان «آموزش مسئله‌گشایی به کودکان» نیز می‌توانید به کار ببرید. در صورت امکان با فرزند خود یک نمودار خطی برای حل مسئله تهیه کنید.

۲- از فرزندتان و سایرین بخواهید قول بدهند وقتی دچار درگیری شدند، برای حل مشکل نشستی با شما داشته باشند. وظیفه‌ی شما این است که کودکان را در جریان مسئله‌گشایی راهنمایی کنید و در عین حال آن‌ها را از سرزنش کردن همدیگر، فحش دادن، داد و فریاد کردن و غیره منع کنید. در صورت بروز خشم و عصبانیت آن‌ها را از همدیگر جدا کنید تا خونسردی‌شان را به دست بیاورند و سپس دوباره کار را شروع کنید. شاید بخواهید نمودار مسئله‌گشایی را به اندازه‌ی یک پوستر بزرگ کنید و به هنگام راهنمایی کودکان از آن استفاده کنید. به محض اینکه بچه‌ها نسبت به یک راه‌حل به توافق رسیدند باید کمک کنید تا واقعاً کاری را انجام بدهند که در مورد آن توافق دارند.

گاهی لازم است مسئله را برای مدتی کنار گذاشت و پس از گذشت زمان، دوباره به آن بازگشت. در حل مسئله‌ی معنوی در مدت‌زمانی که مسئله‌ها شده است:

همان‌طور که خداوند برای حل مشکلات، بندگانش را به مشورت امر کرده است، بایستی در مورد راه‌حل‌های خود با دیگران مشورت کنیم و نقاط قوت و ضعف آن‌ها را از نظر دیگران نیز جویا شویم. چه بسا ممکن است جنبه‌هایی از نقاط قوت و ضعف یک راه‌حل از نگاه خود ما پوشیده شده باشد و مشورت کردن با دیگران آن را بر ما عیان کند.

به دعا و نیایش پرداخته می‌شود و از خداوند خواسته می‌شود که راه‌حل مسئله را نشان دهد؛ در بسیاری از موارد خداوند مهربان راه‌حل را به واسطه عواملی مانند خواندن یک کتاب، قرار دادن شخصی بر سر راه ما و صحبت کردن با او و بسیاری از عوامل دیگر به ما نشان خواهد داد. نظام هستی در حل مسئله به ما کمک خواهد کرد.

تجسم کردن مسئله که در حال حل شدن است و هر روز را روزهای تازه دانستن. اگر مسئله هنوز حل نشده است، احتمال دارد که خداوند راه‌حل را نشان دهد؛ یا به نحوی به ذهن فرد انداخته شود که چگونه مسئله را حل کند و یا موقعیت و شرایط را به نحوی تغییر دهد که مسئله حل شود. در برخی مواقع احتمال دارد که دیدگاه فرد نسبت به مسئله و حل آن عوض شود؛ مثلاً آن را فرصتی برای خودسازی و برگشت به سوی خدا و کنار جستن از گناهان استفاده کند.

شب پیش از خوابیدن، رابطه صمیمانه ذهنی، قلبی، کلامی و رفتاری با خداوند داشتن و به دعا و راز و نیاز با خداوند پرداختن، باایمان به لطف خداوند در کمک به حل مسئله به خواب رفتن و با حسن ظن به خداوند امید را به ایمان تبدیل کردن؛ در هنگام اضطراب فکر را به آرامی از مسئله به

مهربانی و لطف خداوند معطوف کردن و تکرار این جمله: «من در این راه به خدا توکل کرده‌ام و کار خود را به او سپرده‌ام و از بار سنگین اضطراب و ناراحتی و افکار منفی نجاتم خواهد داد»؛ داستان حکایت از توکل دارد تا جایی که می‌توانی با معنویت باش و ناامید نشو. مانند ابراهیم (علیه‌السلام) در بالای منجیق به خدا امیدوار باش و فکر نکن آخر راه است که شاید آتش نیز بر تو گلستان شود. این را باید در افکار، پندار، هیجان و حالات و رفتار خود نشان دهیم.

شکرگزاری از خدا به خاطر آرامش به محض بیدار شدن از خواب: ایمان به حمایت خداوند، ترس، اضطراب و افکار منفی را دور می‌کند. باور به اینکه انسان از طریق ناخودآگاه جمعی با خدا و کل هستی در تماس است و باور به اینکه خداوند راه‌حل مسئله را می‌داند و آن را از طریق ناخودآگاه به ما القاء خواهد نمود، بسیار زیبا و کمک‌کننده است. انجام دادن موارد بالا در یافتن راه حل مسئله کمک شایانی خواهد کرد.



ما در دنیایی پیچیده و در میان انسان‌هایی پیچیده‌تر زندگی می‌کنیم. همه ما در طول روابطمان با اطرافیان، در معرض آسیب هستیم و چه بسا بسیاری از این آسیب‌ها غیرمنصفانه و بر اثر بی‌عدالتی نسبت به ما رخ می‌دهد. متأسفانه تعارضات بین فردی و آسیب‌های ناعادلانه بخش جدایی‌ناپذیر روابط انسان‌ها است و در صورت واکنش نامناسب و به‌کارگیری راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد در برابر آن‌ها، اثرات مخرب بلندمدتی برای سلامت روانی و جسمی افراد خواهد داشت و خطر ابتلا به مشکلات روانی (از قبیل پرخاشگری، خشونت، خصومت، افسردگی، استرس، عدم تأمین حمایت اجتماعی و اضطراب) و جسمی (از قبیل تنگی نفس، اختلال در سیستم عصبی سمپاتیک، زخم معده، سردردهای مزمن، بیماری‌های قلبی عروقی و گرفتگی عضلات) ناشی از خشم درون‌ریزی شده یا برون‌ریزی شده فراهم می‌گردد. افراد هنگام مواجهه با تعارض بین فردی یا استرس اجتماعی به شیوه‌های مختلفی مقابله می‌کنند. شاید فرد به‌طور مستقیم مقابله به‌مثل کند، مثلاً انتقام بگیرد یا شاید از موقعیت یا فرد خاصی اجتناب کند. ولی هم ابراز و هم سرکوب پرخاشگری شاید با پیامدهای سلامت منفی مرتبط باشد. گزینه‌ی سوم، بخشایش است. شاید فرد انتخاب کند که فرد خاطی را به خاطر خطایش ببخشد. بخشیدن دیگران فرایندی است که در آن هیجانات، شناخت‌ها و رفتارهای منفی مرتبط با خشم، رنجش و خصومت از طریق افزایش خود به خودی هیجانات، شناخت‌ها و رفتارهای مرتبط با همدلی، شفقت و عاطفه نسبت به فرد خاطی کاهش می‌یابند. در این تعریف مشخص می‌گردد که بخشایشگری هر سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری را در بر می‌گیرد. بخشایشگری یعنی میل به گذشت از آزار و قضاوت منفی نسبت به کسی که غیرمنصفانه ما را آزار داده است؛

درحالی که در خود دلسوزی، سخاوت و عشق نسبت به فرد خاطی (هرچند که فرد خاطی سزاوار آن نباشد) را می‌پرورانیم. در فرایند بخشایشگری انسان‌ها بینش پیدا می‌کنند که بتوانند از رنج‌ها و دردهای گذشته آزاد شوند و بتوانند روبه‌جلو حرکت کنند و یاد بگیرند دیگران را بپذیرند. بخشش در قرآن بسیار مورد تأکید قرار گرفته است.

تمرین

نامه‌ای به فرد رنجاننده بنویسید و در آن توضیح دهید که به خاطر آن کار اشتباه چقدر عصبانی هستید. در آن نامه بنویسید که چرا عصبانی هستید و به خاطر کاری که او انجام داده است چه رنجی می‌کشید.

زمانی که به اتفاقی که به شما آسیب زده و شخصی که با شما بدرفتاری کرده است فکر می‌کنید، واژه‌هایی را که به ذهنتان خطور می‌کند (هم نسبت به فرد خطاکار و هم نسبت به عمل خطا) بنویسید.

همدلی یعنی این که اگر شخصی ناراحت است ما نیز هنگام همدلی کردن با او، احساس ناراحتی کنیم، نه این که فقط برای او احساس تأسف کنیم. فرض کنید صمیمی‌ترین دوست شما دچار حادثه‌ای شده است. وقتی شما او را می‌بینید یا از این موضوع مطلع می‌شوید، چه احساسی دارید؟ آیا شما می‌خندید و به سادگی از کنار او عبور می‌کنید؟ قطعاً این‌طور نیست. شما حتماً برای دوست خود ناراحت می‌شوید. ناراحتی شما برای دوستتان و اتفاقی که برای او افتاده است، همان همدلی کردن است. این همدلی کردن برای یک دوست راحت است؛ در صورتی که نسبت به شخصی که به ما آسیب غیرعادلانه رسانده است، دشوار خواهد بود. اگر بتوانیم تصور کنیم که فرد رنجاننده انسانی است که رنج می‌کشد، می‌توانیم تصور کنیم که به او چه گذشته است و چه احساسی دارد.



برای فهمیدن او لازم است که به تمام ویژگی‌های شخصیت و رفتار او توجه کنید. همچنین ممکن است مفید باشد که به چگونگی زندگی فرد خطاکار توجه کنید. با فکر کردن به زندگی فرد خطاکار ممکن است متوجه شوید که او آن قدر که شما تصور می‌کنید اوضاع خوبی ندارد.

تمرین

- در چند جمله (حداقل پنج مورد) موضوع ناگوار و دشواری را که اطلاع دارید در زندگی او اتفاق افتاده است توصیف کنید. اگر به صورت واقعی اطلاعاتی از زندگی او ندارید، به صورت خیالی بنویسید. به عنوان مثال: او از این که به تازگی از همسرش طلاق گرفته است بسیار آشفته است.

- حال جملات تمرین قبل را بازنویسی کرده و خودتان را به جای او جایگزین کنید. به عنوان مثال: من از این که به تازگی از همسرم طلاق گرفته‌ام، بسیار آشفته هستم. یک تمرین تصویرسازی ذهنی هدایت شده را امتحان کنید. در مکانی آرام که هیچ چیزی حواستان را پرت نمی‌کند، روی یک صندلی راحت بنشینید. چشمان خود را ببندید و چند نفس عمیق بکشید. وقتی که آرام شده‌اید، بر قلب خود، گرمی آن و حس خوش آن تمرکز کنید.



امروزه محصولات رسانه‌ای دیجیتال به‌آسانی در دسترس همه‌ی کودکان و نوجوانان هستند و رادیو، تلویزیون، بازی‌های ویدئویی، تلفن هوشمند، شبکه‌های اجتماعی و به‌صورت کلی اینترنت نقش اصلی را در زندگی ما و کودکان و نوجوانان بازی می‌کند. این رسانه‌ها تأثیرات عمیق مثبت و منفی بر رشد اجتماعی، شناختی و رفتاری افراد می‌گذارد. با گسترش روزافزون تکنولوژی و همه‌گیری استفاده از ابزارهای الکترونیکی، مدت‌زمان دسترسی افراد به محتواهای مختلف به‌کمتر از یک دقیقه رسیده است و این زمان به‌مرور حتی در حال کاهش نیز هست.

گاهی به‌نظر می‌رسد رسانه‌ها برای فرار از تنهایی گزینه‌ی خوبی محسوب می‌شوند و افراد با استفاده از آن، می‌توانند بر غم و اندوه خود غلبه کنند. اما در واقعیت می‌بینیم که رسانه به فرزندان ما گوشه‌گیری، اضطراب، اضافه وزن و ... می‌دهد. هر یک از این موارد به تنهایی می‌تواند یک متغیر منفی برای حضور مثبت کودک و نوجوان در اجتماع و ارتباط با دیگران باشد؛ در حالی که رسانه، این مجموعه را با هم می‌سازد. از طرف دیگر نمایش بی‌پرده و گاه تقدیس‌شده‌ی جرم و جنایت و قهرمانانه نشان دادن گروه‌های تبهکار می‌تواند باعث فهم اشتباه فرزندان ما از جرائم و مجرمین شده و در نهایت کودکان و نوجوانان بجای دوری از این موارد، به ستایش و تعریف از آنان بپردازند.

بطور کلی استفاده‌ی افسارگسیخته از رسانه‌ها؛ به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی با سطوح بالاتری از تنهایی، حسادت، اضطراب، افسردگی، خودشیفتگی و کاهش مهارت‌های اجتماعی مرتبط است.

هر چند نمی‌توان تأثیرات مثبت رسانه را نادیده گرفت، ولی اقدام معقول این است که در برهه‌ی حساس کنونی که فضای مجازی بدون کنترل شده است،

کودکمان را در این ورطه تنها نگذاریم. والدین با افزایش سواد رسانه‌ای خود و انجام اقدامات اساسی می‌توانند قدم‌های مثبتی در این خصوص بردارند. در ادامه به ارائه راهکارهای ساده‌ای برای کاهش نقش منفی رسانه‌های بصری می‌پردازیم.

والدین برای اینکه بتوانند تأثیر محتوای نامناسب را بر روی فرزندان خود به حداقل برسانند، بایست اقدامات ساده و آسانی را مکرراً انجام دهند:

| به برنامه‌هایی که کودک و نوجوان شما در حال تماشای آن است، توجه کنید و با او به تماشا بنشینید. هر چه کودک کمسن‌تر، تأثیرپذیری بیشتر؛

| از تلویزیون، فیلم، بازی رایانه‌ای و ... به‌عنوان پرستار کودک استفاده نکنید. والدین پرمشغله اغلب برای اینکه فرزندشان با آن‌ها کار نداشته باشد، این کار را انجام می‌دهند؛

| تلویزیون را فقط در صورتی که مطمئن هستید برنامه‌ی مفیدی در حال پخش هست، روشن کنید و نه همیشه؛

| تلویزیون را کانون خانه نکنید. اگر تلویزیون در مرکز توجه باشد، همواره بهانه‌ای برای روشن کردن (حتی بی‌دلیل) آن فراهم می‌شود؛

| قبل از خواب اجازه‌ی استفاده از ابزارهای دیجیتال را ندهید. تصاویر دریافتی در مغز کودک مانده و ممکن است باعث بروز بدخواهی و کابوس شود؛

| محدودیت زمانی برای مشاهده‌ی فیلم و ... تعیین کنید. همان‌طور که برای سلامت فرزندان، رژیم غذایی مناسب تهیه می‌کنید، یک رژیم رسانه‌ای نیز برای او فراهم نمایید؛

| هرگز اجازه‌ی استفاده از تلویزیون و سایر ابزارهای دیجیتال را در داخل اتاق کودک و در خفاء ندهید؛

| در هنگام دیدن صحنه‌های خشونت‌بار توضیح دهید که اگرچه بازیگر اصلی فیلم در این صحنه صدمه‌ای ندید اما در دنیای واقعی‌ای چنین ضربه‌ای منجر به آسیب، جراحت و حتی مرگ می‌شود. همچنین برای خشونت کلامی هم بیان کنید که استفاده از این واژه در تعامل با دوستان و آشنایان باعث تحقیر و تمسخر آنان شده و موجب از بین رفتن رابطه‌ی دوستی خواهد شد؛

| اجازه ندهید که صحنه‌های نامناسب واضح نمایش داده شود و به‌محض مشاهده، کانال را تغییر دهید یا نمایش فیلم و انیمیشن را متوقف کنید؛

هنگامی که قهرمان داستان برای حل مشکلات از خشم استفاده می‌کند، توضیح دهید که راه‌های بهتری هم وجود داشت و این بهترین روش برای حل مسئله نبود؛

با والدین دوستان فرزندان نیز تماس بگیرید و تلاش کنید یک شبکه‌ی محله‌ای برای عدم نمایش محتوای نامناسب به همسالان محیط زندگیتان به وجود آورید؛

در هنگام دانلود، خرید یا استفاده از محصولات رسانه‌ای دیجیتال به برچسب راهنمای والدین آن توجه کنید و به هیچ‌وجه محتوای نامناسب برای کودک و نوجوان تهیه نکنید؛

با استفاده از منابع موجود در اینترنت، وضعیت محصول رسانه‌ای که کودک یا نوجوان قصد دارد تماشا کند را در نظام رتبه‌دهی پیدا کنید و در صورتی که برای سن فرزندان مناسب نیست، از مشاهده آن جلوگیری نمایید؛

پس از مشاهده‌ی یک خبر نامناسب با سن؛ زمانی را به صحبت با کودک در خصوص آن موضوع اختصاص دهید؛

در صورت امکان گذران اوقات فراغت فرزندان را از تلویزیون دیدن به سمت مطالعه، بازی، ورزش و ... تغییر دهید.





■ راهنمای دانلود محتوای مناسب برای کودک و نوجوان

امروزه تأثیر رسانه‌ها، بر ساختار روانی کودکان و نوجوانان بر کسی پوشیده نیست و از این رو درجه‌بندی سنی فیلم‌ها همواره یکی از دغدغه‌های جدی دست‌اندرکاران سلامت روان کودک و نوجوان بوده است. مخاطبان کوچک‌تر ادراک متفاوتی از تصاویر پخش‌شده در قالب فیلم دارند؛ بر همین اساس بیشتر کشورها با دقت و ملاحظه‌ای جدی این تأثیرات را دنبال و بر آن نظارت می‌کنند. وبسایت‌های دانلود فیلم، سریال و بازی کامپیوتری و موبایلی، در قسمت توضیحات اثری که قصد دانلود آن را دارید، علامت‌ها یا کلماتی را قرار می‌دهند. این نشان‌ها در واقع مشخص می‌کنند که محصولی که قصد خرید یا دانلود آن را دارید، آیا برای کودک یا نوجوان شما مناسب است یا خیر؟ معروف‌ترین نظام درجه‌بندی محصولات رسانه‌ای در ادامه آورده شده‌اند.



• فیلم‌های سینمایی

درجه‌ی G: مختص تماشاگران عمومی است و بیشتر شامل انیمیشن‌های کودکان می‌شود. البته برخی از فیلم‌های کمدی، درام یا فیلم‌های مستند که در بردارنده‌ی مسائل غیراخلاقی و مضر برای کودکان نیستند هم در این درجه‌بندی قرار می‌گیرند. در واقع این درجه‌بندی شامل آثاری است که حاوی صحنه‌های غیراخلاقی، خشونت و استعمال مواد مخدر نیستند.

درجه‌ی PG: فیلم‌های این دسته، نیازمند راهنمایی والدین هستند، در واقع والدین تشخیص می‌دهند که تماشای این فیلم‌ها برای کودکانشان مناسب است یا خیر؟ به والدین توصیه می‌شود که فیلم‌ها را تماشا کنند و سپس درباره‌ی آن‌ها تصمیم بگیرند. فیلم‌های این دسته عاری از صحنه‌های استعمال مواد مخدر است؛ اما ممکن است کمی خشونت داشته باشند.

درجه‌ی PG-۱۳: این درجه مختص فیلم‌هایی است که تماشای آن‌ها برای کودکان زیر ۱۳ سال نیازمند راهنمایی والدین است. در واقع وقتی فیلمی در این گروه قرار می‌گیرد به والدین تذکر می‌دهد که ممکن است برای کودکان زیر ۱۳ سال صحنه‌های نامناسب داشته باشد، البته در این فیلم‌ها هم خبری از صحنه‌های غیراخلاقی و نامتعارف و خشونت نیست؛ ولی مصرف مواد مخدر ممکن است وجود داشته باشد.

درجه‌ی R: درجه R محدودشده است و فیلم‌های این درجه، مختص بزرگسالان است و برای افراد زیر ۱۷ سال مناسب نیست. در کشورهای غربی تماشای این فیلم‌ها، همراه با والدین صورت می‌گیرد و توصیه شده است که والدین ابتدا خود این فیلم‌ها را ببینند و در صورت تمایل با فرزندان به تماشای آن بنشینند.

درجه‌ی NC-۱۷: این درجه‌بندی نشانگر این است که فیلم‌هایی که در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند، برای افراد ۱۷ و زیر ۱۷ سال مناسب نیستند و نباید به تماشای آن‌ها بنشینند. چون ممکن است دربردارنده صحنه‌های نامناسبی باشند.

GENERAL AUDIENCES

G

G GENERAL AUDIENCES
ALL AGES ADMITTED



PARENTS STRONGLY CAUTIONED

PG-13

PG-13 PARENTS STRONGLY CAUTIONED
SOME MATERIAL MAY BE INAPPROPRIATE FOR CHILDREN UNDER 13



PARENTAL GUIDANCE SUGGESTED

PG

PG PARENTAL GUIDANCE SUGGESTED
SOME MATERIAL MAY NOT BE SUITABLE FOR CHILDREN



RESTRICTED

R

R RESTRICTED
UNDER 17 REQUIRES ACCOMPANYING PARENT OR ADULT GUARDIAN



NO ONE 17 AND UNDER ADMITTED

NC-17

NC-17 NO ONE 17 AND UNDER
ADMITTED



• سریال‌ها



رده TV-Y

این رتبه مخصوص کودکان است و برنامه‌هایی را پخش می‌کنند که همه‌ی کودکان با همه‌ی سنین می‌توانند این برنامه‌ها را تماشا کنند. این برنامه‌ها بیشتر برای یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند و محدودیت خاصی ندارد.

رده TV-77

این رتبه‌بندی محتوای مناسب برای افراد بالای ۷ سال را در برمی‌گیرد و این برنامه‌ها می‌توانند مهارت‌های زندگی کودکان را افزایش دهند.

رده TV-G

این رتبه‌بندی برای تمامی سنین است و همه می‌توانند با این رتبه، برنامه‌ها را نظاره کنند. این سریال‌ها امتیاز این را دارند که همه‌ی خانواده در کنار هم بدون محدودیت خاصی برنامه‌های تلویزیونی را ببینند.

رده TV-PG

این رتبه از برنامه‌ها می‌تواند برای کودکان با سنین پایین مناسب نباشد. خانواده می‌تواند با صلاح‌دید خود این برنامه‌ها را برای کودکان خود به نمایش درآورند. قوانین این برنامه‌ها عبارت‌اند از: بدون ناسزا یا بسیار خفیف، بدون روابط جنسی و در نهایت نداشتن گفتگوی خشن.

رده TV-۱۴

این برنامه‌ها برای کودکان زیر ۱۴ سال مناسب نیستند و خانواده‌ها این برنامه‌ها را برای آن‌ها مجاز نمی‌دانند.

رده TV-MA

این سری از برنامه‌ها برای سنین پایین ۱۷ مناسب نیستند. در این سری سریال‌ها، روابط جنسی به صورت محدود و در بعضی مواقع برهنگی دیده می‌شود.



همچنین ممکن است در قسمت توضیحات، یکی از حروف زیر نیز کار درجه‌بندی سنی فیلم‌ها آورده شده باشد.

- دیالوگ‌های خشن (D)
- صحنه‌های جنسی (S)
- ناسزا و توهین (L)
- خشونت و خونریزی (V)



• بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی



خردسالان (EC): این بازی برای افراد بالای ۳ سال توصیه می‌شود. بسیار ساده هستند و هیچ‌گونه خشونت در آن‌ها دیده نمی‌شود.



همه (E): این بازی‌ها برای افراد بالای ۶ سال توصیه می‌شود و یا ورزشی هستند و یا فانتزی و لحن و فضایی کودکانه دارند.



همه +10 (E10+): این بازی‌ها برای افراد بالای ۱۰ سال توصیه می‌شود. این درجه‌بندی برای بازی‌هایی به کار می‌رود که خشونت بسیار پایینی دارند و اغلب لحنشان کمی خشونت‌آمیز است.



نوجوانان (T): این بازی برای افراد بالای ۱۳ سال توصیه می‌شود. خشونت، موضوعات و سوسه‌انگیز، مقدار کمی خون، مشروبات الکلی یا زبان تند دارند.



جوانان (M): این بازی‌ها برای افراد بالای ۱۷ سال توصیه می‌شوند و حاوی خشونت زیاد، خون، محتوای جنسی، برهنگی یا لحن بسیار خشن و زننده هستند.



فقط بزرگسالان (AO): این بازی‌ها فقط مناسب افراد بالای ۱۸ سال هستند و حاوی محتوای جنسی یا خشونت بسیار شدید هستند.

همچنین پس از تشکیل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در ایران، ترویج «فرهنگ استفاده مطلوب از بازی‌های رایانه‌ای» به‌عنوان یک هدف اساسی و مهم تعیین شد. علت انتخاب چنین هدفی در ایران، بهره‌مندی از قدرت آموزشی و تأثیرگذاری بازیه‌ای رایانه‌ای و دور شدن از احتمال ابتلا به اختلالات روحی و روانی و آسیب‌های منجر به استفاده نامناسب از آن بود. یکی از فعالیت‌هایی که از ابتدای سال ۹۵ توسط نظام ESRA جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در حوزه بازی‌های ویدئویی انجام می‌گیرد، مشخص کردن شدت تأثیرگذاری محتواهای آسیب‌رسان بازی‌ها بر روی مخاطبان خود از طریق امتیازدهی به هر یک از محتواهاست، که به‌وسیله درج تصویرنگاره‌های محتوایی بر روی بسته‌بندی بازی‌ها به اطلاع خانواده‌ها می‌رسد و آن‌ها می‌توانند در هنگام خرید بازی با دقت به این تصویرنگاره‌ها از شدت تأثیرگذاری هر یک از محتواهای آسیب‌رسان آن بازی مطلع شوند.



این تصویرنگاره میزان شدت تأثیرگذاری بازی بر روی مخاطبان را در زمینه دخانیات و مواد مخدر مشخص می‌کند.



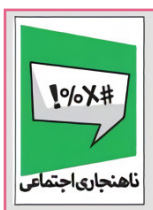
این تصویرنگاره میزان مهارت موردنیاز برای انجام بازی را مشخص می‌کند و مخاطبان با توجه به امتیازی که برای این تصویرنگاره در نظر گرفته شده است به میزان سختی انجام بازی پی می‌برند. به‌طور مثال امکان دارد یک بازی رده ۳+ (مناسب برای همه سنین) دریافت کرده باشد، یعنی فاقد محتوای آسیب‌رسان باشد، ولی سبک بازی به‌گونه‌ای باشد که انجام بازی نیاز به مهارت بالا داشته باشد و مناسب بازیکنان مبتدی نباشد.



این تصویرنگاره میزان شدت ترس را در هر یک از بازی‌ها مشخص می‌کند. محدودیت دید و تاریکی، محیط‌ها و فضاهای خرابه، صداهای محیط با منبع نامشخص، مواجهه با انواع هیولاه‌ها، اتفاقات ناگهانی و ... از جمله معیارهایی می‌باشند که میزان شدت تأثیرگذاری عناصر ترس را بر روی بازیکنان مشخص می‌کنند.



این تصویرنگاره میزان شدت خشونت در هر یک از بازی‌ها را مشخص می‌کند و نشان‌دهنده تأثیرگذاری صحنه‌های خشونت‌آمیز بازی بر روی بازیکنان است. از جمله تکرار و تنوع صحنه‌های خشونت‌آمیز و قساوت‌آمیز، میزان پاشیده شدن و حجم خون موجود در بازی، استفاده از سلاح‌های سرد و گرم متنوع، دعوا و درگیری‌های نفره‌نفر و غیره .



این تصویرنگاره میزان شدت ناهنجاری‌های اجتماعی هر یک از بازی‌ها را مشخص می‌کند. از جمله این موارد نوع و میزان تکرار کلمات ناشایست در بازی، موسیقی‌های ناهنجار و رفتار خارج از عرف می‌باشند.



این تصویرنگاره میزان انتقال حس یأس و ناامیدی هر یک از بازی‌ها بر روی بازیکنان را نمایش می‌دهد. پوچی و بی‌هدف بودن داستان بازی، اتفاقات ناامیدکننده مرتبط با قهرمان‌بازی و کارهایی که در بازی باعث عذاب وجدان در بازیکن شود از جمله معیارهایی هستند که حس یأس و ناامیدی را به بازیکن منتقل می‌کنند.

همچنین والدین برای اطمینان از محتوای مناسب برای کودکان و نوجوانان می‌توانند از سایت «کدومو» استفاده کنند. در معرفی این سایت آمده است که: کودک یک ذهن خالی دارد و با تماشای هر چیزی آماده‌ی یادگیری است. در این سن، آن‌ها قادر به تشخیص چیزهای خوب و بد از هم نیستند. آن‌ها تنها چیزهایی را که دیده‌اند، می‌پذیرند و دنبال می‌کنند. بنابراین والدین باید برای تماشای کارتون، پابه‌پای فرزندان خود وقت بگذارند و مراقب آنچه کودکان تماشا می‌کنند، باشند. کودکان قلب و ذهنی صادق و مهربان دارند؛ فقط باید به آن‌ها مسیر درست را نشان داد.

کدومو

اما در این مسیر شما والدین عزیز تنها نیستید و می‌توانید با تیمی از کارشناسان زبده و باتجربه همراه شوید تا مناسب‌ترین محصولات سن و حالات روحی و روانی فرزند خود را انتخاب کنید و مطمئن باشید محصولی که فرزند شما استفاده می‌کند باعث رشد و پیشرفتش خواهد شد.

وبسایت «کدومو» فعالیت خود را از سال ۱۳۹۸ آغاز کرده و هدفش ارزیابی محصولات رسانه‌ای به‌منظور دستیاری خانواده‌های ایرانی است.

سایت «کدومو» به ارزیابی فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های تلویزیونی، انیمیشن، کتاب، بازی‌های موبایلی و رایانه‌ای، نرم‌افزارها و دیگر محصولات رسانه‌ای می‌پردازد. معیارهای ارزیابی شامل بررسی پیام مثبت، الگوی مثبت، خشونت، ناهنجاری‌های اجتماعی، ترس و ناهنجاری‌های دینی این محصولات است که با بررسی هریک

از این معیارها، سنّ پیشنهادی محصولات توسط کارشناسان مشخص خواهد شد. البته بخش مهمی که از نیازهای اساسی خانواده‌ها برای انتخاب محصول مناسب است، بخشی است با عنوان «آنچه لازم است والدین بدانند». در این بخش، کارشناسان با نگاهی روان‌شناسانه با خانواده همراه می‌شوند و به بررسی جامع محصول و تأثیرات آن بر فرزندان می‌پردازند. خانواده‌ها می‌توانند با مشاهده و لحاظ ارزیابی‌های انجام‌شده و سنّ مشخص‌شده، با اطمینان خاطر، محصول مناسب فرزند خود را انتخاب کنند.

◀ ملاحظات درسی

کتب درسی کودکان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای آموزشی، مفاهیم مهمی در دل خود دارد. ایجاد پیوند بین این مفاهیم با مهارت‌های اجتماعی و شناختی موردنیاز فرزندان، باعث تثبیت عمیق‌تر آموخته‌ها شده و کودکان را در یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی همراهی می‌نماید.

در ادامه جدول بررسی کتاب‌های درسی شش پایه‌ی تحصیلی دبستان، که قرابت مفهومی هر درس با مهارت‌های نزدیک و مربوط به پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم (مانند حقوق و تکالیف شهروندی و مدیریت احساسات) را تعیین می‌کند، ارائه می‌شود. شما با داشتن این جدول راهنما، می‌توانید جنبه‌های آموزشی پنهان در متن دروس را برای فرزندان آشکار ساخته، یادگیری او را چندبعدی کرده و درس را از حالت ایستا، به حالت پویا درآورید.

عنوان درس	مهارت مرتبط
نگاره ۱: به خانه ما خوش آمدی	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
نگاره ۲: بچه‌ها آماده	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
نگاره ۳: یک، دو و سه، راه مدرسه	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
نگاره ۴: به مدرسه رسیدیم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
نگاره ۵: از کلاس ما چه خبر	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
نگاره ۶: بازی، بازی، تماشا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم پرورش حلاقیت
نگاره ۷: به به، چه روستایی!	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
نگاره ۸: چه دنیای قشنگی!	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم مدیریت احساسات
نگاره ۱۰: نوروز در خانه ی ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱: آب - باران	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۳: مدرسه - کلاس	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۴: توت- تاب	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۶: ایران - سرباز	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۸: دریا- اردک	مدیریت احساسات
درس ۱۰: پرواز - جنگل	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۳: نارنج و برنج- خروس خوش آواز	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۶: در بازار	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱۷: صدای موج- سفر دلپذیر	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۸: علی و معصومه- مثل خوشید	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲۰: رضا- خاطرات انقلاب	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲۱: لاک پشت و مرغابی ها	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات مدیریت خشم
درس ۲۲-۲۲: پیامبر مهربان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

کتاب قرآن

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۲: نعمت های خدا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۳: خانه ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۴: قرآن بخوانیم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۵: کودک مسلمان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

پایه‌ی دوم ابتدایی

کتاب فارسی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱: کتابخانه کلاس ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲: مسجد محله ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۵: چوپان درستکار	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۶: کوشا و نوشا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۷: دوستان ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۸: از همه مهربان تر	مدیریت احساسات
درس ۱۲: فردوسی	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۳: ایران زیبا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۴: پرچم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم مدیریت احساسات
درس ۱۵: نوروز	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۶: پرواز قطره	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

کتاب قرآن

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۴: سوره ناس	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۹: سوره عصر	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱۰: سوره فیل	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۳: سوره تین	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۴: سوره قدر، باغی میان آتش	مدیریت احساسات

کتاب هدیه‌های آسمان

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۴: مهربان تر از مادر	مدیریت احساسات
درس ۸: جشن میلاد	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۸: راز خوشبختی	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

پایه سوم ابتدایی

کتاب فارسی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱: محله ی ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲: زنگ ورزش	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۴: آواز گنجشک	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۶: فداکاران	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۸: پیراهن بهشتی	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۲: ایران عزیز	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۴: ایران آباد	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

کتاب مطالعات اجتماعی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۳: آیا ما مثل هم هستیم؟	مدیریت احساسات
درس ۵: خانواده ام را دوست دارم	مدیریت احساسات
درس ۷: از بزرگترها قدردانی کنیم	مدیریت احساسات
درس ۸: چرا با هم همکاری کنیم؟	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۹: مقررات خانه ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۰: نیازهای خانواده چگونه تامین می شود؟	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۱: منابع	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۲: درست مصرف کنیم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۳: بازیافت	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

عنوان درس

مهارت مرتبط

مدیریت احساسات	درس ۴: خانه ام را دوست دارم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۵: خانه ها با هم تفاوت دارند
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۶: خانه ی شما چه شکلی است؟
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۷: از خانه محافظت کنیم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۸: مدرسه دوست داشتنی ما
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۹: مکان‌های مدرسه را بشناسیم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۲۰: خانه شما کجاست؟
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۲۱: جهت‌های اصلی
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۲۲: پست
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۲۳: ایمنی در کوچه و خیابان

کتاب هدیه‌های آسمان

عنوان درس

مهارت مرتبط

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۵: روز دهم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۱: عید مسلمانان
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۳: انتخاب پروانه
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۶: داناترین مردم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۸: آینه ی سخنگو
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۱۹: گندم از گندم بروید

پایه‌ی چهارم ابتدایی

کتاب فارسی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱: آفریدگار زیبایی	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۴: ارزش علم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۶: آرش کمانگیر	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۷: مهمان شهر ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۰: باغچه اطفال	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۱: فرمانده دل‌ها	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۵: شیر و موش	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

کتاب هدیه‌های آسمان

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۲: کودکی بر آب	مدیریت احساسات
درس ۳: ما به مسجد می‌رویم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۵: سخنی که سه بار تکرار شد	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۸: دیدار دوست	آموزش معاشرت و آداب اجتماعی
درس ۱۱: بدون عنوان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۳: خاله نرگس	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۵: یک ماجرای زیبا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۶: اسب طلایی	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

مهارت مرتبط

عنوان درس

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۱۵: آموزش سوره نبا

مهارت مرتبط

عنوان درس

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۱: همسایه ما

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۲: اینجا محله ی ماست

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۳: خرید و فروش در محله

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۴: نقشه محله ما

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۵: زندگی در شهر و روستا

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۷: جغرافی دانان چگونه محیط زندگی را مطالعه می کنند؟

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۸: نخستین روستاها چگونه به وجود آمدند؟

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۹: نخستین شهرها چگونه به وجود آمدند؟

پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۱۱: سفر به همدان

پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۱۲: سفری به تخت جمشید

پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۱۳: سفری به تخت جمشید ۲

پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

درس ۱۴: سفری به شهر باستانی کرمانشاه

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱۵: کوه ها و دشت های زیبا	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۶: آب و هوا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۹: از محیط زیست مراقبت کنیم	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲۰: نشانه های ملی ما	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲۱: تقویم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۲۲: روزهای مهم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۴: بازارگان و پسران	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۵: چنار و کدوبن	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۶: سرود ملی	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم مدیریت احساسات
درس ۸: دفاع از میهن	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۹: نام آوران دیروز، امروز، فردا	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۰: نام نیکو	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۱: نقش خردمندان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۲: درس آزاد (فرهنگ بومی ۲)	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم مدیریت احساسات
درس ۱۳: روزی که باران می بارید	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم مدیریت احساسات
درس ۱۴: شجاعت	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۵: کاجستان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۶: وقتی بوعلی کودک بود	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۷: کار و تلاش	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

مهارت مرتبط

عنوان درس

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱: من با دیگران ارتباط برقرار می‌کنم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم	درس ۲: احساسات ما
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۳: همدلی با دیگران
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم	درس ۴: من عضو گروه هستم
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۵: جمعیت ایران
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۶: مابعد آب در ایران
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۷: نواحی صنعتی ایران
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی	درس ۸: راه‌ها و حمل و نقل
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم	درس ۱۰: چه کسانی کشور ما را اداره می‌کنند؟

مهارت مرتبط

عنوان درس

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱: دسته‌گلی از آسمان درس ۲: تنها او
مدیریت احساسات	درس ۳: بانویی که یک سوره قرآن ...
مدیریت احساسات	درس ۴: از نوزاد بپرسید
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۵: گل صد برگ

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۶: مال مردم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۷: رنگین کمان جمعه	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۸: دو نامه	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۹: یک جهان جشن	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۲: خورشید پشت ابر	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۳: کوچک های بزرگ	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۴: بزرگ مرد تاریخ	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۵: بهمن همیشه بهار	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۶: روزنامه های دیواری	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم
درس ۱۷: این ها و آن ها	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱: معرفت پروردگار	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۴: داستان من و شما	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۵: هفت خان رستم	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۶: ای وطن	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۸: دریاقلی	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۹: رنج های کشیده ام که می‌رس	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۰: عطار و جلال‌الدین محمد	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۱: شهدا خورشیدند	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۲: دوستی : مشاوره	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۳: فرهنگ بومی	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۴: راز زندگی	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱۵: میوه هنر	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۱۶: آداب مطالعه	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۱۷: ستاره روشن	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات

کتاب هدیه‌های آسمان

عنوان درس	مهارت مرتبط
درس ۱: یکتا	مدیریت احساسات
درس ۲: بهترین راهنمایان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۳: سرور آزادگان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۴: باغ سری	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۵: شتریان با ایمان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۶: سیمای خوبان	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۷: دست در دست دوست	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات
درس ۸: دوران غیبت	آموزش حقوق و تکالیف شهروندی
درس ۹: جهان دیگر	پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات

عنوان درس

مهارت مرتبط

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱۰: آداب زندگی
پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱۱: راه تندرستی
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱۳: عید مسلمانان
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱۴: راز موفقیت
آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱۵: حماسه آفرینان جاودان
پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	درس ۱۶: زیارت درس ۱۷: دانش آموز نمونه

کتاب مطالعات اجتماعی

عنوان درس

مهارت مرتبط

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	فصل ۱: دوستان ما
پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	فصل ۲: تصمیم گیری
پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم آموزش حقوق و تکالیف شهروندی مدیریت احساسات	فصل ۷: اوقات فراغت

◀ دعا و نیایش

خداوند در آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی مبارکه غافر می‌فرماید: **أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛** مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم. از این رو دعا برای خود و فرزندانمان فرصت استجابتی است که براساس متون دینی و کلام خداوند، به آن تاکید شده است. همچنین مطالعات اخیر نشان داده که دعا کردن و نمازخواندن برای سعادت افراد و گره‌گشایی از مشکلاتشان، اثرات ملموسی بر آنان دارد که امروزه این اثربخشی کاملاً به اثبات رسیده است. از سوی دیگر تربیت معنوی که با الگوپذیری فرزندان از والدینشان امکان‌پذیر می‌شود، خود عامل محافظت‌کننده‌ی قدرتمندی در برابر آسیب‌های اجتماعی می‌باشد. در اهمیت نماز خواندن برای نیک‌بختی فرزندان، روایت است که امام صادق (ع) هر شب دو رکعت نماز برای سعادت فرزندان‌شان می‌خواندند. شایسته است والدین گرانقدر نیز برای سلامت روانی و اجتماعی عزیزانشان و مصون ماندن آنان از آسیب و بلایا، برای فرزندان خود نماز خوانده و از خداوند متّان سعادت دنیوی و اخروی آنان را مطالبه کنند. عالمان و اندیشمندان دینی ترتیبات خاصی برای نماز والدین جهت سعادت فرزندان قائلند که نمونه‌هایی از آن را می‌توانید در رمزینده‌ی پاسخ سریع زیر مشاهده نمایید.





همچنین در خصوص دعا خواندن نیز پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: دعای سه گروه - بدون شک- مستجاب می‌گردد؛ دعای مظلوم، دعای مسافر و دعای پدر برای فرزند خود^۱؛ و دعای مادر از موانع اجابت دعا می‌گذرد^۲. بنابراین پدران و مادران عزیز بهتر است این فرصت را غنیمت شمرده و دعاها را زیر را خوانده و به این واسطه با خدا گفتگو نمایند.

بارالها؛ تو خدای ما و همه‌ی عالم هستی. ما را کمک کن تا در کنار هم زندگی خوبی داشته باشیم.

خدایا؛ به ما و همه‌ی مردم کمک کن تا در هنگام خشم و عصبانیت، خودمان را کنترل کنیم.

خدایا توانی بده تا مراقب شهری که در آن زندگی می‌کنیم باشیم و شهر و مردمانش را دوست بداریم. به ما توان بده همیشه مهربان باشیم.

خدای مهربان؛ ما می‌دانیم اگر اشتباهی از ما سر زد تو ما را می‌بخشی و مثل همیشه دوستمان داری.

خدایا از تو تقوا، خویشتن‌داری، توانگری و عمل به آنچه که تو دوست داری و می‌پسندی را خواستاریم.

خدایا بر پیامبر مهربانت و خاندان عزیزشان درود بفرست و ما را از پیروان ایشان قرار بده.

۱. مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۳۶۵ و مکارم الأخلاق ج ۲ ص ۲۰

۲. مشکاه الانوار، ص ۲۷۲

◀ منابعی برای مطالعهی بیشتر

ما سعی کردیم در این کتابچه، هر آنچه را که در خصوص پیشگیری از تخریب اموال عمومی و وندالیسم مورد نیاز شما می‌باشد را ارائه کنیم. منتهی اگر می‌خواهید در این باره اطلاعات بیشتری به دست آورید، منابعی که در زیر معرفی می‌شوند، می‌توانند به شما کمک کنند.



وندالیسم: مبانی روان‌شناسی اجتماعی
نویسنده: علیرضا محسنی تبریزی
انتشارات: آن؛ ۱۳۸۴



آسیب‌های شهری در تهران
نویسنده: سمیرا کلهر، عقیل دغاقله
انتشارات: جامعه‌شناسان؛ ۱۳۹۰

- محمودی قرائی، جواد؛ ۱۳۹۰؛ آموزش روان شناختی در اختلالات روانپزشکی کودکان و نوجوانان، اداره سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- غباری بناب، باقر؛ راقبیان، رویا؛ ۱۳۹۶؛ آموزش مهارت صبر؛ نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان؛ وزارت آموزش و پرورش
- غباری بناب، باقر؛ هاشمی گشنیگانی، رامین؛ ۱۳۹۶؛ آموزش مهارت بخشایشگری؛ نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان؛ وزارت آموزش و پرورش
- غباری بناب، باقر؛ هاشمی گشنیگانی، رامین؛ نصرتی، فاطمه؛ ۱۳۹۶؛ آموزش مهارت حل مسئله؛ نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان؛ وزارت آموزش و پرورش
- اخوت، احمدرضا؛ فیاض، فاطمه؛ ۱۳۹۶؛ آموزش مهارت خیرگزینی؛ نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان؛ وزارت آموزش و پرورش
- عابدی فاطمه، منادی مرتضی. بررسی و تحلیل میزنوخته‌های کلاسهای دبیرستانهای شهرستان کرج. فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت. ۱۳۹۵؛ ۳۲ (۱): ۳۳-۴۸
- حسینی، محمد رضا؛ نوابخش، مهرداد؛ رحیمی، زهرا (۱۳۹۸)، بررسی جامعه شناختی تاثیر سبک زندگی بر پرخاشگری و وندالیسم شهری نوجوانان و جوانان لرستان. جامعه پژوهی فرهنگی . ۱۰-۲۸.
- مطلق، معصومه؛ ندری، ساجده (۱۳۹۲)، بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش دانش‌آموزان پسر به وندالیسم در محیط مدارس (مطالعه موردی دبیرستان های شهرستان خرم آباد). مطالعات جامعه شناختی جوانان ۱۰. ۱۱۷-۱۳۶.
- مهاجران، بهناز؛ اکبری، تقی؛ حسنی، محمد؛ موسوی، میرنجف؛ سامری. مریم (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین رشد اعتقادی با خودپنداره و رفتار شهروندی و مقایسه آنها در دانش‌آموزان دختر و پسر. تربیت اسلامی ۲۴. ۱۱۹-۱۳۸.
- حقوق نیوز؛ وندالیسم یا تخریب گرایی چیست؟ وندال ها چه کسانی هستند ادلایل وندالیسم به آدرس (www.newslaw.net/)
- بخارایی، احمد؛ شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۴) تحلیل جامعه شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای وندالیستی (مطالعه موردی: در کلانشهر مشهد). پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی ۱۰. ۲۱-۴۸.
- سایت دانشنامه اسلامی به آدرس: www.wiki.ahlolbait.com
- سایت دانشنامه حوزوی به آدرس: www.wikifeqh.ir

سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه به آدرس: www.hawzah.net

نگاهی به پدیده نوظهور «وندالیسم» در جهان؛ بیمار یا مجرم؟ (<https://ebtekarnews.com/>)
([pdf.۷/۰۶/۰۸/۱۳۹۴/archive](https://ebtekarnews.com/ebtekarnews/2017/06/08/1394/archive.pdf))

پدیده وندالیسم و تخریب اموال عمومی به آدرس (<https://www.shiraz.ir/bundles/FileRepository>)
([.5520b3325880fa.pdf/۳۶۵/](https://www.shiraz.ir/bundles/FileRepository/5520b3325880fa.pdf))

Shore ;k (2018) Dealing with School Vandalism: <http://drkennethshore.nprinc.com/for-teachers/dealing-school-vandalism>

DUI Defense Team (2017). Top 3 Places Where Vandalism Occurs (<https://defenseaz.com/blog/top-3-places-where-vandalism-occurs/>)

Vorobyeva, I. V., Kruzhkova, O. V., & Krivoshchekova, M. S. (2015). The genesis of vandalism: from childhood to adolescence. *Psychology in Russia*, 8(1), 139.